



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

فصل‌نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی، ۶۴ صفحه
دوره نهم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۱، ۶۲۰۰ ریال

روش آموزش



برای معلمان، مدرسان، هنرجویان و دانشجویان هنر

www.roshdmag.ir

گذرگاه هنری تابستان و یک پیشنهاد
آشنایی با نقد هنری
مؤلفه‌های گرافیک ایرانی
کاریکاتور، هنر ایجاز و اغراق





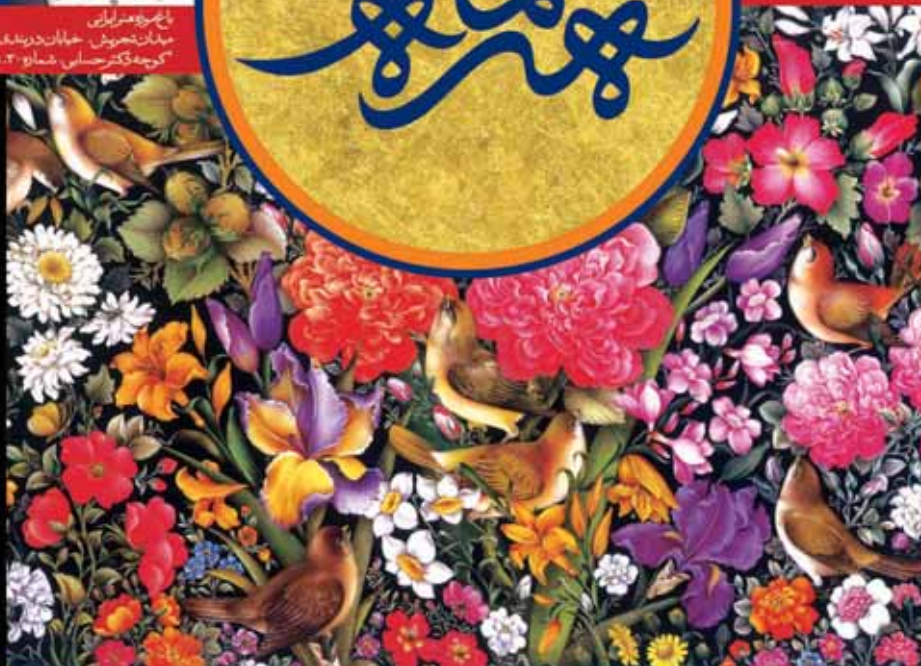
نمایشگاه آثار نقاشان قهوه‌خانه

موزه امام‌علی (ع) از سه‌شنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۹۰ به مدت یک‌ماه



موقع: امام‌علی (ع)
خیابان ولیعصر، قاطع‌نشین، بلوار استعدیاری
پلاک ۳۵، تلفن: ۷۷-۱۱۰-۲۲

باغ و معاصر ایرانی
میدان تصویر، خیابان درویشی (مقصد یک)
کوچه گل‌تختی، شماره ۳۰، تلفن: ۶۵-۱۳۶۸۶۰



نمایشگاه آثار نگارگران معاصر ایران

باغ‌موزه هنر ایرانی، از سه‌شنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۹۰ به مدت یک‌ماه

میدان تصویر، خیابان درویشی (مقصد یک)
کوچه گل‌تختی، شماره ۳۰، تلفن: ۶۵-۱۳۶۸۶۰
www.affirmationsgarden.ir

نمونه پوستر طراحی شده توسط استاد قباد شیوا

- ۲- گذرگاه هنری تابستان و یک پیشنهاد
۳- مؤلفه‌های گرافیک ایرانی
۴- آشنایی با نقد هنری / علیرضا مهدی‌زاده
۵- علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس هنر / آزاده دهقانی
۶- کتابی در معرفی هنر پتینه / مهدی الماسی
۷- عکس ببینیم، عکس بگیریم / مهسا قباپی
۸- کاریکاتور، هنر ایجاز و اغراق / سیدعلی معراجی
۹- نقاشی کودکان و نقش آن در پرورش خلاقیت / جواد محمدی صبا
۱۰- آموزش خط تحریری در دبستان / کاوه تیموری
۱۱- مشکلات تدریس هنر / سیده مریم حسینی راد
۱۲- هنرمند مجسمه‌ساز / حمید قاسم‌زادگان
۱۳- هنر در آینه پژوهش



فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی، ۶۴ صفحه
دوره نهم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۱

مدیر مسئول: محمد ناصری وبگاه: www.roshdmag.ir

سردبیر: کاوه تیموری رایانامه: honar@roshdmag.ir

هیئت تحریریه: تلفن مجله: (داخلی ۴۲۸) ۹-۸۸۸۳۱۱۶۲ - ۰۲۱

علاءالدین کیالاشکی، مهدی الماسی، مجتبی بابائیان، پیام‌گیر نشریات رشد: ۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۰۲۱

حمید قاسم‌زادگان و مهسا قباپی مدیر مسئول: ۱۰۲ دفتر مجله: ۱۱۳

مدیر داخلی: زهرا آرامون امور مشترکین: ۱۱۴

ویراستار: فریدون حیدری ملک‌میان نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

طراح گرافیک و جلد: پریسا سندیسی تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۲۱

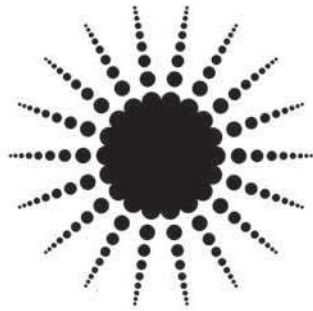
نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶ شمارگان: ۷۷۰۰ نسخه

تهران، صندوق پستی: ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵ چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

روی جلد اثر استاد قباد شیوا، به مناسبت نمایشگاه نقاشان مکتب سقاخانه در افتتاح موزه هنرهای معاصر تهران- ۱۳۵۶

قابل توجه همکاران نویسنده و مترجم

- مجله رشد آموزش هنر، آثار همه هنرمندان و استادان و صاحب‌نظران، به ویژه معلمان و مدرسان هنر و نیز، هنرجویان و دانش‌جویان رشته‌های هنری را که در نشریات عمومی منتشر نشده باشد، برای چاپ می‌پذیرد. ● مطالب ارسالی باید با اهداف کلان آموزش هنر در نظام آموزشی کشور همخوان باشد و به حل مشکلات ریز و درشت آموزش هنر در مدارس و مراکز رسمی آموزش کمک کند. ● مطالب باید با خطی خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شود و حاشیه صفحه و فاصله سطرها برای اعمال ویرایش مناسب باشد. ● حجم مقالات از ۱۵ صفحه دست‌نویس و ده صفحه حروفچینی بیشتر نباشد. ● اگر مطلبی، عکس یا تصویر و جدول و نمودار دارد، جای قرار گرفتن آن‌ها در حاشیه صفحات مشخص شود و تمام موارد به صورت لوح فشرده (یا فورمت tif یا jpeg و dpi حداقل سیصد) همراه متن فرستاده شود. ● کپی صفحات اصلی متن ترجمه ضمیمه شود تا در صورت لزوم، بررسی صحت ترجمه و همخوانی آن با متن اصلی ممکن باشد. ● اهداف مقاله و چکیده آن همراه پنج کلیدواژه در صفحه‌ای مجزا ضمیمه شود. ● معرفی کوتاه پدیدآورنده، همراه نشانی و مخصوصاً شماره تلفن او در برگه‌ای جدا پیوست باشد. ● پی‌نوشت‌ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، مترجم، نام کتاب، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه باشد. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. ● مطالب چاپ‌شده، لزوماً بیانگر دیدگاه گردانندگان مجله نیست و مسئولیت پاسخگویی با پدیدآورنده است. ● دفتر مجله از نگهداری یا بازگرداندن مطالب رد شده، جز در موارد خاص، معذور است. ● ترتیب چاپ مطالب، به معنای درجه‌بندی و ارزش‌گذاری نیست، بلکه بر حسب ملاحظات فنی و رعایت تناسب و تنوع است.



س د م ق ا ل ه

گذرگاه هنری تابستان

آغاز هر تابستان، پایان شور و حال مدرسه و فراغت یافتن از مقررات و ضوابطی است که نوعی رهایی و آرامش نسبی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند. معمولاً این آرامش و رهایی روح، فرصت بسیار مغتنمی را برای ایجاد گرایش به هنر مهیا می‌سازد. تجربه سالیان تدریس نشان می‌دهد که دانش‌آموزان نقشه‌های زیادی برای کیفی کردن تعطیلات تابستان در سر می‌پرورانند. حال اگر گرایش و ذوق دانش‌آموزان را با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح اوقات فراغت و ایجاد امکانات لازم همراه کنیم، تابستانی مؤثر و خاطره‌انگیز فراهم می‌شود. به همین سان باز تجربه ثابت کرده که بخش قابل توجهی از اوقات فراغت تابستانی بهترین فرصت برای آموزش هنرهای تجسمی است.

در واقع اگر در طول نه ماه مدرسه، آموزش رسمی هنر دنبال می‌شود، در تابستان با فراهم شدن بسترهای آموزشی غیررسمی هنر، فرایند آموزش، شکل تکمیلی خود را پیدا می‌کند؛ البته با این تفاوت اساسی که در تابستان تمرکز و دقت نظر آموزشی در موارد مورد علاقه مثل هنر اثر خیره‌کننده‌تری بر جای می‌گذارد و یافته‌ها و دستاوردهای هنری دانش‌آموزان در این فصل به سرمایه‌ای مهم در سال تحصیلی تبدیل می‌شود و جریان آموزش هنر با کیفیتی بیشتر به پیش می‌رود تا آن‌جا که دانش‌آموزان با تبحری که در کلاس‌های هنری تابستان و در طی یک دوره زمانی کوتاه به دست می‌آورند، به مددکارانی برای معلمان خود در زنگ هنر تبدیل می‌شوند و این نکته مصداق‌های عینی زیادی دارد. بنابراین با این مقدمات لازم است دبیران و معلمان گرامی هنر در راستای تداوم بخشی و نهضت آموزش هنر، استفاده



رشد آموزش
هنر
دوره نه‌م
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۱



ویک پیشنهاد

مطلوب از فرصت طلایی تابستان را برای بچه‌ها یادآوری کنند. بازدید از نمایشگاه‌های هنری، موزه‌ها، شرکت در جشنواره‌ها و تورهای هنری از شیوه‌هایی است که در حکم «مدرسه نامرئی هنر» به وسعت دید بصری و افزایش سواد هنری می‌انجامد و گوشه‌هایی از فرهنگ، تاریخ و تمدن کشور دیرپای ایران را به ما می‌شناساند و این فرصتی است که استفاده نکردن از آن برابر با از دست دادن گوهر گرانبه‌ای وقت خواهد بود.

در کنار این نکته مهم، یک ضرورت دیگر تقویم‌دار کردن رویدادهای هنری در آموزش و پرورش است. مسابقات دانش‌آموزی از سطح مدرسه، منطقه، شهر و استان و در نهایت سطح ملی نیازمند زمان‌بندی مناسب و در کنار آن اطلاع‌رسانی و فضا سازی در محیط‌های دانش‌آموزی است. این نکته می‌تواند به پویایی و جنب و جوش بیشتر جریان آموزش هنر در مدرسه کمک شایانی کند و فرصتی را برای به‌بار نشستن فعالیت‌های هنری فراهم سازد. واقعیت این است که هرگونه فعالیت هنری از مسابقه تا مدرسه و یا جشنواره در منطقه یک گذرگاه فرهنگی و هنری محسوب می‌شود که ارتباط رخ‌به‌رخ خانواده هنر در آموزش و پرورش را به‌وجود می‌آورد و از این‌رو ویژگی مهربانانه هنر را بهتر عیان می‌سازد.

هم‌چنین در آن جایی که هنر به وسیله‌ای برای همدلی و هم‌زمانی تبدیل می‌شود، خاطرات خوش و ماندگاری را در ذهن دانش‌آموزان برجای می‌گذارد.

البته باید افزود که این‌ها تنها گوشه‌ای از دنیای لذت‌آفرین هنر است؛ چرا که هنوز گوشه‌های نزیسته و فرح‌بخشی در آن وجود دارد که باید با کسب تجربه بیشتر تحصیل شود.

سردبیر





پوستر کنگره فارس شناسی - ۱۳۸۴

اشاره

گفت و گو

مؤلفه‌های گرافیک ایرانی

گفت‌وگوی هیئت تحریریه مجله با
استاد قباد شیوا

رشد آموزش
هنر
دوره نهم
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۱

یکی از رسالت‌های مهم تعلیم و تربیت انتقال میراث فرهنگی به دانش‌آموزان است. برای این مهم زبان هنر بسیار نافذ و تأثیرگذار است. به‌طور طبیعی وقتی سخن از میراث فرهنگی به میان می‌آوریم، با اصل مهم و سرنوشت‌ساز هویت در تمام ابعاد آن مواجه می‌شویم. هنر در شئون مختلف خود آینه‌ای است که هویت هر ملتی را می‌توان در آن به تماشا نشست. کم‌رنگی تصویر هویت در آینه هنر هر ملتی نشان‌دهنده شدن آن جامعه از پیوندهای عمیق فرهنگی و بیگانگی با ریشه‌های ناب و استوار درخت فرهنگ آن ملت است. نوع نگاه به هنرهای جدید و این زمانی از جمله هنر ارتباطات تصویری یا گرافیک و طرز تفکر در مواجهه با این مقوله هنری وقتی با بینش فرهنگی و مطالعات وسیع تاریخی آمیخته می‌شود به راحتی می‌تواند این نکته را روشن کند که گرافیک کاربردی و کاربرد گرافیک در هنر و زندگی مردم ایران زمین سابقه‌ای دیرینه دارد. از روزن این نگاه و داشتن اندیشه‌ای با این پایه می‌توان گرافیکی بنا نهاد که در آن مؤلفه‌های گرافیک ایرانی قابل بررسی بوده و نزدیک‌ترین نسبت را به هویت اصیل ایرانی دارا باشد. استاد قباد شیوا عمری است با این بینش هنری پایه‌گذار و قوام‌بخش گرافیک ایرانی بوده‌اند. در گفت‌وگوی حاضر ضمن بسط بیشتر این موضوع، بحث را با ایشان دنبال کرده‌ایم که آگاهی یافتن از برخی از دغدغه‌ها، بایسته‌ها و ضرورت‌های آموزشی گرافیک به مثابه نکته‌هایی درس‌آموز می‌تواند برای هر یک از معلمان و مدرسان هنر روشن‌کننده مسیر حرکت باشد. با تشکر از استاد قباد شیوا که حضور تحریریه رشد هنر را پذیرا شدند، این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم:



● تیموری: استاد شیوا بسیار سپاس گزاریم از این که این فرصت را در اختیار مجله قرار دادید تا قدری از تجربیات ارزشمند شما - که به مثابه بحر در کوزه است - استفاده بکنیم.

به اجمال خدمتتان عرض می‌کنم که عمده مخاطبان مجله رشد آموزش هنر مدرسان و معلمان هنر هستند که با جمعیت هدف قابل توجه و بنا به برآورد اولیه ما با حدود نزدیک به ۱۴ میلیون دانش آموز ارتباط مستقیم دارند. واضح است که این جبهه تماس و خیل عظیم می‌تواند نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری حس زیبایی‌شناختی رده‌های مختلف آموزشی داشته باشد؛ یعنی در حقیقت ما می‌توانیم از این فرصت برای جاری و ساری ساختن ارزش‌های هنری استفاده بکنیم و این یکی از مباحث مهمی است که ما به عنوان جامعه فرهنگی به آن می‌بالیم و همیشه سعی کرده‌ایم در هنرهایمان پیوند با رشته‌های فرهنگی را عمیق نگه داریم چنان که این امر حتی در آثار هنرمندان ما تجلی پیدا کرده است. از شما خواهش می‌کنم ابتدا توضیحاتی در مورد پیشینه و سلوک هنری تان ارائه بفرمایید و سپس درخصوص مؤلفه‌های گرافیک ایرانی و آن چه که به عنوان ضرورت‌های آموزشی در شرایط امروز احساس می‌کنید، مطالبی بیان کنید.

شیوا: ضمن خوشامدگویی عرض کنم که شما در داخل کاری هستید که ما در حاشیه و ته آن قرار داریم. شما فکر می‌کنید

که کارتان را همه بلدند، در صورتی که این‌طور نیست. وقتی مجله‌تان را ورق می‌زدیم آن را خیلی زیبا، خوب و بامحتوا دیدیم. اما درخصوص شرح حال خودم که در هر سایتی موجود است به اجمال عرض کنم که من چهارم بهمن ۱۳۱۹ در خانواده‌ای ساکن در دامنه الوند زاده شدم. پدرم یک هنرمند تمام و کمال و کارمند ثبت اسناد همدان بود که من خیلی چیزها از ایشان آموختم و اصلاً هر آن چه که دارم در واقع میراثی از اوست. پدرم عارف، خطاط و خوش‌نویس بود و شعر هم خوب می‌سرود. موسیقی ایرانی را کاملاً می‌شناخت و به‌خوبی تار می‌نواخت، اما به‌دلیل داشتن روحیه عرفانی هیچ‌وقت به اجرای موسیقی به‌صورت عمومی نپرداخت. البته همه این مسائل در محیط خانواده اتفاق می‌افتاد و همچنین در حضور دوستان نزدیک پدرم که یکدیگر را می‌شناختند و گاهی دور هم جمع می‌شدند و به‌طور دوستانه برنامه اجرا می‌کردند. من در چنین محیطی بزرگ شدم. در محیط خانه ما پیوسته حرف از موسیقی و ادبیات بود. محله ما دُرْدآباد - که همان درودآباد است - جنب مسجد شریف‌الملک واقع بود؛ در منطقه‌ای به‌نام سردوش که منزل ما در یک کوچه آن قرار گرفته بود. گاهی اوقات فکر می‌کردم که از موسیقی فقط سوت‌زدن را بلد هستیم، اصلاً شعر هم نمی‌توانم بگویم و خطم نیز بد است. اما چه شد که من به دنبال نقاشی رفتم؟ آن زمان‌ها هنوز گرافیک معنی نداشت. یادم است در همدان نقاشی به‌نام «کارگر» بود که از دوستان پدرم محسوب می‌شد. آن موقع من دست در دست پدر از این مغازه به آن مغازه و از این خیابان به آن خیابان می‌رفتم. تا این که یک روز به آتلیه

محیط‌های
آموزشی فقط
می‌توانند
بسترسازی کنند
اما نمی‌توانند
هنرمند بسازند.
هنرمند شدن
مربوط به
بن‌مایه و
جوهره فردی
آدم‌هاست



نقاشی مرحوم کارگر رفته و نقاشی‌های او را دیدم. نقاشی چیزی بود که در خانه ما وجود نداشت. همان‌طور که گفتم موسیقی و ادبیات بود اما چیزی به نام نقاشی در خانه نداشتیم. ولی من ریشه این قضیه را پیدا کردم که چرا به دنبال نقاشی رفته. طبیعتاً از همان وقت‌ها چیزهایی می‌کشیدم تا این‌که کارم کم‌کم جدی‌تر شد و به آتلیه مرحوم سیف‌اله گلپریان رفته و در آن‌جا به اصطلاح امروزی‌ها تلمذ کردم. آن‌زمان در دبیرستان‌ها زنگ‌های نقاشی و کاردستی به موازات هم پیش می‌رفت منتها عشق به نقاشی در وجود من بر خواندن جبر و مثلثات و دیگر دروس کلاسیک دوران دبیرستان غلبه داشت. حتی در فرجه‌های امتحانات نهایی که به ما می‌دادند من این فرجه‌های ۲۰ روزه امتحانات نهایی را برای کشیدن نقاشی به دامن طبیعت الوند می‌رفتم. حتی اگر باد و بوران هم بود برایم اهمیتی نداشت. یادم می‌آید که به چند تا از نقاشی‌هایم کاه چسبیده بود چون که رنگ و روغن تر بود و به آن می‌چسبید. از همان وقت‌ها شنیده بودم که در تهران جایی به نام دانشکده هنرهای زیبا وجود دارد که در آن رشته نقاشی تدریس می‌شود. از آن پس بود که تمام انرژی خود را مصروف رفتن به دانشکده هنرهای زیبا کردم. البته خانواده‌ام به من گفتند که به کار نقاشی ادامه بدهم اما در فلان رشته که بهتر است، تحصیل کنم. من گوش نکردم و پس از شرکت در کنکور در رشته نقاشی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شدم؛ چون نقاشی را واقعاً دوست داشتم.

وقتی که دانشجو بودم، پدرم بضاعت مالی خوبی نداشت که به‌قدر کافی برایم پول بفرستد تا بتوانم درس بخوانم و نقاشی کنم. البته پولی را هم که می‌فرستاد می‌دانستم که در واقع از زندگی خودش می‌زند. به همین خاطر یکی از اهداف من این بود که در تهران هم کار کنم و هم درس بخوانم.

آرزو می‌کردم که یک روز به پدرم زنگ بزنم و بگویم که دیگر برایم پول نفرستید. چون می‌دانستم برایشان سنگین است. بعدها به خوابگاه امیرآباد رفته و دست به کارهایی زدم که کمترین

هزینه را برایم داشته باشد. در دانشکده زیر نظر مرحوم علی محمد حیدریان کار می‌کردیم و خیلی چیزها یاد گرفتیم که اگر بخواهم همه این موارد را بگویم مجبورید یک شماره ویژه چاپ کنید.

● تیموری: چه کسانی از استادان آن‌زمان بیشترین تأثیر را روی شما گذاشتند؟

○ شیوا: در آن‌زمان سیستمی بود که همه بچه‌ها با هم کار می‌کردیم و مرحوم حیدریان هم استاد همه ما بودند؛ راهنمایی می‌کردند و عیوب کارهایمان را می‌گفتند. استاد حیدریان از شاگردان کمال‌الملک بودند. از سال‌های بعد سیستم تعلیم در دانشکده هنرهای زیبا تغییر کرد و دانشجویان در سه آتلیه اختصاصی مرحوم جواد حمیدی، استاد محمود جوادپور و خانم استاد بهجت صدر به صورت مستقل تعلیم داده می‌شدند. برای مثال بنده در آتلیه استاد جوادپور و مرحوم ممیز در آتلیه مرحوم استاد حمیدی و آیدین آغداشلو در آتلیه استاد صدر به آموزش خود ادامه دادیم.

مرحوم حیدریان کم‌کم مدیریت می‌کردند و دیگر پای کار نمی‌آمدند. بدین ترتیب می‌توانم بگویم که معلم اول من پدرم بود، معلم دوم مرحوم سیف‌اله گلپریان، معلم سوم استاد حیدریان و بعد طبیعتاً استاد جوادپور. در همین دوره بود که آقای محسن وزیری با انرژی بسیار زیاد از ایتالیا آمد و در دانشکده به عنوان استاد با ما شروع به کار کرد.

به‌نظر من محیط آموزشی بسیار خوب است اما هیچ محیط آموزشی در هیچ‌جای دنیا نمی‌تواند هنرمند خلق کند. فقط یک سیستم درست همراه با اعضای هیئت علمی خوب، فضای خوب و جامعه خوب به شخصی که عاشق آن کار است سرعت رسیدن به اهدافش را تسریع می‌کند و گرنه یک فرد صفر کیلومتر اگر به بهترین دانشگاه‌های دنیا هم برود ممکن است چیزی نشود و در عوض فردی که از وسط کویر آمده و هیچ دانشگاهی هم نرفته است می‌بینید که شاهکار می‌کند. محیط‌های آموزشی فقط می‌توانند بسترسازی کنند اما نمی‌توانند هنرمند بسازند. هنرمند شدن مربوط به بن‌مایه و جوهره فردی آدم‌هاست.

● تیموری: چه عاملی باعث شد تا از نقاشی به‌سوی گرافیک تغییر مسیر بدهید؟

○ شیوا: در دانشکده هنرهای زیبا نقاشی می‌کردیم و این دقیقاً زمانی بود که آقای محسن وزیری آمد و کم‌کم ما را به‌سوی عرفان در نقاشی هدایت کرد یعنی چیزی که به آن انتزاع می‌گویند و به‌نظر من عرفان هم همین است. قبل از آن، من باب مثال کاسه و کوزه می‌کشیدیم و پروژه‌های دانشکده را انجام می‌دادیم که خیلی آکادمیک بود اما با دوستانی که حتماً می‌شناسید مرحوم اصغر محمدی، ابراهیم جعفری و آقای نامی شب‌ها از دانشکده بیرون نمی‌رفتیم و تا صبح کارهای تجربی‌مان را انجام می‌دادیم. بعدها با

عده‌ای از دوستان از جمله مرحوم مرتضی ممیز، مرحوم سیروس مالک با همان پول‌های دانشجویی روبه‌روی دانشگاه گالری ایران را راه انداختیم که بعدها به یاد یکی از دوستان از دست رفته، آن را به گالری قن‌دریز تغییر نام دادیم. البته آقای پاکباز و آقای محلاتی هم بودند. در هر صورت یک شور و عشقی در وجودمان حاکم بود که واحدهای دانشکده را به عنوان یک تکلیف انجام نمی‌دادیم؛ برخلاف امروز که همه بچه‌ها فقط در پی انجام تکلیف هستند و این واقعاً دردناک است و البته ضدهنر. آن موقع‌ها کسی به ما نمی‌گفت که شب تا صبح کار کنید؛ خودمان دوست داشتیم و کار می‌کردیم. صبح‌ها پس از خوردن صبحانه به دانشکده می‌آمدیم و مجدداً کار را شروع می‌کردیم.

من و هم‌کلاسی‌ها نمایشگاه‌های متعددی گذاشتیم و گالری ایران هم خوب بود. اما بعد از مدتی من دلم می‌خواست خودم تجربه کنم که نمایشگاه گذاشتم و بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت. حتی آقای آیدین آغداشلو در مجله «هنر و اندیشه» آن موقع درباره‌ی من نوشتند: «امید آینده هنر».

بدین ترتیب کم‌کم سراغ تجربیات جدید رفتم و وقتی این تجربیات را به گالری‌ها آوردم، همه گفتند اگر مانند دفعه قبل کار می‌کردید بهتر بود؛ در صورتی که من حتی همین الان هم دارم تجربه می‌کنم. این بود که دیدم این‌گونه نمی‌شود و هیچ گالری حاضر نیست برای عرضه آثارم به من جا بدهد. تا این‌که آثارم را کنار خیابان پارک دانشجو (چهارراه ولی عصر) در معرض دید عموم قرار دادم و در واقع نمایشگاه خیابانی شد و این خیلی برای من جالب بود. آن وقت‌ها این‌طور بود که در هر نمایشگاهی که برای افتتاح آن می‌رفتید، می‌دیدید ۱۰۰ نفر آبونه هستند که می‌آیند

و شما آن‌ها را می‌بینید. حالا اگر فردا بروید نمایشگاه می‌بینید که هیچ‌کس نیست؛ چون همین ۱۰۰ نفر به یک نمایشگاه دیگر رفته‌اند. الان هم همین‌گونه است.

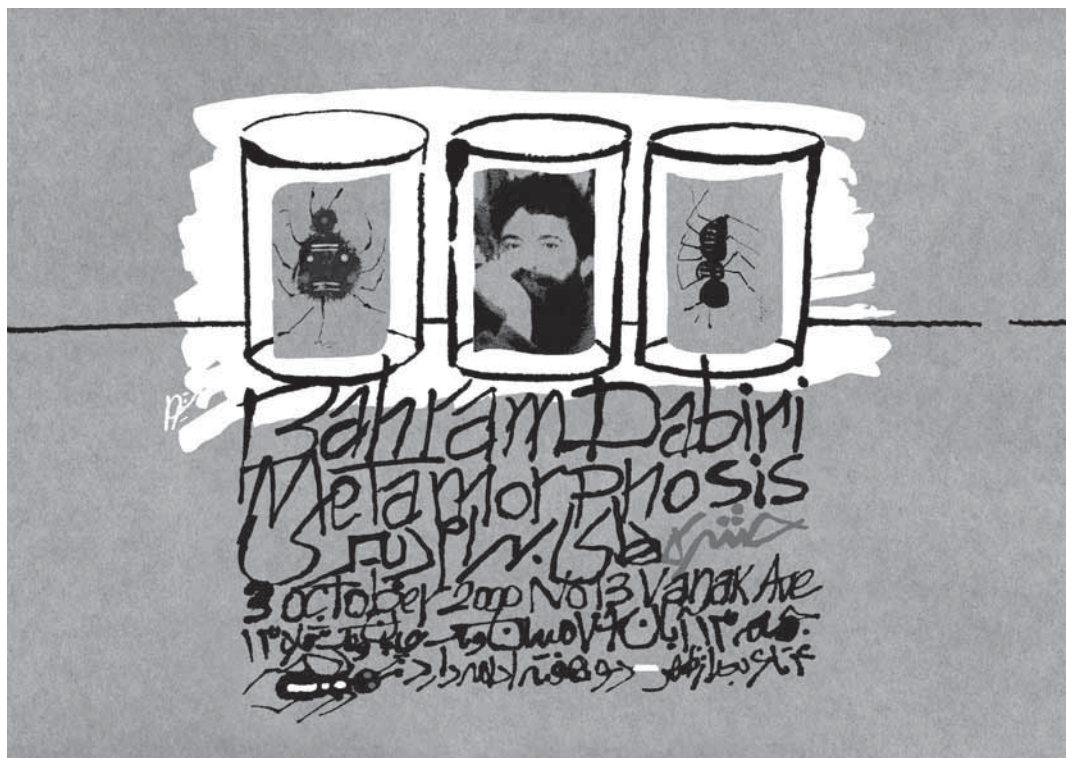
استقبال آن ۱۰۰ نفر یا عدم استقبال آن‌ها سرنوشت شما را به عنوان یک نقاش مشخص می‌کند؛ این که از کارتان خوششان آمده یا بدشان آمده است. اما این‌گونه مسائل را من نمی‌توانستم بپذیرم. به همین خاطر کارهایم را کنار خیابان به نمایش گذاشتم و با وجود این‌که کارها کاملاً انتزاعی بود و از مواد رنگی هم اصلاً استفاده نکرده و با گچ و کاهگل کار کرده بودم اما بعدها نقاشان دیگر این ایده را گرفتند و توسعه دادند.

این بود که دیدم اتفاقاً برای مردم بسیار جالب است که بتوانند دقیق به کارها نگاه کنند و سؤالشان را مطرح سازند. تصمیم گرفتم کاری بکنم که مخاطبانم تمام اقشار مردم از روشنفکر گرفته تا مردم عادی باشند؛ چون این برایم بسیار اقناع‌کننده و راضی‌کننده‌تر است تا این‌که مخاطبانم همان ۱۰۰ نفر باشند و صرفاً برای گالری‌ها نمایشگاه بگذارم و هربار هم تعریف و تمجید یا انتقاد آن ۱۰۰ نفر را شاهد باشم. این بود که به سمت گرافیک روی آوردم و آن روحیه نقاشی را در گرافیک به کار گرفتم که از آن سال‌ها تاکنون به همین روال مشغول کار هستم.

● تیموری: شما اشاره کردید که به‌خاطر ارائه یک هنر مردم‌پسند دست به آن ریسک زدید و از آن گالری فاصله گرفتید و در حقیقت وارد هنر گرافیک شدید. از طرفی همیشه در نقد و نظر آثارتان از شیوه کاری شما با عنوان گرافیک ایرانی نام می‌برند. اولاً شما خودتان چقدر به این نکته قائل هستید که این رمز و راز را به

پوستر برای نمایشگاه نقاشی (حشوها) بهرام دبیری - ۱۳۷۹

رشد آموزش
دوره نهم
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۱



در زمینه هنرهای
بصری رفتار ما
احترام به مردم
بوده است و
هنرمندان ما کاری
می کردند که این
هنر از طریق این
ابزار به خانه های
مردم راه یابد. در
واقع همین کاری
که گرافیک در
دنیا امروز انجام
می دهد

کارهایتان نسبت می دهیم و بعد این که گرافیک ایرانی چیست؟

○ شیوا: در زمانی که آن روحیه کنجکاوی در نقاشی من بود، وارد گرافیک شدم. اما اشاره کردید به واژه مردم پسند که البته من این اصطلاح را قبول ندارم. اگر بخواهیم صرفاً به سمت پسند مردم برویم، شاید به لحاظ هنری کار زیاد درستی نکرده باشیم. سال های آخر دانشکده بود که ضمن مطالعه با خود می گفتم ما به عنوان ایرانی داعیه دار تمدنی بزرگ هستیم آن هم از زمانی که تنها سه تمدن بزرگ روم، مصر و پارس در جهان مطرح بودند. در هر حال گرافیک هایی که روی در و دیوار شهر بودند تابع گرافیک بازاری غربی و یا تابع گرافیک لهستانی یا آلمانی دوبله شده با حروف فارسی بودند. پیش خودم می گفتم که چرا، گرافیکی ایرانی نداشته باشیم و در این جا دیگر از آن بحث مردم پسند بودن جدا می شدم و این موضوع ایده آل من بود. از همان سال آخر دانشگاه که کار گرافیک انجام می دادم این کوشش ها در آن راه می یابد. علاوه بر این بنده ایران را خیلی دوست دارم. حتی در آمریکا نمایشگاهی داشتم و در ابتدای آن کلی درخصوص تاریخ ایران حرف زدم که برایشان خیلی جالب بود. در واقع مشغولیت ذهنی من این بود که باید چه کار کنیم؟

● تیموری: گرافیک ایرانی به صرف وارد کردن عناصری که نماد فرهنگ خودمان هستند شکل می گیرد؟

○ شیوا: با مطالعاتی که در زمینه گرافیک داشتم به نکات جالبی برخورددم. می بینم که این روزها می گویند گرافیک از

خارج آمده است؛ حال آن که اصلاً این گونه نیست. ممکن است تکنولوژی تکنیر از خارج آمده باشد ولی تفکر و ایده اصلاً نباید خارجی باشد. وقتی مطالعه می کردم متوجه شدم فرهنگ بصری ما از سابقه چندان بر خوردار نیست و از مکان هایی که حفاری باستان شناسی کرده اند هیچ گاه تابلو نقاشی حتی به صورت تکه پاره شده بیرون نیامده است و ما هرگز چیزی به نام نقاشی در ایران نداشتیم که این برمی گردد به هنر موزه ای؛ البته به جز اواخر صفویه که خارجی ها به ایران آمدند و از ایران هم عده ای به خارج سفر کردند و ادای هنر نقاشی را در آوردند.

وگرنه ما در طول تاریخمان اصلاً چنین چیزی نداشتیم، منظورم نقاشی به اسم این که شما یک چیزی بکشید و قاب کنید و سپس بر روی دیوار نصبش کنید در ایران وجود نداشت؛ هم چنان که چیزی به نام هنر مجسمه سازی هم نداشتیم. اگر هم چیزهایی بوده مربوط است به بحث آئین ها و اسطوره ها ولی هیچ وقت مثل یونان چنین هنرهایی نداشتیم.

پس چی داشتیم؟ خب، چیزی که امروز به آن گرافیک می گویند را داشتیم. یعنی هنرمند ایرانی شاهکارهای خودش را بر روی چیزی پیاده می کرده که آن چیز برای مردم جنبه مصرفی داشته است. من یک قاشق دوغ خوری پیدا کردم که در نوع خود شاهکار محسوب می شود و طرف روی آن واقعاً کار کرده است. جالب آن که می دانیم با این قاشق دوغ می خوریم نه این که آن را قاب کنیم و به دیوار بیاویزیم. هم چنین قالی هایی که از قدیم بافته می شده است. اصولاً هنرمندان ما هنرشان را در چیزی که مورد مصرف دارد و وارد زندگی شده است صرف می کرده اند. هیچ وقت هنر را قاب نمی کردند تا به دیوار نصبش کنند یا در نمایشگاه بگذارند.

● تیموری: در واقع بر بایه گرافیک ایرانی که شما در نظر دارید ما باید تفکر داشتن گرافیک در فرهنگ خودمان را باور کنیم؟

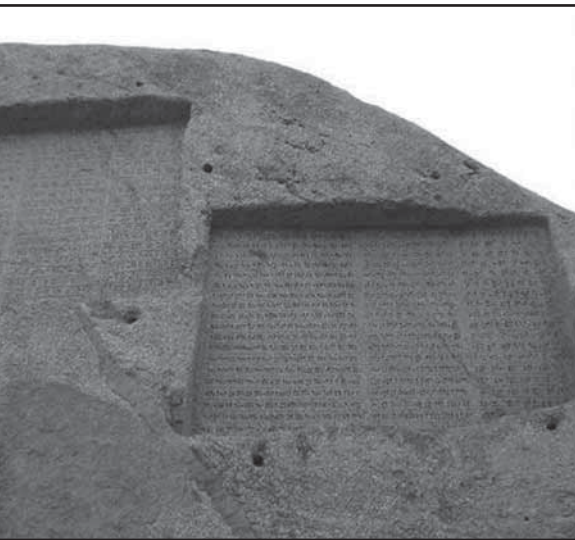
○ شیوا: بله، همین طور است. منتها این لغت از فرنگ وارد زبان ما شده است؛ در واقع گرافیک فرنگی جزء هنر مصرفی و کاربردی (Applied art) است. در طراحی های محیطی که همان کاشی کاری است کار ما در واقع یک شاهکار محسوب می شود؛ بدون این که لغت گرافیک را مصرف کنیم.

هنر بصری ما روی گلیم، پارچه، کاسه و کوزه صورت می گرفته است و ما هیچ وقت تابلو نداشتیم، مجسمه نداشتیم. مجسمه هایی هم که در تخت جمشید است در واقع ای لوستریشن (Illustration) است و صرفاً یک اتفاق را بیان می کند. آنانی که برای دست بوسی داریوش آمدند؛ در واقع روایی است منتها بر روی سنگ.



پوستر به مناسبت همدردی بین المللی با واقعه سونامی کشور ژاپن (نمایشگاهی در شهر برلین) - ۱۳۹۰

رشد آموزش
دوره نه
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۱



گنج‌نامه - همدان

مختلف فرستادم و بدون تردید همه اظهارنظرهایی که آنان در زمینه کارهای من کرده بودند، بر ویژگی‌های شاعرانگی و خالص بودن رنگ در کارهایم تأکید داشت و حتی آقای **آلن فلچر** نوشته بود: آقای شیوا قبل از این که یک گرافیست خوب باشد یک موسیقی‌دان خوب است.

شما وقتی به مجموعه کارهای من نگاه کنید، هیچ‌گاه دو تا کار مثل هم نمی‌بینید. پوستری را که فردا بکشم با پوستر امروز تفاوت دارد. برای این که عاشق تجربه کردن

هستم و همه کارهایم روح شاعرانه دارند؛ دکان باز نکرده‌ام.

من به زیبایی سطح پوستر خیلی اهمیت می‌دهم و هیچ‌وقت در ساعت نقاشی به خود اجازه ندادم که پوستر زشت بکشم. به دلیل این که باید بچه‌ها را به محتوایش ممکن است محتوای زشتی باشد. این است که الان **دامن طبیعت** در دایرةالمعارف «بریتانیکا» در نسخه جدید 2005 مکتب ایرانی **بیریم تا طبیعت** من در گرافیک ثبت شده و کار بنده را هم تجزیه و تحلیل کرده‌اند. **رنگ‌چیان: دیدگاه شما به طور کلی نسبت به آموزش چگونه دیدن را ابتدایی تا متوسطه و علی‌الخصوص هنرستان‌ها که دبیران به بچه‌ها بیاموزیم، هنر با گرافیک‌های آینده در ارتباط هستند، چیست؟** **فرم‌ها را نشانشان** البته در این مورد یک چیز کلی نمی‌شود عنوان کرد. با تمام **بدهیم، دیدن از** نقایصی که هست و خواهد بود، باز می‌بینم کسانی پیدا می‌شوند **زوایای مختلف** که فرهنگ بصری ما را یک وجب جلو می‌برند و ارتقا می‌دهند. **را به طور عملی به** به نظر من این‌ها هیچ ربطی به آموزش‌های آکادمیک و **آن‌ها بیاموزیم**

دبیرستانی ندارد. زمانی که ما در دبیرستان بودیم، استاد نقاشی ما (آقای گلپریان) که ضمناً هم موسیقی بلد بود و هم تئاتر اجرا می‌کرد، با همه این هنرها آشنایی داشت. آیا بچه‌های ما هم امروز این‌گونه معلمان را دارند که از زوایای بیشتری از مغزشان استفاده کنند؟

● **تیموری: ما برای کیفی کردن این فضای آموزشی چه کار می‌توانیم بکنیم.** این دید هنری که شما از آن نام می‌برید یک پس‌زمینه و در واقع یک زمینه اجتماعی می‌خواهد. اگر شما در آن محیطی بودید که ذوق تان لحظه به لحظه تلطیف می‌شده و بعد رسیدید به آن آتلیه نقاشی، حال چه کار کنیم که این جور چین تکمیل شود؟

○ تخصص من تکنولوژی آموزشی نیست و خودم هم هنوز دارم تجربه می‌کنم. اما به چیزهایی رسیده‌ام و آن این که نقاشی یا گرافیکی که من و شما انجام می‌دهیم در واقع از ذهنمان شروع

من همیشه گفته‌ام که به نظر من بهترین پوستر گنج‌نامه همدان است؛ به‌خاطر این که می‌بینید به چه سادگی آن سنگ لیات و آن سه ستون با چه نظمی کنده‌کاری شده است که در واقع خصوصیات یک پوستر امروزی را دارد.

در زمینه هنرهای بصری رفتار ما احترام به مردم بوده است و هنرمندان ما کاری می‌کردند که این هنر از طریق این ابزار به خانه‌های مردم راه بیابد. در واقع همین کاری که گرافیک در دنیای امروز انجام می‌دهد.

امروزه بعضی فکر می‌کنند که اگر کاری انجام دهند و یک اسلیمی هم بگذارند دیگر آن کار ایرانی هست و یا این که اگر یک شمشه هم گوشه‌ای از کار قرار دهند، ایرانی می‌شود؛ در صورتی که اصلاً چنین نیست. شما نگاهتان غربی باشد، استیل غربی باشد حالا یک شمشه هم بگذارید گوشه‌اش، همان بهتر که اصلاً غربی کار کنیم؛ چون خیلی بهتر است.

اما ببینیم گرافیک ایرانی چه مؤلفه‌هایی دارد. به نظر من مؤلفه در فرم و رنگ نیست بلکه در اندیشه است. ما نباید غلو کنیم که در عرصه شعر و ادبیات در دنیا اول هستیم چون زندگی مردم ما بیشتر شاعرانه است، پدری اگر بخواهد پسرش را نصیحت کند دو بیت شعر می‌گوید یا اگر بخواهد پسرش را تنبیه کند سه بیت شعر می‌گوید. البته ادبیات ما بسیار قوی و غنی است. ما به دنیا مولانا، سعدی، حافظ و دیگران را داده‌ایم اما در زمینه بصری چه چیزی به دنیا دادیم؟ چیزی که در حد آن‌ها باشد.

ایرانی هیچ‌وقت مستقیم عمل نمی‌کند. گرافیکی هم که روحیه ایرانی پیدا می‌کند نباید مستقیم باشد. اگر زبان ابهام داشته باشد، موفق‌تر است. اگر گرافیک غرب مربوط به همان سال‌ها را دقت کنید مثلاً تبلیغات باتری «ری او واک» می‌بینید که خانمی را کنارش نشانده‌اند و تبلیغ می‌کنند.

بنده این همه که برای موضوعات مختلف کار کردم، هیچ‌وقت عکس آن سوژه را بر روی پوستر نگذاشتم، برای کنسرت‌های مختلف طراحی‌های زیادی انجام دادم که «نه عکس رهبر کنسرت» را گذاشتم نه عکس «ویولن» و «نه عکس قشنگی از اجراء». من هیچ‌وقت این کارها را نکردم. فرض کنید یک «درخت» را که سمبل موسیقی است در پوستر نگذاشتم که این کار همان ایما و اشاره هست یا وقتی یک «بال کبوتر» می‌گذارم این همان موسیقی است؛ چرا که آن «بال» در فرهنگ ما ریشه دارد. خلاصه با این کارهایی که انجام دادم، اتفاقاً مردم استقبال زیادی کردند.

بعضی‌ها فکر می‌کنند ایرانی بودن گرافیک در تکنیک آن است. در صورتی که اصلاً چنین نیست. مهم اندیشه و ایده‌ای است که در آن پوستر هست. روحیه تغزلی که در فرهنگ ما وجود دارد در پوسترها انعکاس پیدا می‌کند. زمانی که می‌خواستم کتابم را به چاپ برسانم تعدادی از کارهایم را برای طراحان کشورهای



کنید، این بوهایی را که برای شما جنبه خارجی ندارد هم می‌توانید استشمام کنید مثل همان موسیقی‌دان که صداهایی را می‌شنود که برای یک فرد معمولی امکان‌پذیر نیست. پس باید گیرنده‌ها را حساس کنیم؛ چرا که حساس کردن گیرنده‌ها در آن سنین خیلی مهم است. هم‌چنین با تماشا کردن و دیدن یا بردن بچه‌ها به تئاتر حس‌هایشان تقویت می‌گردد.... اولین اطلاعات را ما زمانی که از رحم مادر بیرون می‌آییم دریافت می‌کنیم. اولین اطلاعاتی که به هارد مغزمان می‌رود همان بوی مادر است. ممکن است چند روز دیگر نیز فرکانس صوتی پدر باشد.

ما نمی‌توانیم به بچه‌ها بگوییم بنشینید سرکلاس و نقاشی بکشید. نباید این‌گونه باشد؛ زیرا خود بچه‌ها به معلمانشان خُرده می‌گیرند. در صورتی که در ساعت نقاشی باید بچه‌ها را به دامن طبیعت ببریم تا طبیعت را تماشا کنند. چگونه دیدن را به بچه‌ها بیاموزیم، فرم‌ها را نشانشان بدهیم، دیدن از زوایای مختلف را به‌طور عملی به آن‌ها بیاموزیم. اما وقتی دقت می‌کنیم می‌بینیم معلمان ما هم خیلی چیزها را نمی‌دانند. همین‌قدر صرفاً نقاشی آقا معلم خوب بوده، در نتیجه معلم نقاشی شده است.

حالا وقتی بچه‌ها را حساس کردیم، می‌توانیم به آن‌ها رنگ بدهیم؛ چون دیگر قادرند خیلی کارها را انجام بدهند و خیلی چیزها را ببینند. به نظر من سیستم آموزشی باید این‌گونه باشد. باید این حس‌ها را در بچه‌ها تقویت کرد: حس بویایی، حس شنوایی. در صورتی که این حس‌ها در بچه‌ها تقویت گردد، اگر نقاش بشوند، نقاش خوبی خواهند شد و اگر مجسمه‌ساز بشوند مجسمه‌ساز خوبی خواهند شد و اگر هم نشوند که اصلاً چیزی نمی‌شود حتی به زور.

اگر استعدادها را به‌کار نگیریم، تبدیل به تفال و چیز بی‌مصرفی می‌شود. وقتی به بچه بگوییم که در درس نقاشی اگر فلان نمره را نگیری تجدید می‌شوی، این رفتار امری بسیار سخیف و نادرست در برخورد با او به‌شمار می‌آید.

حال اگر همه حس‌ها را حساس و تقویت کردیم، آن موقع فردی که حامل این حس‌هاست یقیناً اطلاعات زیاد دیگری را هم می‌تواند دریافت کند و چه بسا هاردش قوی‌تر هم می‌شود. البته امروزه هنر فراگیر و همه‌گیر شده است؛ مثلاً خوب زندگی کردن هم نوعی هنر است. فکر نکنیم هنر فقط روی بوم است.

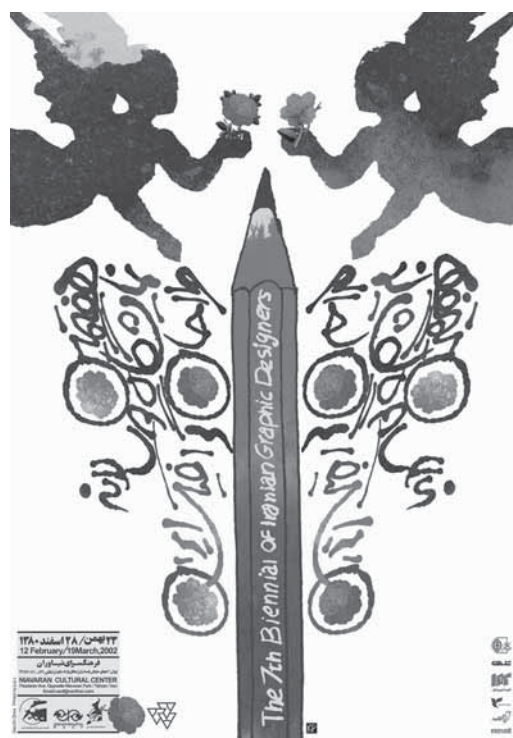
● **بابائیان: مشکل ما در مدرسه و در جامعه‌مان سواد بصری است.** اگر سطح سواد بصری مردم بالا برود، این در تصمیم‌گیری‌هایشان و به‌طور کلی در تمامی امور زندگی‌شان تعمیم پیدا می‌کند. اصولاً هر کاری که به بهترین وجه انجام شود آن می‌شود هنر.

می‌شود، از روی کاغذ شروع نمی‌شود و اگر در مغزمان تفکر می‌کنیم، تفکر، یعنی پردازش اطلاعات ماست. اگر ما اطلاعاتی نداشته باشیم تا صبح هم فکر کنیم فایده‌ای ندارد.

● **تیموری: یعنی در حقیقت ما باید روی بینش هنری بچه‌ها کار کنیم؟** خب، این امر چگونه تعمیق پیدا می‌کند؟

○ اگر بخواهیم که بدانیم فکرمان چگونه بارور می‌شود، همان بحث اطلاعات است؛ یعنی این که این اطلاعات از کجا به هارد مغزمان می‌نشینند. ما چند تا دیش بیشتر نداریم که، یا بویایی هستند یا چشایی یا بینایی یا شنوایی یا لامسه.

من فکر می‌کنم ما در دوره دبستان تا نیمه‌های دبیرستان که باید سعی کنیم این حس‌ها را حساس کنیم، البته ممکن است مداد و قلم هم دستشان نگیرند، اما نگاه کردن را به آنان یاد بدهیم. مثلاً در فرنگ وقتی به موزه‌ها می‌روید، می‌بینید همه بچه مدرسه‌ای‌ها با معلمانشان به موزه آمده‌اند یا در کنسرت‌ها بچه‌ها ردیف اول می‌نشینند. اما بچه‌های ما که این امکانات را ندارند؛ تنها همین‌قدر یک معلم در فلان جا کوزه‌ای می‌گذارد و می‌گوید حالا شکل این کوزه را بکشید. حال آن‌که از این‌گونه آموزش دادن چیزی حاصل نمی‌شود. به‌نظر من اگر سیستمی باشد که این حس‌ها حساس‌تر شود، مثلاً اگر شما طبق یک متدی دو ماه روی حس شنوایی‌تان کار کنید، صداهایی را می‌شنوید که دو ماه قبل برای شما وجود خارجی نداشت یا این‌که اگر حس بویایی‌تان را تقویت



○ شیوا: در بچه‌ها و نوآموزان باید این حساسیت‌ها به‌وجود آید؛ اما این حساسیت‌ها هیچ‌گاه به‌وجود نمی‌آید مگر آن که حس‌های آنان را حساس کنیم.

● تیموری: این حساس شدن گیرنده‌ها نیز خود یک سؤال است که آیا باید محیط را غنی کنیم یا چیزهایی را که به نوعی این گیرنده را تحریک می‌کنند تقویت کنیم و این‌ها مسلماً مرز و میزان و زمانی دارند. آن مرز اعتدال کجاست؟ و این همان چیزی است که معلم‌ها می‌گویند ما نمی‌دانیم. البته استاد طرح مسئله شما بسیار دقیق است.

○ شیوا: خانواده در این زمینه خیلی مهم است. آکادمی‌ها هم هر کدام برای خودشان دارای ضوابطی هستند. فرقی نمی‌کند آکادمی آمریکا باشد یا آکادمی جای دیگر، آن‌ها برای خودشان برنامه‌هایی دارند.

معلم‌ان و بچه‌ها باید بروند دو تا فیلم خوب ببینند، بروند گردش. یادم هست وقتی با آقای محسن وزیری می‌رفتیم به کوه و دشت، مثلاً وقتی ایشان سنگی را با اشکال زیبا می‌دید، می‌گفت ببینید این سنگ چه شکل و فرم جالبی دارد. من نگاه می‌کردم و می‌دیدم که واقعاً جالب و قشنگ است. حالا ما این نوع مربی را اصلاً نداریم یا اگر هم باشد خیلی کم است.

به‌نظرم آموزش‌وپرورش باید این مسئله را سروسامان بدهد و جا بیندازد. بچه‌ها باید به سفر بروند، گردش کنند، بروند جاهای خوب را ببینند. بگذاریم که DNA نژاد ایرانی هم خودش را نشان بدهد. البته ممکن است ۱۰ سال دیگر

خودش را نشان بدهد اما نمره نباید ملاک سنجش بچه‌ها باشد. در واقع فضا باید فضای خلاق باشد. خوب به‌یاد دارم که فرزند خودم زمانی که هنوز کوچک بود ما در آمریکا به سر می‌بردیم. در آن زمان یک دوره کلاس‌های آموزشی بسیار خوبی را برای بچه‌ها در دانشگاه پرات برگزار می‌کردند. دختر خانمی پرنرزی بچه‌ها را به زیر یک سوله می‌برد که حدود ۲۰۰ کارتن خالی آن‌جا در اختیارشان می‌گذاشتند و به آن‌ها می‌گفتند با این کارتن‌ها یک شهر بسازید. بدین ترتیب تا غروب بچه‌ها لابه‌لای کارتن‌ها بودند و برای خودشان ساختمان، کوچه‌های عمودی و افقی می‌ساختند. خوب، معلوم است بچه‌ای که این‌گونه آموزش می‌بیند و رشد پیدا می‌کند، چقدر فرم را خوب می‌شناسد و در آینده چه آرشیتکت خوبی خواهد شد. اما ما این‌جا این امکانات را نداریم. حال چگونه می‌توانیم بچه‌ها را خلاق بار بیاوریم؟ مسلماً با داشتن امکانات باید هر مدرسه‌ای یک اتاق فیلم داشته باشد تا بچه‌ها فیلم‌هایی را که مناسب است بتوانند ببینند.

● خانم قباویی: خلاقیت صرفاً در هنر نیست که جواب می‌دهد. وقتی بچه‌ها در سؤال کردن، نگاه کردن و دنبال جواب رفتن خلاق بار می‌آیند در هر زمینه و رشته‌ای موفق می‌شوند؛ حال به قول شما هنرمند هم نشدند که نشدند... ○ شیوا: خلاقیت لغت خیلی قشنگی است. کسی که خلاق است دشارژ می‌شود، اما یادتان باشد که او اول شارژ شده است که حالا دشارژ می‌شود. به عنوان مثال، چراغ قوه‌ای که نور می‌دهد، باتری آن در کارخانه باتری‌سازی شارژ شده است. به هر حال اگر این اتفاق نیفتد، خلاقیت اصلاً معنی ندارد و فقط توی کتاب‌ها اسمش می‌ماند: خ - ل - ا - ق - ی - ت.

حال چگونه می‌خواهید نسل جوان را که مخاطب شما هستند شارژ کنید؟ باید از آکادمی خوب و معلم‌ان باسواد و فهمیده و عاشق این کار بهره گرفت.

● خانم قباویی: آقای شیوا شما از نخستین کسانی هستید که خط را وارد گرافیک کردید.

● تیموری: حضور خط در کارهای گرافیکی شما ناشی از اندیشه‌تان است. آیا این بیشتر همان مؤلفه گرافیک ایرانی است؟

○ شیوا: من به دنبال کوشش‌ها و تجربیاتی که داشتم مترصد آن بودم که چگونه می‌توانیم روحیه گرافیک ایرانی را کسب کنیم؛ دیدم طغرانی‌سی ما خیلی زیباست و به این فکر افتادم که چرا نباید توی گرافیک ما بیاید. من همیشه هم منتظر یک زمینه‌هایی بودم که بشود این کارها را در آن انجام داد. مثلاً این‌ها را روی خمیردندان که نمی‌توان نوشت؛ برای این که یک اعتبار و فرهنگ خاصی داخل خط هست. نخستین بار برای طراحی پوستری فرم

من بیشتر به رنگ‌های دوره هخامنشی، رنگ‌های کاشیکاری‌ها و قالی‌ها نگاه می‌کنم. هیچ‌وقت سراغ طراحان فرنگی نمی‌روم که ببینم آن‌ها چه کار کرده‌اند. اصلاً زندگی ایرانی سرشار از رنگ است



پوستر برای اجرای تئاتر شن - ۱۳۹۰

کسی که با
دست طراحی
گرافیکی انجام
می‌دهد مثل فرش
دست‌باف است
که کارش حس
دارد اما تولیدات
کامپیوتری
هیچ کدام حس
ندارند و به خاطر
سهل‌الوصول بودن
مغز را تنبل بار
می‌آورند

رشد آموزش
دوره نهیم
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۱

آن را کشیدم و به چند خطاط دادم و به آن‌ها گفتم که این موارد را
برایم این‌گونه بنویسید. وقتی که آن‌ها نوشتند، کم‌کم کنتراست‌ها
را ایجاد کردم. در آن زمان من در تلویزیون مشغول بودم و این
کارها از زمره فعالیت‌های اداری من به‌شمار می‌رفت که آن‌را انجام
می‌دادم. و من به عنوان طراح گرافیک روی آن پوستر کار کردم
که خط هم تصویر است و هم پیام.

این پوستر در آن زمان چاپ شد و در ایران همه از آن
خوششان آمد. در حال حاضر هم در آرشیو موزه هنرهای نیویورک،
موزه ژرژ پمپیدو و نیز مرکز طرح لندن نگهداری می‌شود. ما در
ایران چیزی به عنوان موزه پوستر نداریم. هم‌چنین در آن سال‌ها
پوستر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را آقای فرشید
مثقالی طراحی کردند. اما نمی‌دانم چه کسی در کانون طراحی
کرده بود که آمدند با خط نستعلیق روی آن پوستر نوشتند! تا
جایی که الان فلان شرکت مواد غذایی هم نام خود را طغرانی‌وسی
می‌کند؛ در صورتی که طغرانی‌وسی در آن‌جا شایسته نبوده و این
کار اصلاً مناسب نیست. حتی نوشته‌های دستی که الان خیلی
باب شده است، در آن سال‌ها در پوستری که برای خانم پرل
بی‌لی، من دستنویس را در زمینه سیاه کار کردم بعدها کم‌کم همه
به این کار رو آوردند. البته طراح باید بداند خط را کجا با دست،
کجا با تایپ و کجا با نستعلیق کار کند.

گاهی اوقات ما را برای داوری خطوط «بسم‌الله الرحمن
الرحیم» دعوت می‌کنند و البته من هنوز یک «بسم‌الله الرحمن
الرحیم» به اعتبار و اهمیت و ارزش والای نستعلیق پیدا نکرده‌ام
که واقعاً بهترین قالب و محتوا را دارا باشد. امروزه با حروف
ننونی که مخصوص سالن‌ها هست کلمه بسم‌الله الرحمن الرحیم
می‌نویسند یا کتاب چاپ می‌کنند که البته هیچ‌وقت آن حروف
اعتبار و ارزش حروف نستعلیق را ندارد. اگر حروفی در جایی غیر
از جایگاه واقعی‌اش به کار گرفته شود، مخرب فرهنگ است و هرگز
موجب سازندگی و تبلور فرهنگ نمی‌شود.

● خانم قبایی: شما هربار که از خط جدیدی استفاده کردید
یک فرم و یک طراحی خاصی به آن دادید و می‌دانیم که
هیچ‌گاه سراغ کامپیوتر هم برای تغییر فرم خط نرفتید. چرا؟

○ شیوا: در شرایط فعلی بحث انتقال پیام مطرح است که یا با
تایپ صورت می‌گیرد یا با کالیگرافی و یا با دست نوشته می‌شود.
مثلاً در یک پوستر، من صلاح می‌دانم که با دست بنویسم و در
پوستر دیگر تایپ می‌کنم و در یک پوستر نیز سراغ نستعلیق
زیبای خودمان می‌روم. بدون تردید چگونگی این انتخاب باید از
قابلیت‌های هر طراحی به‌شمار بیاید.

● خانم قبایی: با توجه به سابقه کاری شما در زمینه استفاده
از خط در گرافیک، نظرتان درباره نحوه بازی‌های گرافیکی
با خط در گرافیک معاصر ایران چیست؟

○ شیوا: بحث تایپوگرافی اصولاً در ایران بسیار مطرح است. وقتی
فلان ناشر بر روی کتابش می‌نویسد تایپوگرافی ایرانی، دیگر از
این مسئله زشت‌تر چیزی نداریم و مثل این است که بگویم من
مستر (Master) ایرانی هستم. این مسئله یک حرکت انحرافی
بود که خوشبختانه دارد دوره افولش را طی می‌کند و بیشتر جنبه
تخریبی دارد. این را هم باید بدانیم که از قدیم‌الایام تاکنون هر جا
حرف بوده برای خواندن است و اگر شما به گونه‌ای بنویسید که
طرف نتواند بخواند این که دیگر هنر نمی‌شود.

اما این در نقاشی خط یک مکتب است؛ زیرا در نقاشی خط
هیچ‌وقت هدف شما خواندن خط نیست بلکه فقط انتزاع و حرکت
خط ملاک است. البته عنوان یک کتاب باید خوانا باشد.

● تیموری: با نگاهی به برخی از پوسترهای شما به شکوه
رنگ می‌توان پی برد و انگار یک جشن عروسی برپاست؛
هیچ‌گونه حرکت جلف و آزاردهنده‌ای در آن‌جا وجود
ندارد و شکوه رنگ در آن‌ها نشانگر آن است که در واقع
از رنگ‌های شاداب و انرژی‌بخش استفاده می‌کنید. این
کارهای شما آیا به‌صورت باده‌ها پیش می‌رود یا این که یک
طراحی ذهنی پیچیده انجام می‌دهید که محصول نهایی
این‌گونه می‌شود؟

○ شیوا: این‌ها داده‌هایی است که به مغزم راه پیدا می‌کند. من
بیشتر به رنگ‌های دوره هخامنشی، رنگ‌های کاشیکاری‌ها و قالی‌ها
نگاه می‌کنم. هیچ‌وقت سراغ طراحان فرنگی نمی‌روم که ببینم آن‌ها
چه کار کرده‌اند. اصولاً زندگی ایرانی سرشار از رنگ است.

● رنگچیان: با توجه به شرایط فرهنگی حاضر و استفاده از
تکنیک‌های کامپیوتری در طراحی‌های گرافیکی، شما تا چه
میزان به‌خاطر تسریع و آسان‌شدن کار تصویرسازی‌های
گرافیکی را با استفاده از کامپیوتر جایز می‌دانید و آن را
ترجیح می‌دهید؟ راهکار شما چیست؟

○ شیوا: این مسائل به سلیقه شخصی افراد بستگی دارد. این
عارضه‌ای است که خود ما ایجاد کرده‌ایم و در حال حاضر اکثر
معلمان و استادان، هنرجویان و دانشجویان را برای طراحی
گرافیک به استفاده از کامپیوتر تشویق و ترغیب می‌کنند. از
آن‌جا که خود معلم طراحی نمی‌داند، به همین خاطر شاگرد را
به استفاده از کامپیوتر ترغیب می‌کند. در صورتی که در هیچ جای
دنیا این‌گونه نیست. من از قلب نیویورک، سوئیس و انگلیس به‌طور
روزانه اطلاع دارم و می‌دانم که در آن‌جاها اصلاً اجازه نمی‌دهند
هنرجو یا دانشجو از کامپیوتر استفاده کند. البته به نگاه افراد هم
بستگی دارد. یک زمانی هست که شما به گرافیک به گونه‌ای
نگاه می‌کنید که می‌خواهید کار مردم را راه بیندازید و مثلاً فلان
خیاط از شما می‌خواهد که برای پیراهن تولیدی‌اش بر روی یک
جعبه طراحی انجام بدهید. گرافیک‌های فلان پاساژ بازار نیز این



پوستر پیشنهادی برای نخستین نمایشگاه
دوسالانه طراحی پارچه و لباس - ۱۳۸۶

به پایان برسد، برای سال‌ها و یا همیشه آن ارزش‌های هنری‌اش باقی می‌ماند و هیچ‌گاه اهمیت خود را از دست نمی‌دهد. سازمان AGI سازمانی است که ارزش‌های هنری پوسترها و آثار هنری را همواره پاس می‌دارد.

آن‌ها در سال ۲۰۰۶ در سطح بین‌المللی ۱۲ طراح را برگزیدند و برای هر کدام از آثارشان کتابی تهیه کردند که یکی از آن ۱۲ طراح، بنده حقیق بودم که این کتاب در همه جای دنیا پخش شد به جز ایران.

● **تیموری: استاد در این سال‌ها اگر خاطره‌ای دارید لطفاً بیان بفرمایید.**

○ **شیوا:** ابتدا باید بگویم کامپیوتر یک ابزار اجرایی است نه ابزار تفکر. ما باید از کامپیوتر استفاده اجرایی بکنیم نه این‌که با آن فکر کنیم.

و اما خاطره‌ای در همین مورد: دو نفر از دانشجویان (دختر و پسر) پیش من می‌آمدند که به دنبال یک موضوع و پروژه می‌گشتند. به آن‌ها موضوع والت دیسنی، دیزنی‌لندها و دیزنی‌وردها را پیشنهاد کرده بودند و من گفتم بیا بید روی شاهنامه فردوسی (هفت‌خوان رستم) کار کنید؛ چون تمام انگیزه‌هایی را که بچه‌ها دوست دارند در این داستان هفت‌خوان وجود دارد. به آن‌ها گفتم شما یک شاهنامه لند درست کنید. این دانشجویان قبول کردند و گفتند که ما این کار را انجام می‌دهیم. من هم گفتم اما این کار با یکی دو نفر پیش نمی‌رود. باید سال‌ها تحقیق و بررسی صورت گیرد. آن‌ها هم گفتند، ولی شروع می‌کنیم. وقتی هم کارشان را شروع کردند سفارت فرانسه به آن‌ها بورسیه‌ای اعطا کرد که هر دو نفرشان برای تحصیل به شهر استراسبورگ رفتند و در آن‌جا به کار تصویرسازی پرداختند. از آن‌جا خانم دانشجو نامه‌ای برای من نوشت که استاد شما در ایران دائم به ما توصیه می‌کردید که با کامپیوتر کار نکنیم و ما گوش نمی‌کردیم؛ حالا این‌جا (در فرانسه) از ما می‌خواهند باید با فکر خودمان و بدون کامپیوتر طراحی کنیم. اتفاقاً این خانم انیمیشنی ساخت که تا پای اُسکار هم پیش رفت. بر این اساس من این‌گونه عنوان می‌کنم که ما یک فرش ماشینی داریم و یک فرش دست‌باف؛ در حال حاضر کامپیوتر در حکم آن فرش ماشینی است و آن کسی که با دست طراحی گرافیکی انجام می‌دهد مثل فرش دست‌باف است که کارش حس دارد اما تولیدات کامپیوتری هیچ‌کدام حس ندارند و به‌خاطر سهل‌الوصول بودن مغز را تبیل بار می‌آورند. در صورتی که هنر ریاضت و سختی دارد. زحمت کشیدن دارد. حال این‌که رنگ زدن و نور تابانیدن با فشار یک دکمه که کار هنرمندانه نیست؛ یک امر مبتذل است که من آن‌را موریه‌های گرافیک نامگذاری کرده‌ام.

● **تیموری:** با تشکر فراوان از شما که پذیرای ما بودید و به پرسش‌هایمان پاسخ گفتید.

کار را انجام می‌دهند و اغلب هم کسانی هستند که تحصیلات عالیه ندارند و صرفاً به‌خاطر آشنایی با فتوشاپ کار طراحی انجام می‌دهند و کار مردم را راه می‌اندازند. البته در همه جای دنیا این‌گونه کارها را انجام می‌دهند اما کسی که در زمینه گرافیک به تحصیلات می‌پردازد، جدای از کسب روزی‌اش باید چیزی هم به فرهنگ مملکت بیفزاید و بسیار طبیعی است که این امر از عهده کامپیوتر خارج است. این مسئله را بارها و بارها اعلام کرده‌ام که فرنگی‌ها به طراحان بازاری اصطلاحاً «کامپیوتر پاپتر» می‌گویند. پایت به معنای عروسک خیمه‌شب بازی است که خودش حرکتی ندارد و به‌وسیله نخ و دست دیگران حرکت می‌کند.

فرنگی‌ها به تصویری که کامپیوتر پاپت‌ها تولید می‌کنند (Image Perestito) ای‌میج پرستیتو (ابتذال تصویری) می‌گویند. متأسفانه اغلب کارها این‌گونه است که در طراحی آن‌ها هیچ هنر و خلاقیتی به کار نرفته و استاد کسی است که در انجام کاری مهارت داشته باشد. البته گرافیک در همه جای دنیا هم بازاری است که نه در نمایشگاه شرکت می‌کند و نه برایش بینال (دوسالانه) می‌گذارند. آن زمانی که ما درس می‌خواندیم، به کارهای نقاشی تبلیغاتی میدان بهارستان ایراد می‌گرفتیم و آن‌ها را بازاری می‌دانستیم. حالا کار به جایی رسیده است که فوق‌لیسانس‌های ما آرزوییشان این است که آن‌گونه باشند. البته باید بگویم که جز در ایران در هیچ جای دنیا فوق‌لیسانس گرافیک وجود ندارد.

● **تیموری: در هر صورت الان ۱۲ هزار دبیر هنر داریم که دوره معلمی هنر را گذرانده‌اند. برای پویایی کلاس‌ها چه توصیه‌هایی به آنان دارید؟**

○ **شیوا:** به‌نظر من این دبیران بروند مطالعه کنند. شما کتاب‌های خوب را در اختیارشان قرار بدهید؛ البته به‌شرط آن‌که جنبه اداری نداشته باشد. زمانی از ما خواستند که حدود یک هفته با معلمان هنر کار کنیم و طبیعی است که یک هفته آموزش هنر چندان تأثیری بر آن‌ها ندارد. باید کار بیشتر، تلاش بیشتر و مطالعه بیشتری داشته باشند. معلمی باید با عشق همراه باشد و صرفاً به عنوان یک شغل به آن نگاه نکنیم. در حال حاضر عصرها تعدادی معلم به کلاس‌های من می‌آیند و می‌دانم که بیشترشان برای ارتقای دانش‌شان نمی‌آیند بلکه می‌آیند تا اصطلاحاتی را یاد بگیرند و فردا همان اصطلاحات را برای دانش‌آموزان تکرار کنند.

من تنها طراح گرافیکی هستم که AGI کتاب مستقلی برایم چاپ کرده است. سازمان AGI سازمانی است که از سال ۱۹۵۴ تشکیل شده و اعضای آن به آثار گرافیکی حتی پس از انقضای تاریخ مصرفشان هم ارج می‌نهند. چون هر اثر گرافیکی دارای یک تاریخ مصرفی است. مثلاً اگر شما یک پوستر تئاتر می‌کشید تا زمانی که نمایش روی صحنه است در واقع دارید اطلاع‌رسانی می‌کنید. اما ارزش‌های هنری این پوستر بعد از این‌که آن تئاتر

۵۰۱۱۴

آشنایی بانقد هنری

علیرضا مهدی زاده

دانشجوی دکتری

پژوهش هنر

هنرآموز

ناحیه ۲

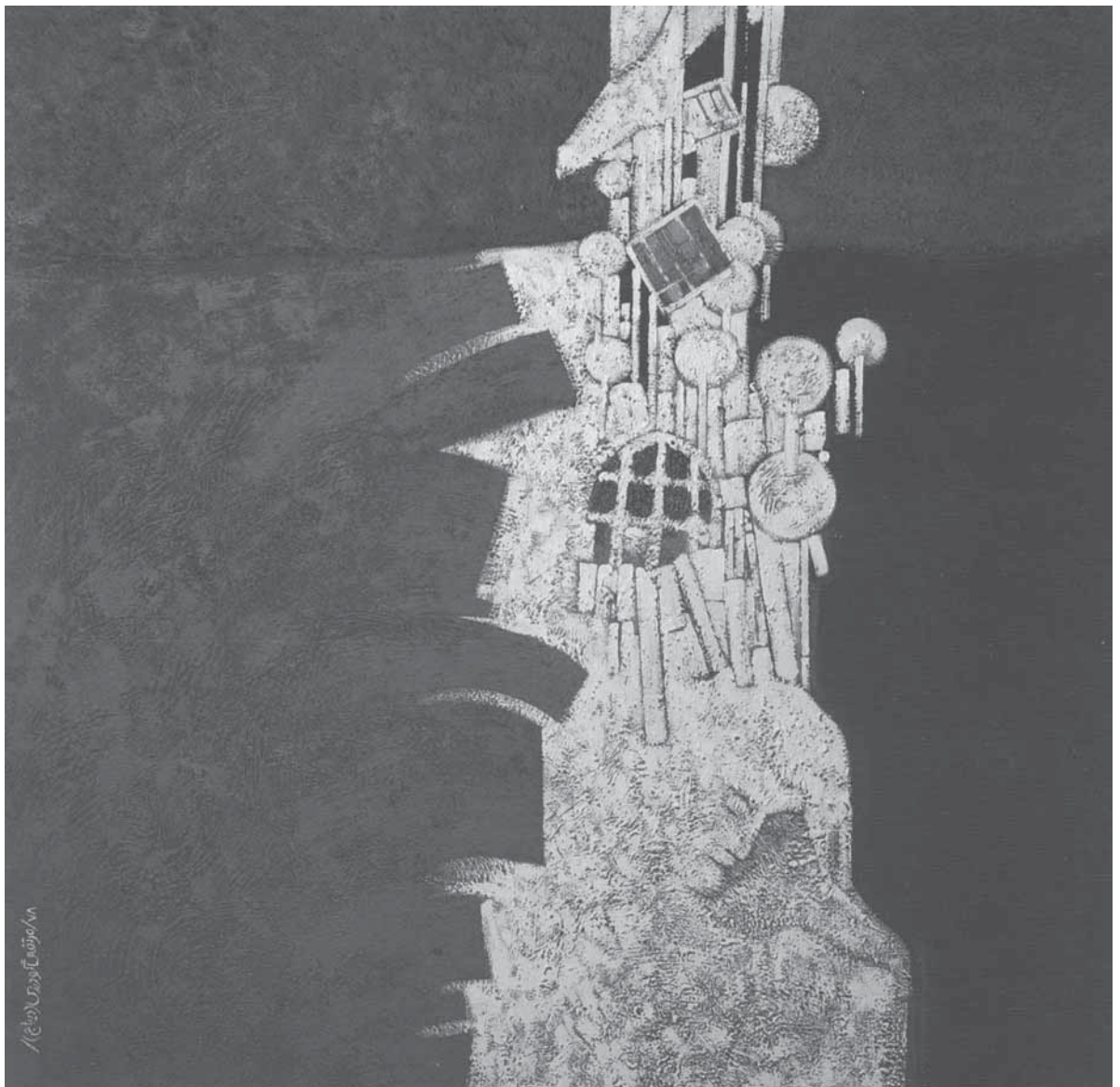
کرمان



اشاره

بخش اعظمی از کتاب‌های درسی هنر به‌خصوص تاریخ هنر را تصاویر آثار هنری دربرمی‌گیرد که به هدف سهل نمودن مفاهیم و آشنا ساختن هنرجویان با شاهکارهای هنری در این کتاب‌ها گنجانده شده‌اند. تجزیه و تحلیل و نقد این آثار و به‌طور کلی گفت‌وگو در مورد خصوصیات و مؤلفه‌های فرمی، محتوایی و مضمونی آن‌ها ضرورتی انکارناپذیر است. زیرا از این طریق می‌توان به بالا بردن درک هنرجویان از مباحث تئوری کتاب و آموزش نحوه برخورد با آثار هنری مبادرت ورزید. اساساً یکی از مشکلات و دغدغه‌های هنرآموزان و هنرجویان نحوه برخورد با آثار هنری و چگونگی فهم بهتر و بیشتر آن‌هاست. زیرا به دلیل خصلت رمزگونه آثار هنری، درک آن‌ها امری آسان نبوده و نیازمند مجهز شدن به اسباب و ابزارهایی ویژه است. از این‌رو، مقاله حاضر می‌کوشد موضوع مهم و پیچیده‌ای چون نقد هنری را به بحث و فحص بگذارد و مراحل مختلف آن را تشریح کند.

رشد آموزش
هنر
دوره نهم
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۱



مقدمه

تاریخ هنر از دروس پایه، تأثیرگذار و بینش‌ساز رشته‌های هنری هنرستان است که به واسطه آن دانش‌آموزان با سیر تحولات هنری دوره‌های گوناگون آشنا می‌شوند و انواع گرایش‌ها و آثار خلق شده را مورد بازبینی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. هدف درس مذکور این است که هنرجویان، ضمن شناخت آن چه بر هنر گذشته و دیدن آثار هنری خلق شده در هر دوره تاریخی و فرهنگی، از دانش، تجربیات و تکنیک‌های هنری آموخته شده در طول تاریخ به عنوان ملاک و معیاری برای خلق آثاری جدید و خلاق سود جویند. اما چگونگی برخورد با آثار هنری و سبک‌های بیان شده در این دروس و نحوه تجزیه و تحلیل و نقد این آثار از دغدغه‌ها و مشکلات مشترک دانش‌آموزان و معلمان دروس هنری به‌شمار می‌رود. نداشتن آگاهی نسبت به مقوله نقد و تجزیه و تحلیل آثار هنری می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات اساسی در امر آموزش هنر باشد که ممکن است به نتیجه‌گیری‌های اشتباه و سردرگمی هنرجویان و تقلید کورکورانه از برخی آثار منجر گردد. چرا که نقد و تجزیه و تحلیل یک اثر دارای اصول و قواعدی است و ارزیابی آثار هنری امری صرفاً ذوقی و غریزی نیست؛ بلکه مانند سایر مقوله‌های فکری و علمی نیاز به آگاهی و فراگیری مقدمات و اصول مختص به خود دارد. با نقد مستدل و تجزیه و تحلیل صحیح زوایای گوناگون آثار و گرایش‌های هنری می‌توان هنرجویان را با چگونگی مواجهه با آثار هنری آشنا و توانا ساخت تا از سویی به درک بهتر و روشن‌تری از تحولات تاریخ هنر توانا گردند و از سوی دیگر، برای سایر دروس هنری آن‌ها که مربوط به تولید یک اثر است راه‌گشا و آگاهی‌بخش باشد. در این مقاله برآنیم با بیان ساده و قابل فهم به شرایط و ویژگی‌یک نقد هنری نظری افکنده و با بررسی اصولی و عقلانی دریابیم که نقد هنری چیست؟ به چه کار می‌آید؟ و ناقدان در هنگام نقد دست به چه کاری می‌زنند و چگونه داوری و تجزیه و تحلیل خود را مستدل می‌سازند؟

کلیدواژه‌ها: نقد هنری، تجزیه و تحلیل، آثار هنری، تفسیر، رمز.

نقد آثار هنری یک تلاش و برخورد آگاهانه فکری است. نقدی روشنگر است که، عقل و منطق را با احساس درهم می آمیزد تا به درک و ارزیابی بهتری از اثر هنری منجر شود

پیرامون نقد هنری

بسیاری از ما به نوعی منتقدیم و شاید بارها بدون این که خود متوجه باشیم اقدام به نقد هنری کرده ایم. زمانی که با دیدن یک فیلم، عکس یا تابلو نقاشی به توصیف و تحلیل اثر می پردازیم، در حقیقت وارد حوزه نقد می شویم. از طرفی همه از صحبت کردن درباره آثار مختلف هنری لذت می برند. اما نقد و تجزیه و تحلیل کردن یک اثر هنری به همین راحتی نیست و دارای اصول و قواعدی است که افراد کمی آن ها را به کار می برند. شاید اشکال در این است که همه می پندارند در مقوله هنر، که امری ذوقی است هرکس

می تواند به اظهار نظر بپردازد. در حالی که در مباحث هنری، آن هم مسئله پیچیده ای چون نقد، معیارها و ملاک هایی وجود دارد که منتقدان واقعی را از دیگران مجزا می سازد. ممارست در دیدن و ارزیابی آثار هنری، امری صرفاً ذوقی یا غریزی نیست، بلکه هم چون سایر مقوله های فکری و علمی نیاز به آگاهی و فراگیری مقدمات و اصول مختص به آن دارد تا بدین گونه بتوان به یک نقد اصولی و مستدل اقدام کرد. نقدی که راه گشا و آگاهی بخش باشد و سایر مخاطبان را نیز در برخورد با آثار هنری و ارتباط مؤثرتر با آن ها یاری رساند.

برای آغاز هر بحثی بهتر است ابتدا کلیه واژه های بحث شناسایی و تعریف شوند. اگرچه ممکن است در مورد بعضی از کلمات نتوان تعریف های مناسبی را که پذیرش همگانی داشته باشند، ارائه داد.

اما بدون داشتن تعریفی از مسئله مورد بحث نمی دانیم به راستی درباره چه چیزی گفت و گو می کنیم.

از نمونه مواردی که تعاریف متعددی درباره آن ارائه شده است واژه «نقد هنری» است. کلمه «نقد» در فرهنگ لغت به معنای «جدا کردن سره از ناسره»، «تشخیص خوبی از بدی»، یا «جدا کردن دینار از درهم» آمده است. اما «نقد هنری» کار بسیار پیچیده ای است هم چنان که معانی متعددی برای واژه آن از طرف منتقدان و صاحب نظران بیان شده است.

از این تعاریف می توان به «صحبت با بصیرت درباره هنر و اثر هنری» و «شکلی از سخن گفتن سنجیده درباره اثر هنری»



یا «بیان برای آماده ساختن و وسعت دادن به درک هنر» اشاره کرد. اما تعریفی که مورد قبول عده بیشتری باشد، عبارت است از: «نقد هنری، سخن گفتن آگاهانه درباره هنر به منظور بالابردن فهم و ارزیابی است که نوعی شناخت هنر است» (برت، ۱۳۸۰: ۵). این تعریف شامل همه رشته های هنری مانند موسیقی، شعر، نقاشی، عکاسی و سینما می شود. سخن گفتن می تواند گفتاری یا نوشتاری باشد. تأکید دیگر در مورد آگاهانه بودن است که نقد را از گفتارهای احساسی صرف و یا اظهار نظرهای شخصی و غیرمنطقی درباره اثر هنری جدا می کند. همه نوشته ها

درباره اثر هنری را نمی توان نقد قلمداد کرد. نقد آثار هنری یک تلاش و برخورد آگاهانه فکری است. نقدی روشنگر است که، عقل و منطق را با احساس درهم می آمیزد تا به درک و ارزیابی بهتری از اثر هنری منجر شود که در اینجا، هدف از نقد هنری آشکار می گردد. هدف اساسی از نقد هنری افزایش آگاهی درباره صورت و محتوا و به طور کلی چستی، چرایی و فلسفه پیدایی اثر هنری است. منتقد با موشکافی علمی و مستدل اثر هنری، زوایای مختلف آشکار و پنهان اثر را معرفی می کند و معنای روشن و مخفی اثر را در معرض دید مخاطبان قرار می دهد که این امر بر درک بیشتر و آگاهانه تر مخاطبان از اثر هنری افزوده و آن ها را در شناخت سایر آثار هنری نیز توانا تر می سازد.

از دیگر اهداف نقد هنری، درک و لذت بیشتر و کامل تر از اثر است. بسیاری با دیدن یک فیلم، با دیدار از یک نمایشگاه، به گفت و گو درباره آن با یکدیگر می پردازند. چرا که همه از شرکت در بحث هنری خشنود می شوند. آن ها احساسات و نظریات خود را بیان کرده و به مقایسه نظریات خود با سایر افراد می پردازند. اما همه مردم توانایی کشف و شناسایی تمام زوایای آشکار و پنهان یک اثر را ندارند. ناقدان هنر با دانش گسترده خود به نقد اثر هنری پرداخته و با تجزیه و تحلیل نکات مبهم یک اثر و عرضه داشت آن به مخاطبان بر حظ بصری و فکری آن ها می افزایند. از سوی دیگر با نقد هنری و تجزیه و تحلیل آثار می توان به طبقه بندی آن ها براساس ارزش های رایج اقدام نمود و با بیان خوبی ها و ارزش ها و مقایسه کاستی های آثار با یکدیگر، آن ها را در گروه های متفاوتی



طبقه‌بندی کرد. اما مسئله این است که برای انجام این امور، منتقد می‌باید مجهز به اسباب و لوازم ویژه‌ای باشد.

ابزارها و نیازهای یک منتقد

منتقدان هنری برای موفقیت در نقد اثر هنری نیازمند شناخت و آگاهی نسبت به برخی مسائل مربوط به هنر و نقد هنری هستند. از این موارد می‌توان به تاریخ هنر، فلسفه هنر، مکاتب هنری، و آشنایی با انواع رشته‌های هنری اشاره کرد. بدون آگاهی و شناخت کافی این مقولات، منتقدان در تجزیه و تحلیل آثار هنری ناتوان بوده و به نتیجه‌گیری‌ها و استنباط‌های اشتباهی خواهند رسید که نقد آنان را نیز از درجه اعتبار ساقط می‌کند. بنابراین هر چه منتقدان، حوزه مطالعات و شناخت خود را گسترش دهند، در درک ابعاد مختلف یک اثر توانا تر خواهند بود. چرا که اثر هنری نیز دارای پیچیدگی‌ها و راز و رمزهایی است که شناختی فراگیر و چند بعدی را می‌طلبد.

مراحل نقد یک اثر هنری

اگرچه مفهوم نقد مفهومی پیچیده و چند پهلو، چند لایه و تودرتو است و دستیابی به تعریفی واحد و مقبول همگان از نقد هنری دشوار می‌نماید و از طرفی رویکردهای متعددی در حوزه نقد هنری رواج یافته است، اما می‌توان به این موضوع از زاویه‌ای دیگر نظر افکند. به گونه‌ای که فارغ از پیچیدگی‌ها و دعوای این عرصه، بتوان دانش و آگاهی خود را گسترش داد تا در رویارویی و درک یک اثر توانا گردید. بررسی این که منتقدان در نقد چه کارهایی انجام می‌دهند، ما را در شناخت نقد هنری یاری می‌کند. با بررسی و تجزیه و تحلیل انواع نقدهای رایج در رشته‌های مختلف هنری می‌توان به این نتیجه رسید که منتقدان با نقد یک اثر هنری سه کار را انجام می‌دهند. آن‌ها یک اثر را توصیف، تفسیر و تأویل و در آخر ارزیابی می‌کنند که از این سه فعل به عنوان مراحل نقد یاد می‌شود. اکنون به توضیح و تشریح هر کدام خواهیم پرداخت.

۱. توصیف

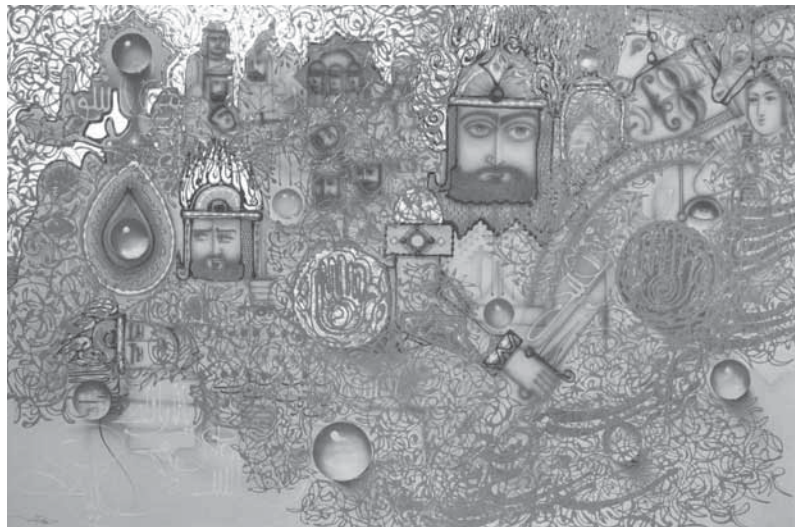
توصیف، مرحله گردآوری، ارائه اطلاعات در مورد اثر و فهرست کردن آن‌هاست. توصیف، ساده‌ترین جزء یک نقد است. در این مرحله، منتقد به بیان مشهودات و توصیف ظاهر اثر می‌پردازد؛ به‌طور مثال آن‌چه را که در یک تابلوی نقاشی یا یک عکس با چشم دیده می‌شود، توصیف می‌کند. در این مرحله، منتقدان باید بدون هیچ‌گونه داوری و ارزش‌گذاری، صرفاً به توصیف واقعیات اثر بپردازند. «توصیف، مقدمه نقد نیست». (فلدمن، ۱۳۷۹: ۵۵۳) جزء خود نقد است و اطلاعات اولیه لازم را به مخاطب ارائه می‌دهد. از این‌رو توصیف برای مخاطب بسیار حائز اهمیت است.

توصیف خود شامل اجزایی است از جمله:

- **توصیف موضوع:** اثر از چه چیزی صحبت می‌کند.
- **توصیف فرم یا شکل اثر:** توصیف شکل اثر، توصیف نحوه ارائه اثر است. اظهار توصیفی در مورد فرم به چگونگی ترکیب‌بندی و ساختمان عناصر بصری مربوط می‌شود. در هنرهای تجسمی این عناصر شامل: نقطه، خط، شکل، نور، رنگ، و... می‌شوند.
- **توصیف کار ماده و تکنیک اثر:** این توصیف، شامل آن‌چه اثر از آن ساخته شده و موادی که در آن به کار رفته است، می‌گردد. به‌طور مثال کارماده نقاشی انواع رنگ‌هاست که به شیوه و تکنیک خاصی بر روی بوم قرار می‌گیرد.
- **توصیف سبک اثر:** این که هنرمند موضوع و محتوای اثر خود را در کدام قالب و سبک (شامل رئالیسم، رمانتیسم، اکسپرسیونیسم و...) ارائه داده است.

۲. تفسیر و تأویل

تفسیر و تأویل را اساسی‌ترین و مشکل‌ترین مرحله نقد دانسته‌اند. تفسیر و تأویل یک اثر شورانگیزترین مرحله نقد است. در این مرحله باید از ظاهر آشکار اثر گذشت و با جان و باطن آن که در پشت ظاهر اثر مخفی است آشنا شد. در این مرحله، ناقد



منتقدان هنری برای موفقیت در نقد اثر هنری نیازمند شناخت و آگاهی نسبت به برخی مسائل مربوط به هنر و نقد هنری هستند. از این موارد می‌توان به تاریخ هنر، فلسفه هنر، مکاتب هنری، و آشنایی با انواع رشته‌های هنری اشاره کرد

براساس توصیف و تجزیه‌ای که به عمل آورده، در پی یافتن معنا و مفهوم اثر هنری است. این مرحله مهم‌ترین مرحله نقد است، اگر تفسیر به‌طور کامل انجام گیرد، دیگر نیاز چندانی به ارزیابی نیست؛ زیرا خود مخاطب می‌تواند نتیجه‌گیری کند.

«گادامر» نشانه‌شناس و فیلسوف پست مدرن، تفسیر یک اثر را این‌گونه تعریف کرده است: «تفسیر اثر یعنی به نشانه‌هایی که خود از سخن گفتن عاجزند کلام ببخشی.» (برت، ۱۳۸۰: ۵۴) از آن‌جا که هنرمندان دارای احساسات و تفکرات و علایق گوناگونی هستند و به قول ارنست گامبریچ «چشم بی‌نظر وجود ندارد» (گامبریچ، ۱۳۷۹: ۱۰)، بنابراین همه آثار حتی ساده‌ترین آن‌ها نیاز به تفسیر و تأویل دارند. تفسیر به‌طور کلی بیان مفاهیم و درون مایه یا حال و هوای اثر است، مرحله‌ای است که در آن رمزهای اثر گشوده می‌شود. چرا که همه مخاطبان در درک ابعاد مختلف معانی اثر توانا نیستند و این منتقدان‌اند که زوایای پنهان اثر را برای مخاطبان روشن می‌سازند تا به درک و آگاهی بیشتری نائل گردند. در این مرحله منتقد با بررسی و تجزیه و تفسیر نشانه‌ها، نمادها و رمزگانی که هنرمند در اثر جای داده به بازخوانی معنا و مفهوم اثر می‌پردازد. به عبارت دیگر اگر هنرمند را فردی نشانه‌ساز بدانیم که با استفاده از نشانه‌ها به تولید اثر می‌پردازد و رمزپردازی می‌نماید و درصدد انتقال یک ایده و فکر برمی‌آید، کار منتقد رمزگشایی از عمل هنرمند است. به‌طور کلی هنرمندان به دو صورت رمزپردازی می‌کنند و آثار هنری دارای دو نوع معنا و دلالت‌اند:

۱. معنا و دلالت‌های صریح و آشکار: (مانند: گل‌دان گل که تنها نشان‌دهنده گل است در یک عکس).
۲. دلالت‌های ضمنی و ناآشکار: (در این‌جا همان گل تبدیل به نشانه شده است و معنای عشق و دوستی را می‌رساند).

در تفسیر، منتقدان با دلالت‌های ضمنی اثر روبه‌رو می‌شوند و باید تفسیرهای خود را بر استدلال‌ها و ادله‌های محکم استوار سازند. تفسیرها فراتر از بیان یک یا چند جمله در مورد اثرند. اظهارات و ادعاهایی هستند که باید با دلایل درست ثابت شوند. تفسیرهای کامل و اصولی تفسیرهایی هستند که پس از طی یک مسیر منطقی به اثبات می‌رسند؛ فرضیاتی که با صغری و کبری چینی و بیان استدلال‌ها و شواهد به استنتاج می‌انجامد و خواننده می‌تواند با نگاهی به مراحل طی شده، متوجه شود که آیا تفسیر طی یک حرکت منطقی به نتیجه رسیده است یا خیر. در حقیقت تفسیرها پاسخ‌هایی به پرسش‌های رایج درباره انواع آثار هنری هستند، سؤال‌های عمده‌ای مانند: معنا یا معنای این اثر چیست؟ درباره چه چیزی است؟ چرا بدین‌گونه ارائه شده است؟ هنرمند چرا و چگونه به این نوع بیان دست زده است؟

منتقدان در پی پاسخگویی به این سؤال‌ها هستند و از سوی دیگر صرفاً در پی یافتن معنای موردنظر آفریننده اثر نیستند. هر اثر معانی و اندیشه‌هایی را در خود می‌پروراند و ناقد با آگاهی از این مسئله در پی کشف و بیان اندیشه‌ها و معنایی است که حتی ممکن است هنرمند از آن‌ها آگاه نباشد و این‌گونه، دامنه تفسیر گسترش می‌یابد. از خصوصیات آثار هنری بزرگ این است که معانی و اندیشه‌های بی‌شماری را در درون خود پنهان دارند. پرداختن به معنای موردنظر پدیدآورنده اثر تنها یک جنبه برخورد با اثر است که امروزه بسیاری آن را به دلیل خصلت پیچیده و چند بعدی کار هنری غیرضروری و ناممکن می‌دانند. از آن‌جا که آثار هنری پس از تولد هویت مستقلی می‌یابند و به دلیل خصلت رمزگونه هنر، یک اثر هنری می‌تواند از زوایا و گفتمان‌های گوناگون مورد تفسیر و تأویل قرار گیرد، منتقدان آثار هنری را از جنبه‌های گوناگونی بررسی و تفسیر می‌کنند. جنبه‌های تفسیر عبارت‌اند از:

۱. تفسیرهای نیت‌گرایانه که در پی یافتن معنای موردنظر خالق آثار هستند.
۲. تفسیرهای زندگی‌نامه‌ای - اخلاقی که تأثیر دوره زندگی هنرمند و محیط اجتماعی را در خلق اثر بررسی می‌کنند.
۳. تفسیرهای نشانه‌شناسانه که در این نوع تفسیر بیشتر به معنای نشانه و جزئیات نمادین اثر پرداخته می‌شود.
۴. تفسیرهای فرمالیستی که منتقدان نقطه شروع تفسیرهای خود را براساس خصوصیات شکل و فرم اثر بنا می‌گذارند و معنای اثر را در فرم جست‌وجو می‌کنند.
۵. تفسیرهای جامعه‌شناسانه که به بازتاب تحولات اجتماعی و مسائل و مشکلات اجتماعی - اقتصادی در اثر توجه دارند.
۶. تفسیرهای فمینیستی که در این تفسیر به جنبه‌های مثبت و منفی زنانه اثر توجه می‌شود.



در هر حال، آثار را از جنبه‌های متفاوتی می‌توان تفسیر نمود و هر کدام تنها یکی از ابعاد اثر را آشکار می‌سازد. اما تفسیرهای صحیح آن‌هایی هستند که معقول و سنجیده‌اند و بر دانش دیگران می‌افزایند.

۳. ارزیابی

ارزیابی یا ارزش‌گذاری اثر، آخرین مرحله نقد هنری است که در آن منتقد بعد از توصیف و تفسیر انجام شده، به داوری در مورد ارزش اثر و میزان موفقیت هنرمند اقدام می‌نماید. در این مرحله نقاط ضعف و قوت یا جنبه‌های مثبت و منفی اثر آشکار می‌گردد. به‌طور کلی در مورد خوبی‌ها و بدی‌های اثر اظهارنظر منطقی و مستدل می‌شود. چنان‌چه تفسیر به خوبی و کامل انجام گیرد می‌توان از داوری اثر گذشت و آن را به عهده مخاطبان گذاشت. اما منتقدان مایلند برای آثار هنری سلسله مراتبی را قائل شوند. ارزیابی و داوری در مورد اثر نیز نیاز به

دلیل و استدلال دارد و نمی‌توان بدون دلیل و مدرک به نتیجه‌گیری پرداخت؛ در غیر این صورت داوری، سازنده و مفید نخواهد بود. قضاوت و داوری کامل و صحیح مستلزم استدلال است. معیارها و ملاک‌های ارزیابی اثر هنری بر پایه تعاریف مختلف هنر و نظریه‌های زیباشناسی درباره هنر متغیر هستند و برخی مواقع به تاریخ هنر و سبک‌های هنری نیز ارجاع داده می‌شوند و از معیارهایی چون بداعت، مهارت، ترکیب‌بندی خوب یا خلاقیت نیز می‌توان به عنوان مواردی نام برد که در داوری یک اثر تأثیرگذارند. برخی منتقدان آثار را براساس معیارهای وسیع‌تری مورد داوری قرار می‌دهند و برخی از همه معیارها به‌طور همزمان سود می‌برند. قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها نیز مانند تفسیرها قطعی و یکه نیستند. بلکه ممکن است تغییر کنند؛ چرا که معیارهای گوناگونی برای ارزیابی وجود دارد. در هر صورت نباید از استدلال غافل بود.

نتیجه‌گیری

به دلیل خصلت پیچیده و رمزآلود بودن آثار هنری، شناخت و تحلیل معنا و مفهوم آن‌ها امری سهل و آسان نیست. از این‌رو تجزیه و تحلیل و نقد آثار هنری مستلزم شناخت خود نقد و آگاهی از ابزار و لوازم مورد نیاز آن است. اهمیت این مسئله در دروس متعدد هنری از جمله درس تاریخ هنر هویداست. زیرا تاریخ هنر تنها آموختن نام‌ها، سبک‌ها و پرکردن ذهن هنرجویان با مشت‌های از الفاظ نیست، بلکه توانا ساختن آن‌ها به چگونگی مواجهه با آثار هنری و

خوانش آن‌ها امری اساسی‌تر است. به این منظور آگاهی از نقد هنری و چگونگی تجزیه و تحلیل آثار ضروری می‌نماید. اساساً برای شناخت بهتر یک اثر هنری باید آن را مورد توصیف، تفسیر و در نهایت در صورت لزوم ارزیابی قرار داد. با این سه فعل اثری که در ابتدا پیچیده و گنگ می‌نماید به اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده خود تجزیه می‌گردد و راه ورود به درون اثر هموار می‌شود تا معناهای آن کشف گردد و از این طریق حظ بیشتری نیز به‌دست آید. در پایان سه سؤال و اصلی که گوته شاعر معروف آلمانی در مواجهه و تجزیه و تحلیل یک اثر هنری و ارزیابی آن بیان نموده، آورده می‌شود که برای آغاز گفت‌وگو درباره یک اثر می‌تواند مفید و مؤثر واقع گردد. این سه اصل عبارت‌اند از:

۱. هنرمند در اثر هنری در پی انجام چه چیزی بوده است؟
۲. آیا توانسته آن را انجام دهد؟
۳. آیا این کار شایستگی و قابلیت انجام را داشته است؟ (اسکراتن، ۱۳۸۵: ۷۵).

منابع

۱. اسکراتن، راجر. (۱۳۸۵). *فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. برت، تری. (۱۳۸۰). *نقد عکس*، ترجمه اسماعیل عباسی، تهران، نشر مرکز.
۳. فلدمن، ادومند بورک. (۱۳۷۹). *تنوع تجارب تجسمی*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. گامبریج، ارنست. (۱۳۷۹). *تاریخ هنر*، ترجمه علی رامین، تهران، نشر نی.

اشاره

اقدام پژوهی یکی از فعالیت‌های مهم در حوزه آموزش است. هر چند که البته در حوزه آموزش هنر این اتفاق کمتر روی داده است. اقدام پژوهی علاوه بر ایجاد انگیزه در دانش آموزان و هنر جو کردن آنان باعث توانمندسازی معلم و مکتوب کردن تجارب جهت استفاده از آن‌ها در تولید اسناد علمی، تربیتی، فرهنگی نیز می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: اقدام پژوهی، درس هنر، انگیزه، مشارکت و تشویق.

شرح اقدام پژوهی

علاقه مند کردن دانش آموزان به درس هنر

آزاده دهقانی

دبیر هنر، شهرستان
قروه استان کردستان



توصیف وضعیت موجود و تشخیص مسئله

مدرسه راهنمایی نمونه زینب کبری (س) یکی از مدارس دخترانه خاص شبانه‌روزی در شهرستان قروه است.

در این مدرسه دانش‌آموزانی با شرایط ویژه یعنی از طریق آزمون ورودی و دارا بودن نمره علمی بالاتر پذیرفته می‌شوند و از لحاظ تحصیلی جزو رتبه‌های برتر به‌شمار می‌آیند. درس هنر در هفته ۲ ساعت برای پایه اول و ۱ ساعت برای پایه‌های دوم و سوم در نظر گرفته شده است. این درس به دو بخش نقاشی و طراحی و خوش‌نویسی تقسیم شده و دربرگیرنده موضوعات و مفاهیمی است که یادگیری آن برای همه فراگیران سودمند به‌نظر می‌رسد. اما متأسفانه با توجه به محتوای مهم آن و مرتبط بودن با نیازهای روزمره فراگیران، علی‌رغم تلاش دبیران و دانش‌آموزان، اکثراً آن‌گونه که باید، مطالب درک نمی‌شوند. از هنر به عنوان یک درس مشکل یاد می‌شود. چنان‌که من بارها با اظهاراتی چون: استعداد هنری ندارم، نمی‌توانم، خیلی سخت است از سوی دانش‌آموزان مواجه شده‌ام. آن‌ها برای انجام فعالیت‌ها و کارهای هنری از اعضای خانواده یا دوستان کمک می‌گرفتند و از کنار آن می‌گذشتند. هنگام حضور دانش‌آموزان در کلاس و بررسی تکالیف و فعالیت‌های آن‌ها این بی‌علاقگی کاملاً مشهود بود. برای من پیوسته این سؤال مطرح بود که چرا با توجه به تلاش فراوان خودم در قبال دانش‌آموزان هیچ علاقه‌ای از سوی آن‌ها احساس نمی‌شود. علل ناتوانی و بی‌ رغبتی این دانش‌آموزانی که دارای هوش و استعداد بالایی هستند چیست؟ چگونه می‌توانم با به‌کارگیری شیوه‌ای مناسب میزان علاقه دانش‌آموزان را در درس هنر افزایش دهم؟

جمع‌آوری اطلاعات (شواهد)

جهت اثبات وجود مشکل و به دنبال آن حل مسئله مورد نظر، نیاز مبرمی به اطلاعات کافی و منطقی احساس می‌شد. بنابراین دانش‌آموزان پایه اول مدرسه ما، والدین آن‌ها، مدیر، معاونان، مشاور مدرسه، تعدادی از همکاران و صاحب‌نظران به عنوان منابع اصلی جهت گردآوری اطلاعات در نظر گرفته شدند و نظرات هر یک از آن‌ها به‌طور جداگانه جمع‌آوری گردید.

تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات

اطلاعات جمع‌آوری شده به کمک همکاران و به شیوه مشارکتی مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفت. نظریات مشترک، تناقضات و نکات مثبت و منفی مشخص شد و به دنبال آن یک طبقه‌بندی از داده‌های فراهم شده انجام گرفت. سپس اهم علل به‌دست آمده از اطلاعات گردآوری شده در یک طبقه قرار گرفتند که عبارت بودند از: فقدان انگیزه علاقه به درس هنر، عدم بهره‌گیری از روش‌های جدید و کارآمد (ناکارآمدی روش‌های تدریس)، فعال بودن صرف دبیران (مشارکت‌پذیر نبودن) در کلاس و عبور



گذرا از کنار مطالب و مفاهیم، عدم تمرین و ممارست در انجام فعالیت‌ها، نگاه کردن به این درس به عنوان زنگ تفریح، عدم استفاده صحیح و اصولی از زنگ هنر، ترس و اضطراب تلقین شده از سال‌های پیش، خشک و رسمی کار کردن با دانش‌آموزان در سال‌های قبل، نبود اعتماد به نفس در آن‌ها، کم‌تفاوتی والدین نسبت به این درس برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، ترس از کم شدن نمره آن‌ها در درس هنر و تأثیر گذاشتن روی معدلشان که در جهت بهبود و رفع آن‌ها کوشیدیم.

انتخاب راه جدید به صورت موقت

با تجزیه و تحلیل اطلاعات سند معتبری به دست آمد تا از طریق آن بتوان به انتخاب راه حل و رفع مشکل پرداخت. انتخاب تمرین‌های فراوان از هر موضوعی، تشویق و تنبیه و دادن نمره منفی، صحبت کردن با والدین، تغییر روش آموزش و کلاس داری و... راه‌حلی بودند که همکاران مختلف جهت رفع این مشکل ارائه دادند. اما تجربه ثابت کرده که انجام اکثر این راه‌حل‌ها در عمل موفقیت‌آمیز نبوده است. بنابراین با جایگزین کردن یک شیوه تدریس مناسب و نو به جای روش‌های سنتی شاید بتوان این مشکل را کم یا رفع کرد. با توافق همکاران روش مشارکتی و گروهی در کلاس هنر برای اجرا و ارزیابی انتخاب گردید. روش مشارکتی و گروهی مبتنی بر حس همکاری بین دانش‌آموزان برای پیدا کردن بهترین راه حل و نقش راهنما و هدایت کننده بودن معلم در کلاس بود. به همین منظور تصمیم گرفتیم که دانش‌آموزان را در دو گروه «الف» و «ب» قرار دهیم تا گروه «الف» به روش مشارکتی و گروهی و گروه «ب» به روش معمولی آموزش داده شوند.

اجرای طرح جدید

روش مشارکتی و گروهی در مورد یکی از مباحث و مفاهیم کتاب هنر بخش طراحی و نقاشی و برگ درس هفتم (ص ۳۵) طی ۱۰ مرحله با مشارکت جدی دانش‌آموزان و نظارت خود اجرا گردید.

برگ: یکی از نعمت‌های خداوند است که به شکل‌ها و اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف در فصل‌های مختلف سال دیده می‌شود.

مرحله ۱:

ابتدا دانش‌آموزان با توافق و انتخاب خود به ۵ گروه ۶ نفره که هر گروه ترکیبی از دانش‌آموزان خوابگاهی و روزانه بودند تقسیم شدند. نحوه نشستن گروه‌ها به این ترتیب بود که در حیات مدرسه دور هم جمع شوند و یا از سالن خوابگاه یا هر جای مناسب دیگری جهت نشستن و انجام فعالیت استفاده کنند و روی موکت یا زمین اعضای گروه گرد آیند و معلم در هر مرحله جهت ارزیابی از دادن نمره کمی خودداری کرده و ارزشیابی به صورت بیان «آفرین، بسیار خوب، عالی، خوب و...» صورت می‌گیرد.

معلم: بچه‌ها برگ‌های از قبل آماده را که جلو دستتان قرار دارد لمس کنید و با چشم باز و بسته و با روش مشارکتی و هم‌فکری در گروه به صورت هماهنگ تفاوت و شباهت آن‌ها را شرح دهید. (به دانش‌آموزان فرصت تفکر و بحث و گفت‌وگو و مشارکت و مقایسه کردن داده می‌شود).

مرحله ۲:

معلم: بچه‌ها در مورد برگ‌ها هر کدام یک خاطره یا داستان در گروه خود تعریف کنید و بعد از توافق یکی از آن‌ها را ارائه دهید. (فرصت دادن به دانش‌آموزان برای تفکر و هم‌فکری و ارائه نمونه).

دانش‌آموزان زیباترین خاطره یا داستان خود را ارائه می‌دهند.

مرحله ۳:

معلم: بچه‌ها از برگ‌های خود بافت بگیرید و ایده‌های جدید خلق کنید. (فرصت دادن به دانش‌آموزان برای بحث و گفت‌وگو و هم‌فکری و ارائه نمونه).
دانش‌آموزان شروع به بافت‌گیری کرده و تصاویر و شکل‌های زیبایی را با همکاری دوستان خود پدید آوردند.

مرحله ۴:

معلم: بچه‌ها از برگ‌های خود با ایجاد طرح‌های جدید چاپ بگیرید. (فرصت بحث و گفت‌وگو و ارائه نمونه).
دانش‌آموزان از برگ‌های خود چاپ گرفتند و آن را به نمایش گذاشتند. (در این مرحله در مورد ساختار برگ و طرح‌های ایجاد شده خود با هم بحث و گفت‌وگو می‌کنند).

مرحله ۵:

معلم: بچه‌ها با استفاده از برگ‌های موجود در گروه خود یک نمونه کلاژ یا کاردستی درست کنید. فرصت هم‌فکری و هم‌کاری و گفت‌وگو و ارائه نمونه).
دانش‌آموزان شروع به نظر دادن در مورد درست کردن کلاژ یا کاردستی خود می‌کنند و بعد از بحث و تبادل نظر کار خود را در معرض دید دیگران قرار می‌دهند.

مرحله ۶:

معلم: بچه‌ها شکل هندسی برگ‌های خود را رسم کنید. (فرصت مشاهده و بحث و تبادل نظر. در این مرحله معلم از آهنگ ملایم بی‌کلام جهت ترغیب دانش‌آموزان استفاده می‌کند).
دانش‌آموزان بعد از این‌که به برگ‌های خود نگاه کردند، شکل هندسی و اولیه آن را رسم کردند.

مرحله ۷:

معلم: بچه‌ها حالا خطوط محیطی برگ خود را که در مرحله قبل کشیدید نرم کنید و به شکل واقعی برگ برسید. (فرصت مشاهده، و تمرین و تکرار).
دانش‌آموزان خطوط تیز برگ را نرم کرده و کم‌کم به واقعیت شکل برگ نزدیک می‌شوند.





مرحله ۸:

معلم: بچه‌ها برگ‌های خود را با توجه به نحوه تابش نور و تیرگی و روشنی سایه روشن بزنید. (تمرین، تکرار و تفکر).

دانش‌آموزان بعد از بحث و گفت‌وگو برگ‌های خود را سایه می‌زنند.

مرحله ۹:

معلم: بچه‌ها همه برگ‌های طراحی و سایه زده خود را روی تابلو بچسبانید که دوستانتان کار همه گروه‌ها را ببینند.

مرحله ۱۰:

جهت تکمیل آموزش و درک بهتر طراحی کردن از برگ‌های مختلف تکالیفی به دانش‌آموزان داده می‌شود:

از جمله:

۱. از برگ‌هایی با اشکال هندسی و اندازه‌های گوناگون طراحی کنند.
۲. با استفاده از برگ‌های اطراف خود و فصل سال یک کلاژ تهیه کنند و به کلاس آورند.

گردآوری اطلاعات (شواهد ۲)

بعد از اجرای الگوی جدید، مجدداً از افرادی که به نوعی از آن‌ها اطلاعات جمع‌آوری شده بود از طریق پرسش‌های شفاهی و بحث و گفت‌وگو (با والدین و دانش‌آموزان) نظرخواهی شد و نمرات عملی و نتایج فعالیت‌های دانش‌آموزان نیز مورد ارزیابی قرار گرفت؛ چنان‌که از خود آن‌ها نیز به‌صورت شفاهی و پرسش‌نامه در مورد این الگو و اثرات آن در میزان یادگیری و ایجاد علاقه و انگیزه جهت حاضر شدن و نشستن در کلاس نظرخواهی به‌عمل آمد. در این مرحله نظر همکاران نیز خواسته شد. بررسی نظرات نتایج فعالیت‌ها و کارهای عملی و نمرات به‌دست آمده در تحویل پرسش‌نامه‌ها همگی حکایت از پیشرفت چشمگیری در کارها و فعالیت‌های هنری داشته‌اند که علت اساسی آن بهره‌گیری از شیوه جدید و اجرای آن بوده است.

ارزیابی از تأثیرات اقدام جدید و تعیین درجه اعتبار آن

نتایج به‌دست آمده باید مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند تا اعتبار آن‌ها مشخص شود. بنابراین جهت اعتباربخشی به یافته‌ها و اطلاعات به‌دست آمده، نمرات دانش‌آموزان، نظرات همکاران، نظرات متخصصان تعلیم و تربیت، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها و مسئول و معاونان مدرسه مجدداً ارزیابی و بازنگری شد. اسناد و مدارک موجود و به‌طور کلی نتایج حاصله سودمند بودن این الگوی فعال به شیوه گروهی و مشارکتی را به روشنی مطرح کردند و اعتبار لازم را به شواهد موجود بخشیدند.

نتایجی که از اجرای روش تدریس مشارکتی و گروهی به‌دست آمد:

با اجرای الگوی تدریس مشارکتی دریافت مفهوم و ارزیابی و تحلیل آن، مشخص شد که با بهره‌گیری از این الگو می‌توان به نتایج مطرح شده ذیل دست یافت:

- ✓ برانگیختن دانش‌آموزان به اندیشیدن و دقت کردن؛
- ✓ تشویق دانش‌آموزان به کسب تجارب صحیح؛
- ✓ ایجاد و تقویت روحیه مشارکت و همکاری در دانش‌آموزان؛
- ✓ یادگیری به صورت اجرای عملی به شکل گروهی در کلاس به جای اجرای انفرادی و کمک اطرافیان؛
- ✓ تحقق اهداف موردنظر درس مربوطه؛



- ✓ میزان آشنایی و تسلط بر کارهای عملی مانند مقایسه کردن عینی و لمسی آن چه که قرار است نحوه طراحی آن را آموزش ببینند؛
- ✓ فعال بودن دانش آموزان در امر تدریس و یادگیری؛
- ✓ عملکرد معلم در نقش راهنما و هدایتگر فعالیت های بخش های مختلف یادگیری؛
- ✓ تلاش جهت درک بهتر و نشان دادن و پیدا کردن سلايق خود در ساخت فعالیت های موردنظر؛
- ✓ کاهش ترس و اضطراب دانش آموزان برای حضور در کلاس هنر؛
- ✓ ارج نهادن به نظر و شخصیت سازی دیگران؛
- ✓ آگاهی یافتن از نظرات و ایده های دیگران؛
- ✓ برانگیختن حس کاوشگری در زمینه های کشف علایق و درک آن ها؛
- ✓ تسلط یافتن (کسب کردن مهارت) در طراحی از تمام پدیده های اطراف.

پیشنهاها

- با توجه به این که اجرای طرح و الگوی تدریس مشارکتی و گروهی در درس هنر نتیجه مطلوب برای جذب و شکوفاشدن استعدادها و علاقه ها و ایجاد انگیزه جهت حضور در کلاس داشته است لذا چند مورد به عنوان پیشنهاد مطرح می شود:
- جهت نشستن دانش آموزان در کلاس هنر به جای صندلی و نیمکت از موکت یا روزنامه و یا حیاط مدرسه در فصل های مناسب سال استفاده شود؛ زیرا بدین طریق میزان مشارکت و هم فکری و علاقه دانش آموزان افزایش پیدا می کند و از اذیت شدن و به دست هم خوردن و درگیر شدن با یکدیگر کاسته می شود.
- از دادن نمره به صورت کتبی برای کارهای عملی و دستی خودداری شود؛ چرا که در ایجاد انگیزه و علاقه دانش آموزان تأثیر فراوانی دارد. لذا از نمره به صورت کیفی استفاده شود (یعنی نوشتن: آفرین، بسیار خوب، عالی است و...)
- نصب کردن و در معرض دید قرار دادن حداقل یک نمونه کار از همه دانش آموزان در طول سال تحصیلی روی تابلوی مربوطه به درس هنر یا اعلانات مدرسه جهت تماشای دیگران که در ایجاد علاقه و انگیزه و پیشرفت آن ها تأثیر فراوانی دارد.
- در انتخاب اعضای گروه اختیار تا حدی با دانش آموزان باشد تا هنگام کار کردن با هم راحت باشند.
- به دانش آموزان فرصت فکر کردن و ابراز نظر و بیان کردن ایده داده شود.
- دانش آموزان را در گفتن خاطره و داستان در مورد موضوع مورد بحث تشویق کنند و مرتبط بودن درس هنر با سایر دروس را برای آن ها روشن سازند.
- دانش آموزان را به از کل به جزء کار کردن در هنر تشویق کنند یعنی مرحله به مرحله با مشارکت و هم فکری پیش بروند و از جزء به کل کار کردن پرهیز کنند. زیرا باعث از بین رفتن اعتماد به نفس و علاقه آن ها می شود.
- استفاده از دبیران خلاق و مرتبط و تخصصی برای تدریس درس هنر.
- برگزاری دوره های آموزشی برای دبیران درس هنر و آشنایی آن ها با روش های نوین تدریس.

منابع

۱. مک نیف، جین و لوماکس، یاملا و وایتهد، جک. اقدام پژوهی، ترجمه: محمدرضا آهنجیانی، انتشارات رشد.
۲. رابرت اسلوین، «یادگیری مشارکتی»، ترجمه: فاطمه فقیهی قزوینی، فصل نامه تعلیم و تربیت، شماره ۲.
۳. رضانیان، حسن (۱۳۸۷). گاه نامه علمی، آموزشی، پژوهشی راهبرد، شماره ۷.
۴. سیف، حسین. (۱۳۷۴). بررسی تأثیر نقاشی به روش باز در پرورش خلاقیت کودکان.
۵. قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۸۳). راهنمای معلمان پژوهنده. پژوهشکده تعلیم و تربیت: کاج.
۶. مخبر، عباس. (۱۳۷۰). مقدمه ای بر روان شناسی نقاشی کودک، چاپ اول، تهران: طرح نو.

کتابی در معرفی هنر پتینه

مهدی الماسی

هنر پتینه

پتینه چنان که در متن این کتاب به نقل از فرهنگ هنرهای تجسمی آمده به معنی «بافت و رنگ یا جرمی است که بر اثر گذشت زمان و به مرور اکسید شده و عوامل طبیعی بر شیء اثر گذاشته و باعث تغییر رنگ و ایجاد بافت (تخریب جنس) و ایجاد زنگار باشد. برای مثال: زنگار مفرغ به رنگ سبز و زنگار آهن به رنگ آخرا می باشد.»

اما پتینه کاری و هنر پتینه به هنری گفته می شود که: «هدف آن ایجاد تنوع رنگی یا کهنه کاری شی مورد نظر است - به عبارت دیگر هر جسمی را که بتوان با ایجاد بافت و به کارگیری رنگ به آن نمایی کهنه و فرسوده و یا اکسید شده داد، در آن پتینه کاری انجام شده است. در واقع پتینه هنر نشان دادن فرسودگی، خوردگی و کهنگی بافت و رنگ اشیاء ساخته شده (مجسمه، کوزه، ظروف، قاب عکس و...) و حتی فرم های مدرن می باشد.»

از هنر پتینه کاری می توان علاوه بر کهنه نمایی اشیاء در طراحی و تزیین داخلی محل زندگی نیز استفاده کرد. زمانی تزئین خانه و محل زندگی منحصر به افراد متخصصی بود که در چنین زمینه ها به صورت حرفه ای فعالیت می کردند اما اکنون افراد علاقه مند به هنر پتینه می توانند به سبک خاص و با ذوق خود فوت و فن این هنر را بیاموزند و تزیین محل کار یا زندگی شان را به شیوه دلخواه سامان دهند. هر فردی با توجه به گرایش ها، ویژگی های شخصی و روحیات خاص خویش برخوردی متفاوت با دنیای رنگ و بافت دارد. بنابراین در پتینه، شیوه کار و نحوه انجام آن نیز با توجه به همین علایق متفاوت است. طوری که برخی افراد به سطوح صیقلی تمایل دارند و بعضی نیز علاقه مند به بافت های ضخیم و زبر هستند، عده ای رنگ های گرم را دوست دارند و گروهی نیز رنگ های خاموش و سرد را.

بخش های مختلف کتاب

کتاب هنر پتینه کتابی آموزشی است و مؤلف محترم سعی کرده تا حد ممکن علاقه مندان را با مبانی و اصول کار این هنر آشنا سازد. این کتاب به طور کلی از شش بخش تشکیل شده است که به ترتیب عبارت اند از: ۱. شناخت رنگ و کاربرد آن در هنر پتینه، ۲. حلال ها و مدیوم ها، ۳. جنسیت شی پتینه شده، ۴. ابزار کار، ۵. بافت و انواع آن، ۶. مرمت آثار شکسته شده و ساخت مجدد آن ها.

در معرفی این کتاب ها نگاهی به ۶ بخش آن خواهیم داشت و این نوشته در حقیقت به نوعی مرور مطالب کتاب و خلاصه ای از آن خواهد بود.

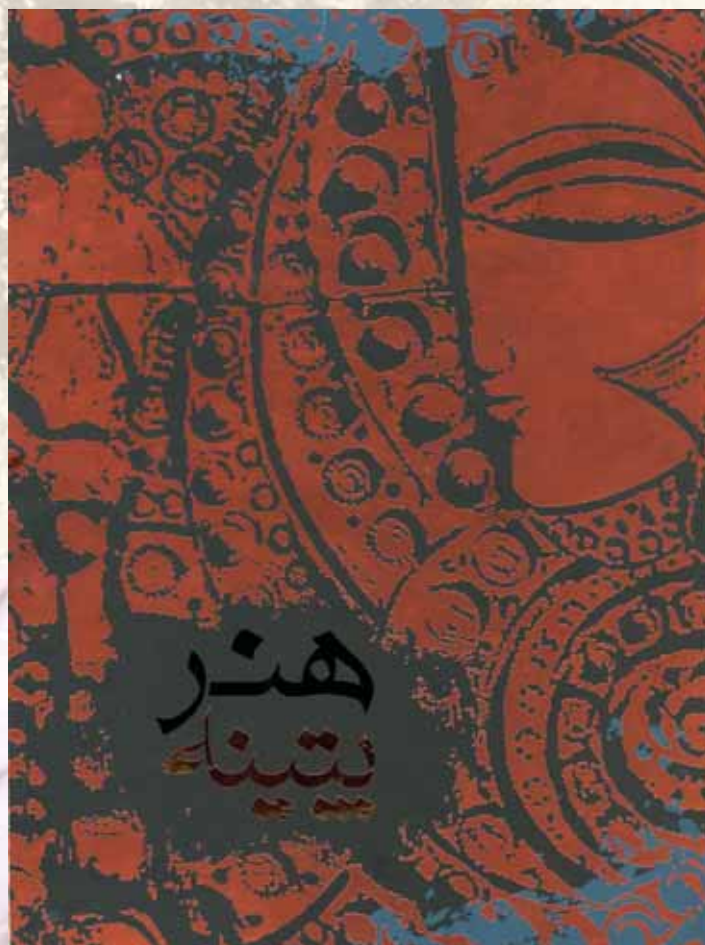
شناخت رنگ و کاربرد آن در هنر پتینه

مؤلف در این بخش به معرفی انواع رنگ های مورد استفاده در هنر پتینه پرداخته است و با ذکر خواص و حلال های آن ها و همچنین نکات آموزشی درباره نحوه رنگ آمیزی با آن ها کوشیده تا مخاطبان کتاب را با ویژگی هر نوع رنگ آشنا کند. رنگ های معرفی شده در این بخش شامل این موارد است:

۱. جوهر رنگ که از آن ها به عنوان آستر و زیر رنگ استفاده می شود و حلال آن ها تینر فوری یا الکل صنعتی است.
۲. پودر رنگ که شامل پودر رنگ های معدنی و شیمیایی است و می توان آن ها را با انواع حلال ها شامل آب، تینر و روغنی به کار برد. از خواص این پودر رنگ ها امکان ترکیب اتشان با رنگ های روغنی و گواش است که جسمیت و غلظت رنگ به کار رفته را نیز بالا می برند.

۳. رنگ روغنی که شامل رنگ های روغنی صنعتی و ساختمانی و رنگ های روغنی مناسب هنر نقاشی است و هم چنین شاپان و ضد زنگ، که هر کدام از آن ها دارای ویژگی هایی هستند.

پتینه هنر نشان دادن فرسودگی، خوردگی و کهنگی بافت و رنگ اشیاء ساخته شده (مجسمه، کوزه، ظروف، قاب عکس و...) و حتی فرم‌های مدرن می‌باشد
ایجاد بافت در هنر پتینه امری خلاقه محسوب می‌شود و تا حد زیادی به قدرت تجسم هنرمند بستگی دارد



هنر پتینه،
زهرا رسول‌زاده نمین،
تهران،
ناشر: مؤلف،
سال نشر ۱۳۸۶،
۱۱۵ صفحه، مصور.

۴. رنگ پلاستیک که قابلیت پوشاندگی بالا دارد و محلول آن آب است.

۵. رنگ اکرولیک که سریع تر از رنگ های دیگر خشک می شود و محلول در آب است و پوشاندگی بالایی دارد.

۶. رنگ ماشین که خاصیت ضدآب دارد و حلال آن تینر فوری است، به سرعت خشک می شود و پوشاندگی بالایی دارد.

۷. رنگ ویترا که دارای شفافیت بوده و در رنگ آمیزی سطح شیشه، مس و آلومینیوم استفاده می شود و حلال آن نیز استون یا تینر فوری است.

۸. مرکب رنگی که حلال آن آب است.

۹. لاک الکل که حلال آن الکل اتیلن است و در صنعت و هنر چوب، فلز، سفال به عنوان زیر رنگ استفاده می شود.

۱۰. رنگ اسپری که به صورت آماده به فروش می رسد.

حلال ها

حلال ها یا رقیق کننده ها، مایعاتی هستند که به رنگ اضافه می شوند و نقش رقیق کننده، پاک کننده یا روشن کننده را دارند. انواع حلال ها و مورد استفاده آن ها چنین است:

۱. تینر فوری، مناسب برای انواع لاک های فوری، پلی استر، رنگ ماشین و به طور کلی رنگ های چرب.

۲. تینر روغنی، مناسب برای شاپان، روغن جلد و قیر.

۳. روغن بزرک، مناسب برای رنگ های ساختمانی، ضدزنگ، رنگ های تیوبی و جلادادن سطح چوب (زمان خشک شدن آن طولانی ست).

۴. تراتین، مناسب برای رنگ های روغنی و همچنین جلادادن و درخشنده کردن سطح کار.

۵. اسکاتیف که به رنگ قهوه ای تیره بوده و خاصیت چسبندگی دارد.

۶. الکل، مناسب برای تمیز کردن سطح فلزات و رقیق کردن لاک جامد.

جنسیت شیء پتینه شده

هر شیء که پتینه می شود دارای جنسی است که باید متناسب با آن (فلز، چوب، کاغذ، شیشه و غیره) موادی انتخاب و کار انجام شود؛ به خصوص برای رنگ کاری باید آستر و زیر رنگ های مناسبی را برگزید که مهم ترین این زیر رنگ ها و محل استفاده آن ها چنین است:

۱. لاک الکل که برای صیقلی کردن سطح کار استفاده می شود و برای ساخته های سفالی، چوبی و گچی مناسب است.

۲. روغن بزرک که خاصیت نفوذپذیری بالایی دارد و برای ساخته های چوبی و سفالی مناسب است.

۳. روغن الیف که قابلیت چسبندگی خوبی دارد و برای ساخته های چوبی و سفالی و گچی مناسب است.

۴. شاپان که به آن جوهر رنگ روغنی نیز می گویند و آستر مناسبی برای کهنه کاری و آنتیک کاری است که به دلیل غلظت بالا به صورت رقیق شده به کار می رود.

ابزار کار

در هنر پتینه کاری هم چون هر هنر دیگری ابزار و موادی به کار برده می شود که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

۱. انواع قلم موها، ۲. دستمال و پارچه هایی با بافت های مختلف، ۳. انواع اسفنج، ۴. رنگ پاش یا اسپری، ۵. سیم ظرف شویی، ۶. سمباده زبر و نرم، ۷. دستکش، ۸. کاردک های مختلف، ۹. اکلیل، ۱۰. تکمیل کننده ها (کیلر، روغن جلا، موم عسل)، ۱۱. انواع چسب ها (چسب چوب، سريش، چسب کاغذ دیواری، چسب سرامیک و...)

بافت و انواع آن

ایجاد بافت در هنر پتینه امری خلاقه محسوب می شود و تا حد زیادی به قدرت تجسم هنرمند بستگی دارد. برای ایجاد بافت از تکنیک ها و فوت و فن های مختلفی استفاده می شود که تجربه هر یک از این تکنیک ها در ایجاد مهارت و بالابردن قدرت خلاقه هنرمند نقش شایانی دارد. در کتاب هنر پتینه، هشت نوع بافت معرفی شده است و طرز ایجاد آن ها توضیح داده شده است. به دلیل اهمیت ایجاد بافت در کارهای پتینه این بخش از مهم ترین بخش های کتاب به شمار می رود که با توجه به مطالب آن فهرست وار به انواع بافت اشاره ای می کنیم:

۱. ایجاد بافت با مواد و مصالح پودری؛ این نوع بافت با مواد و مصالحی درست می شود که دارای دانه بندی های ریز هستند نظیر پودر مل، پودر سیمان، پودر سنگ، خاک نسوز و خاک اره. این مواد به طور معمول با چسب چوب و آب به صورت مواد مایع رقیق یا خمیری درمی آیند و جهت مالیدن بر روی سطوح آماده می شوند، پس از مالیدن این مواد بر روی سطوح مختلف می توان به وسیله کاردک، یا گونی نقوشی را بر سطح آن ها پدید آورد.

۲. ایجاد بافت به وسیله الیف؛ برای این نوع بافت از انواع پارچه، طناب، حصیر یا چرم و گونی و تنظیف استفاده می شود. برای چسباندن این مواد و ایجاد بافت های مختلف معمولاً چسب چوب رقیق و غلیظ به کار می رود. ابتدا بر سطح مورد نظر چسب چوب غلیظ می زنند سپس بر روی آن پارچه را با حالتی چین و چروک دار قرار می دهند و روی پارچه یک لایه چسب چوب رقیق می مالند.

درست کرد. خاک و آب و کاه را با هم مخلوط و چند قاشق چسب چوب به آن اضافه می‌کنیم و سپس روی سطح موردنظر می‌مالیم. ۸. ایجاد بافت با آینه و شیشه؛ این بافت با استفاده از آینه، شیشه رنگی خرد شده و چسب چوب غلیظ ایجاد می‌شود.

معرفی تکنیک‌های متنوع در هنر پتینه کاری

بخش تکنیک‌های هنر پتینه کاری مهم‌ترین بخش این کتاب است و مؤلف روش هر تکنیک را به خوبی شرح و توضیح داده است. پیشنهاد ما این است که برای آشنایی با این روش‌ها رجوع به کتاب بهترین کار برای علاقه‌مندان به هنر پتینه کاری است. فهرست تکنیک‌هایی که در کتاب به تفصیل معرفی شده‌اند به این ترتیب است:

۱. رنگ‌آمیزی چرک، ۲. رنگ‌آمیزی شسته، ۳. آنتیک کاری، ۴. پتینه فلزات، ۵. پتینه شیشه، ۶. پتینه کاری با ورق طلا، ۷. دکوپاژ، ۸. پتینه سنگ‌نما، ۹. کهنه کاری سفال، ۱۰. تکنیک ایجاد ترک، ۱۱. پتینه چوب، ۱۲. تکنیک کار با موزاییک، ۱۳. پتینه برنز، ۱۴. رنگ‌شویی، ۱۵. پتینه و ۱۶. روش استنسیل.

۳. ایجاد بافت به وسیله کاغذ؛ در این نوع بافت از انواع کاغذ به صورت چین خورده و چروک داده شده برای ایجاد بافت استفاده می‌شود؛ کاغذهایی نظیر دستمال کاغذی، روزنامه، کاغذ برش و پوستی، فویل و... چسبانیدن کاغذها هم به سلیقه دلخواه و به وسیله چسب چوب رقیق و غلیظ صورت می‌گیرد. ۴. ایجاد بافت با دانه‌های مختلف؛ این بافت از ماسه‌ها، سنگ‌ها و شن‌ها ایجاد می‌شود و برای چسبانیدن سنگ‌ها نیز از چسب چوب رقیق و غلیظ استفاده می‌شود. ۵. ایجاد بافت با انواع بتونه‌ها؛ نظیر بتونه جسو و بتونه چوب که به صورت آماده به فروش می‌رسند. بتونه‌ها را با دست یا با کاردک بر روی اجسام، حجم و بوم‌ها می‌کشند. ۶. ایجاد بافت با انواع خمیر؛ نظیر خمیر فرفوزه، خمیر نمکی، خمیر نماکهنه و خمیر گل سرامیک و خمیر نماعتیقه. درست کردن هر کدام از این خمیرها دستورالعمل خاصی دارد. ۷. ایجاد بافت با کاهگل؛ برای ایجاد بافت روی ظروف یا قاب یا دیوار و حتی بوم استفاده می‌شود. در این بافت هر چه قشر کاهگل نازک‌تر باشد، ترک‌های ایجاد شده ریزتر خواهد شد. این بافت را با خاک رس، آب، کاه، چسب چوب یا سریش می‌توان



عکس ببینیم،

مردم در محل زیست خودشان

هنگامی که در مناطقی نظیر روستاها، بناهای تاریخی و یا مکان‌های معروف عکاسی می‌کنیم، برای نشان دادن همه جنبه‌های آن منطقه، باید از مردم آن‌جا نیز در محیط زیست خودشان عکاسی کنیم. تا تصویر کاملی از کل منطقه در ذهن بیننده ایجاد شود.

یک قانون کلی

هنگام عکاسی از کسانی که آن‌ها را در یک ترکیب بندی با محیط‌شان، نشان می‌دهید، استفاده از لنزهای «واید» بسیار کارایی دارد. لنزهای زاویه باز به شما این امکان را می‌دهد تا در عین حال که به موضوع اصلی نزدیک می‌شوید و بر آن تأکید می‌کنید، مقدار قابل توجهی از محیط را نیز در کادر خود داشته باشید. البته به شرط آن‌که، زاویه دید مناسبی را برگزینید و چارچوب عکستان را، طوری به دقت انتخاب کنید که ضمن حفظ تعادل در تصویر، هیچ عنصر مزاحم دیگری در کادر نباشد.

مشاهده (۱)

اولین چیزی که در این صحنه توجه مرا به خودش جلب کرد، چرخ دستی میوه‌ها و فروشندگان آن بود. اما در عین حال می‌خواستم تا درگاهی پشت سر آن‌ها را نیز در تصویر خود داشته باشم.

تفکر (۱)

من می‌خواستم که علاوه بر دست‌فروشان، کل درگاهی پشت سر آن‌ها هم در تصویر دیده شوند. اما متأسفانه خیابان بسیار باریک بود و به من اجازه نمی‌داد که به اندازه کافی عقب بروم تا کل تصویر را در کادر خود داشته باشم. بنابراین باید از یک لنز زاویه باز (واید) استفاده می‌کردم و سر دوربین را رو به بالا می‌بردم، اما این کار باعث می‌شد تا خطوط عمودی پس زمینه زاویه دار و کج شوند.

عمل (۱)

خوش‌یختانه درست در مقابل سوژه من در آن سوی خیابان، چند پله قرار داشت. بنابراین تصمیم گرفتم تا با قراردادن دوربین، روی پله‌ها، کل نقطه دید خود را بالاتر ببرم، به جای آن‌که سر دوربین رو به بالا گرفته شود.



عکس بگیریم

ترجمه: مهسا قبایی

یک قانون کلی

هنگام استفاده از دوربین‌ها «توفوکوس» (دوربین‌هایی که تنظیم وضوح تصویر به‌طور خودکار انجام می‌شود نه توسط عکاس) اگر سوژه اصلی زیادی به دوربین نزدیک است و در عین حال در مرکز کادر دلخواه شما قرار ندارد، برای واضح بودن کل تصویر ابتدا نقطه وضوح تصویر خود را در بخش عمده کادر دلخواهتان قرار دهید. در این حالت دست خود را از روی کلید بردارید. سپس دوربین را کمی حرکت دهید تا سوژه اصلی در جای مناسب کادر قرار گیرد، آن‌گاه عکس بگیرید.

مشاهده (۲)

منظره این دهکده آفریقایی در کنیا، موقعیت بسیار رنگینی دارد با انبوه مردمی که مدام در یک میدان کوچک مقابل ردیفی از دکه‌های خرت و پرت‌فروشی، همدیگر را به جلو هل می‌دادند. نور تند خورشید مستقیماً بر فراز دهکده می‌تابید و لباس‌های رنگین مردم دهکده، زیر نور خورشید تبدیل به توده انبوهی از رنگ‌ها و جزئیات درخشان اما غیرقابل کنترل می‌شد.

تفکر

به همین دلیل تصمیم گرفتیم، به جای ثبت پهنه وسیع و درهمی از دهکده، بر ویژگی‌های فردی یکی از اهالی دهکده تأکید کنم. بنابراین از یک لنز زاویه بسته استفاده کردم تا بتوانم منطقه کوچکی از کل منظره را در کار خود داشته باشم.

عمل (۲)

بعد از پیدا کردن نقطه دید مناسب، کادر تصویر را به‌گونه‌ای بستم که بخشی از دکه‌ها که در تاریکی قرار داشت به عنوان پس زمینه تصویر عمل کند. سپس آن‌قدر صبر کردم تا یک سوژه مناسب وارد کادر تصویر من شود و در جای درست خود قرار بگیرد.

منبع

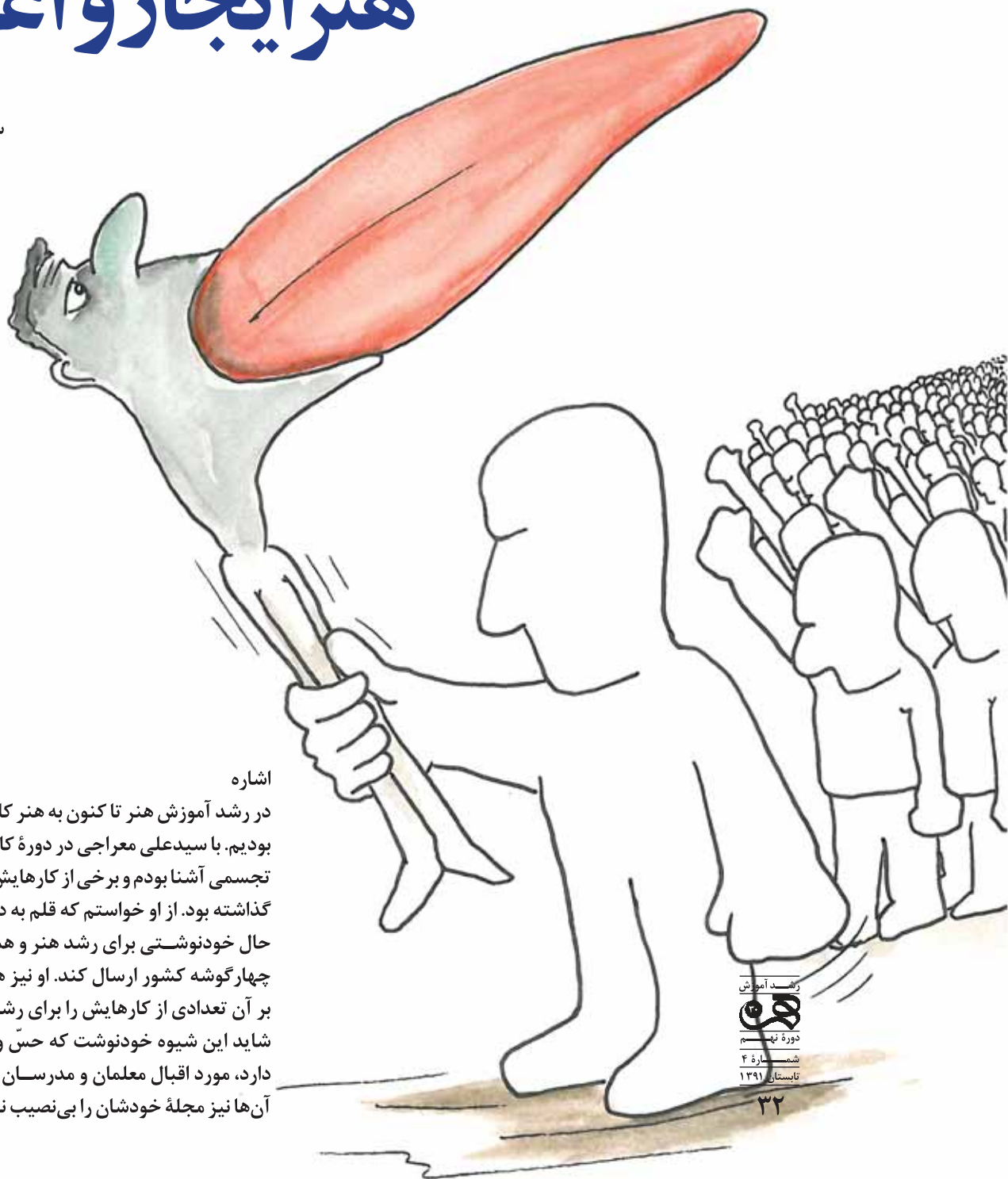
Better Picture Guide to Travel photography. Micheal Busselle, Retovision,



عشق بلند آمد و دلبر غیور

کاریکاتور، هنر ایجاز و اغراق

سیدعلی معراجی



اشاره

در رشد آموزش هنر تا کنون به هنر کاریکاتور نپرداخته بودیم. با سیدعلی معراجی در دوره کارشناسی هنرهای تجسمی آشنا بودم و برخی از کارهایش را برایم به یادگار گذاشته بود. از او خواستم که قلم به دست گیرد و شرح حال خودنوشتی برای رشد هنر و همکاران خودش در چهارگوشه کشور ارسال کند. او نیز همتی کرد و علاوه بر آن تعدادی از کارهایش را برای رشد هنر ارسال کرد. شاید این شیوه خودنوشت که حس و حال صمیمانه‌ای دارد، مورد اقبال معلمان و مدرسان هنر قرار گیرد و آن‌ها نیز مجله خودشان را بی نصیب نگذارند.

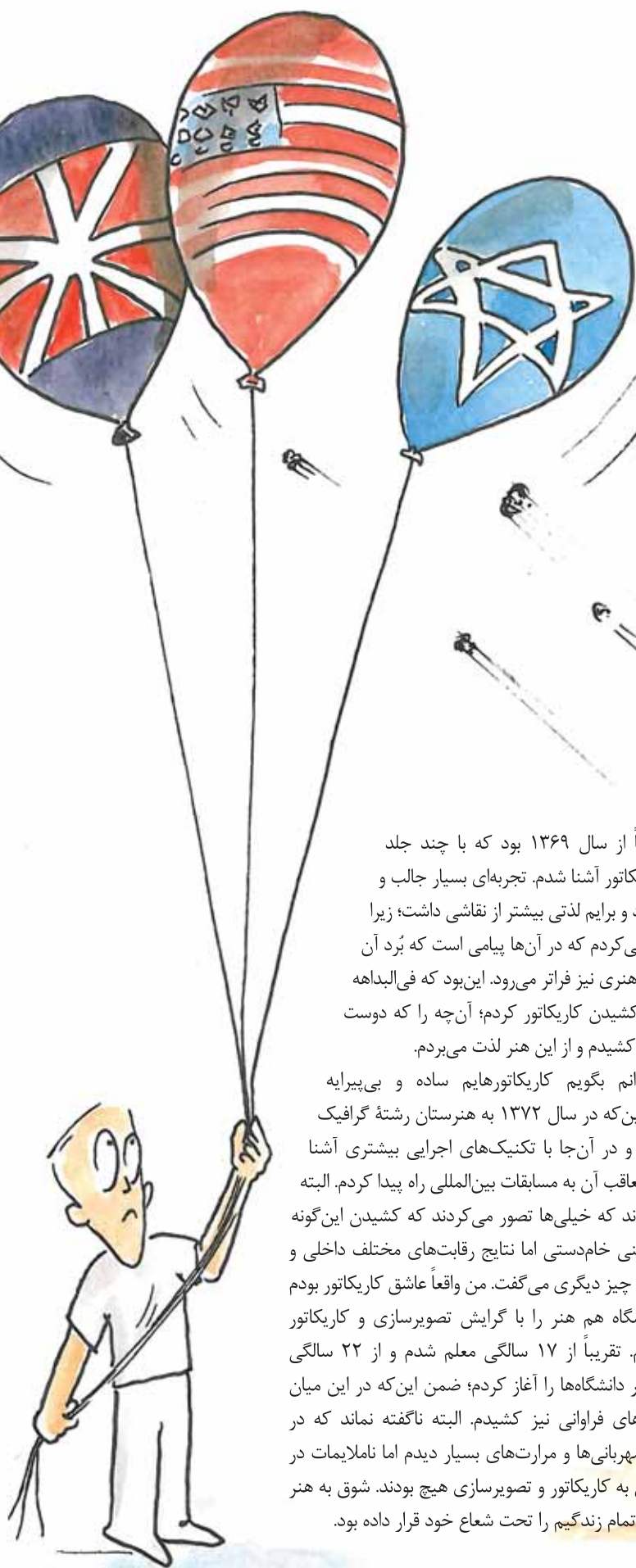
رشد آموزش
دوره نه‌م
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۱

... به دنبال هنر

سالیان بسیاری از اولین تجربه قلم‌زنی‌ام می‌گذرد و در نخستین قلم به‌دست گرفتن‌ها خط‌خطی کردم، نقاشی کشیدم و پدر و مادرم با چه صبر و حوصله‌ای نقاشی‌هایم را دیدند و تشویقم کردند که نقاشی بکشم. در تصاویری که می‌کشیدم گویا به دنبال چیز دیگری بودم و دوست داشتم با تصاویرم حرف بزنم می‌خواستم زیبا بکشم اما بلد نبودم؛ زیرا کسانی هستند که همیشه بهتر از تو می‌کشند و بهتر از تو می‌اندیشند؛ حال آن‌که من دوست داشتم با تصویر سخن بگویم و با دیگران ارتباط برقرار کنم. با این همه خیلی اتفاقی وارد هنرستان رشته گرافیک شدم. درس‌ها را هم خوب فهمیدم؛ هر چند که همه این‌ها را مدیون اساتید بزرگوار خود در دوره هنرستان بودم و آن‌قدر اعتمادبه‌نفس به من دادند و آن‌چنان اعتماد به خود داشتم که هم‌زمان شروع به آموزش در مکان‌های مختلف و حتی شهرستان‌های اطراف استان گیلان نمودم. اگرچه بیشتر رشته‌های هنری را تجربه کردم و در هر کدام دقیق شدم تا بتوانم از آن‌ها لذت ببرم و خوب بیاموزم تا به موقع خوب آموزش دهم. اما روح سرکش من به دنبال چیزی فراتر از لذت بود؛ این‌که آیا می‌توان با استفاده از معانی و مفاهیم عمیق شادمانی و لذت را به مردم هدیه کرد و یا بر لبی خنده نشانند؟

تقریباً از سال ۱۳۶۹ بود که با چند جلد مجله کاریکاتور آشنا شدم. تجربه‌ای بسیار جالب و شیرین بود و برایم لذتی بیشتر از نقاشی داشت؛ زیرا احساس می‌کردم که در آن‌ها پیامی است که بُرد آن از یک اثر هنری نیز فراتر می‌رود. این بود که فی‌البداهه شروع به کشیدن کاریکاتور کردم؛ آن‌چه را که دوست داشتم می‌کشیدم و از این هنر لذت می‌بردم.

می‌توانم بگویم کاریکاتورها هم ساده و بی‌پیرایه بودند. تا این‌که در سال ۱۳۷۲ به هنرستان رشته گرافیک پا گذاشتم و در آن‌جا با تکنیک‌های اجرایی بیشتری آشنا شدم و متعاقب آن به مسابقات بین‌المللی راه پیدا کردم. البته ناگفته نماند که خیلی‌ها تصور می‌کردند که کشیدن این‌گونه تصاویر یعنی خام‌دستی اما نتایج رقابت‌های مختلف داخلی و بین‌المللی چیز دیگری می‌گفت. من واقعاً عاشق کاریکاتور بودم و در دانشگاه هم هنر را با گرایش تصویرسازی و کاریکاتور ادامه دادم. تقریباً از ۱۷ سالگی معلم شدم و از ۲۲ سالگی تدریس در دانشگاه‌ها را آغاز کردم؛ ضمن این‌که در این میان کاریکاتورهای فراوانی نیز کشیدم. البته ناگفته نماند که در این راه نامهربانی‌ها و مرارت‌های بسیار دیدم اما ناملایمات در برابر عشق به کاریکاتور و تصویرسازی هیچ بودند. شوق به هنر کاریکاتور تمام زندگی‌م را تحت شعاع خود قرار داده بود.



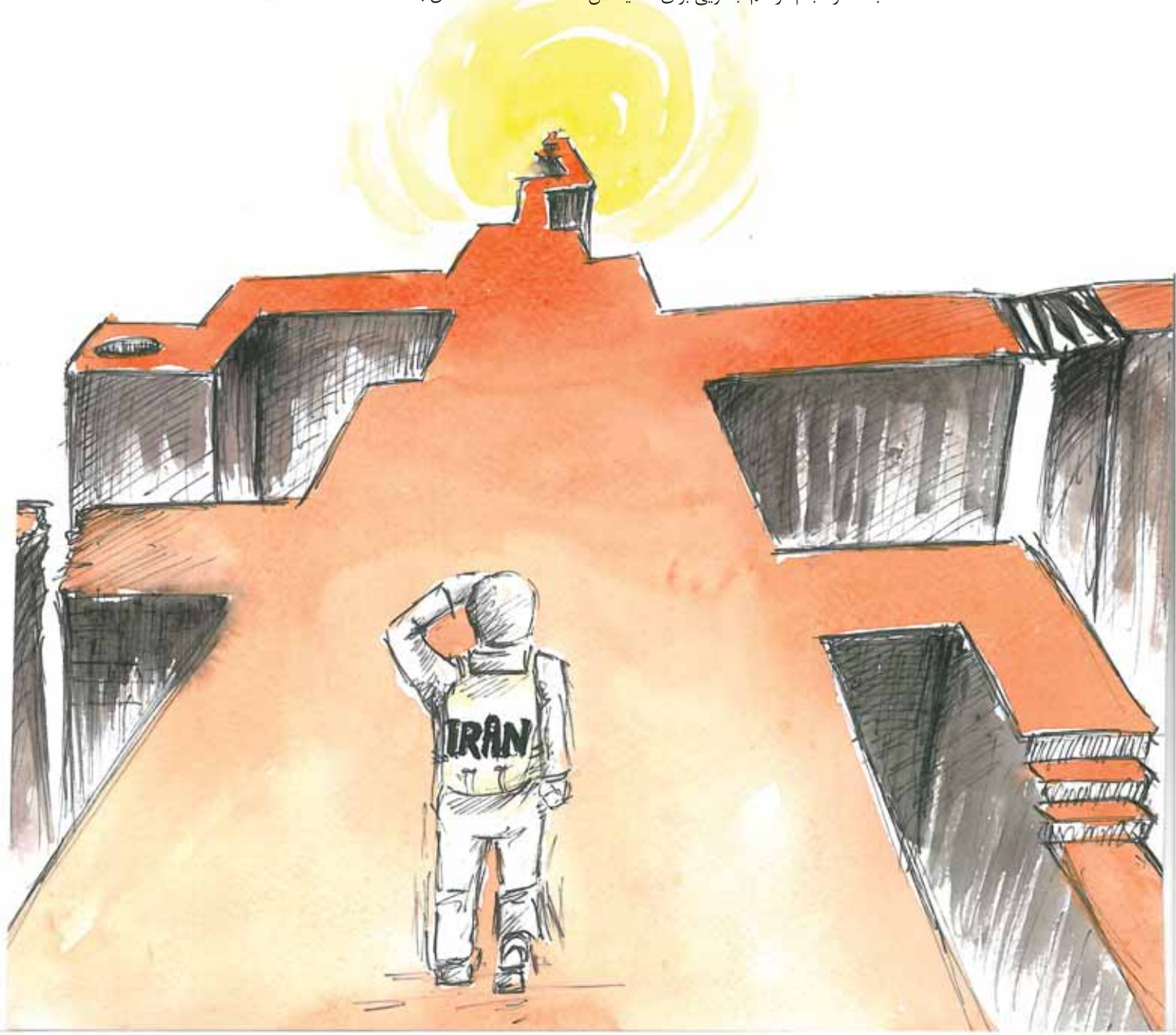
کاریکاتور چیست؟

کاریکاتور یکی از رشته‌های هنری است که زیرمجموعه هنرهای تجسمی بسان خیلی از رشته‌ها محسوب می‌شود. همه ما کم و بیش با کاریکاتور آشنایی داریم و به محض شنیدن این واژه متوجه خنده یا تمسخر یا چیزی مانند آن می‌شویم. از طرفی می‌دانیم که یکی از هنرهای جذاب و دیدنی است که به سادگی نمی‌توان از آن گذشت و نادیده‌اش گرفت. اما به راستی کاریکاتور چیست؟

کاریکاتور از ریشه واژه‌ای ایتالیایی یعنی از «کاریکا» گرفته شده است. از پیشگامان این هنر نیز می‌توان به «دومیه» اشاره کرد. اما واقعیت این است که پیشینه این هنر به دوران قبل از تاریخ برمی‌گردد، زمانی که انسان‌های بدوی بر روی دیواره غارها به خلق تصاویر می‌پرداختند و حال چه با نیت شکار و چه به خاطر انجام مراسم جادویی برای خدایانشان.

در تصویری که توسط بدویان (انسان‌های غارنشین که هنوز به دروازه‌های تمدن نرسیده بودند) خلق شده، حالتی از ایجاز و سادگی و اغراق وجود دارد و این امر در سایر آثار برجامانده از انسان‌ها در دوره‌های بعد مشهود هست؛ چه آثار ترسیمی و چه آثار حجمی که در قالب سفالینه‌ها و تندیس‌هایی به وجود آمده است. اما آن چه که در اکثر آن‌ها مشترک می‌نماید بحث ایجاز و خلاصه کردن یک تصویر در حد امکان و مورد دیگر اغراق و بزرگ‌نمایی در یک چیز است.

هنرمند معاصر نیز با استفاده از تکنیک‌های اجرایی و متدهای گوناگون و با بهره‌گیری از قانون ساده کردن تصویر و بزرگ‌نمایی در آن با توجه به مفاهیم موردنظر خود اقدام به خلق تصویر می‌کند که البته طنز و خنده نیز می‌تواند چاشنی آن باشد.





سیدعلی معراجی (متولد ۱۳۵۸ رشت) و تجارب آموزشی

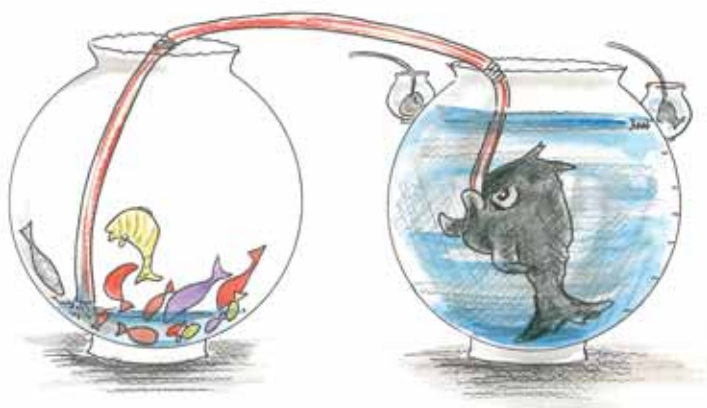
- مدرس گرافیک و معماری هنرستان و پیش‌دانشگاهی
- مدرس دانشکده فنی میرزا کوچک صومعه‌سرا (کاردانی معماری)
- مدرس تربیت معلم بنت‌الهدی صدر گل‌سار رشت (کارشناسی گرافیک، امور تربیتی، آموزش ابتدایی)
- مدرس تربیت معلم امام علی (ع) رشت (آموزش ابتدایی)
- مدرس سفال‌گری و معرق‌سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی
- مدرس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ماسال
- مدرس کانون‌های هنری سازمان آموزش و پرورش
- مدرس ضمن خدمت فرهنگیان در سراسر استان
- مدرس سازمان آموزش و پرورش در کارگاه‌های تخصصی در اکثر شهرستان‌های گیلان
- مدرس مراکز آموزشی و تخصصی هنر و کنکور آموزشگاه آزاد هنری اداره ارشاد اسلامی
- مدرس انجمن هنرهای تجسمی شهرستان رودبار
- مدرس انجمن کاریکاتور استان گیلان و شهر رشت



کسب عناوین

- سرگروه هنر استان در پایه‌های مختلف تحصیلی در سازمان آموزش و پرورش استان گیلان (۶ سال)
- مسئول انجمن کاریکاتور استان گیلان (۶ سال)
- نفر برگزیده کشوری در رشته کاریکاتور (۱۳۸۴)
- نفر برگزیده کشوری در رشته فیلم‌نامه‌نویسی (۱۳۸۴)
- نفر برگزیده کشوری در رشته تصویرسازی «کاشان» (۱۳۸۱)
- نفر برگزیده در اولین جشنواره آثار تجسمی معلمان کشور (۱۳۸۱)
- پژوهش‌گر برتر جشنواره کشوری ادبیات بررسی تحلیل تصاویر کتاب‌های درسی (۱۳۸۶)
- رتبه سوم عکاسی دانشجویان کشور (۱۳۸۲)
- رتبه سوم استانی در رشته کارگردانی تئاتر (۱۳۸۱)
- رتبه اول استانی در رشته کاریکاتور در سال‌های ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸
- رتبه اول کاریکاتور در شهر رشت بیش از ۲۰ جشنواره
- مؤلف کتاب طنز نی‌نی ولگرد
- طراح دکور و گرافیک در سازمان‌های مختلف دولتی و غیردولتی در تهران و گیلان
- طراح دکور جشنواره‌های مختلف هنری - نظامی و تئاتر و خلق بیش از ۵۰ پوستر برای نهادهای مختلف

برای این معلم سخت‌کوش آرزوی توفیق بیشتر داریم و برخی از آثار او را در رشد هنر ارائه می‌کنیم.



نقاشی کودکان و نقش آن در پرورش خلاقیت

جواد محمدی صبا
لیسانس آموزش هنرهای تجسمی

اشاره

همه بچه‌ها به هر حال در دوران کودکی چندین صفحه‌ای را خط‌خطی کرده‌اند. اما آیا این استعداد، تاریخ مصرفی داشته است که بعد از جوانی یا قبل از آن از بین می‌رود و تنها در برخی شکوفا می‌شود و تا آخر عمر ادامه می‌یابد؟ شواهد نشان می‌دهد که هر اندازه کودکان در انتخاب موضوع آزادی عمل داشته باشند و شناخت کافی برای استفاده از تخیل و آزادی در رنگ‌آمیزی و ابزار وجود داشته باشد به راحتی می‌توانند هر موضوعی را نقاشی بکنند بدون ترس از این که دیگران آن را تأیید نکنند یا نه. در این صورت پرورش خلاقیت و شکوفایی استعداد آنان از این طریق ممکن می‌گردد و حتی می‌شود با این روش کودکان را شناخت و با دنیای پر رمز و راز آنان آشنا شد. در این مقاله سعی بر این بوده است که رابطه موضوع نقاشی و پرورش خلاقیت از زوایای مختلف و برخی کتاب‌های نوشته شده در این مورد بررسی و به نقش مربی، والدین و اجتماع نیز اشاره شود.





مقدمه

آن هاست. این طرح‌ها به مرور با رشد کودک، کامل‌تر می‌شوند و برای ما مفهوم روشن‌تری پیدا می‌کنند. با تأیید و تشویق کارهای کودکان، می‌توان اعتمادبه‌نفس آن‌ها را تقویت و شوق تجربه‌های بعدی را در آنان ایجاد کرد. نقاشی کردن برای کودک به معنای مفید، سازنده و مبتکر بودن است و تأثیر مهمی بر ذهن او می‌گذارد؛ به همین دلیل در نقاشی به هیچ‌وجه نباید از مدل استفاده کرد. بچه‌ها باید آزادانه در مورد موضوع بیندیشند و ایده خود را در حد توانایی‌شان اجرا کنند تا از درون ارضا شوند. با توجه به این دیدگاه، نقاشی کودکان جنبه تربیتی دارد نه آموزشی.

خلاقیت در کودکان

خلاقیت قابلیت است که در همگان وجود دارد اما به پرورش و تقویت نیاز دارد تا به شکوفایی برسد. فرد خلاق کسی است که از ذهنی جست‌وجوگر و آفریننده برخوردار باشد. به عبارتی دیگر، خلاقیت یعنی «توانایی دیدن چیزها به شیوه‌های جدید، شکستن مرزها و فراتر رفتن از چارچوب‌ها، فکر کردن به شیوه‌ای متفاوت، ابداع چیزهای جدید، استفاده از چیزهای نامربوط و تبدیل آن به شکل‌های جدید»^۱. می‌توان نتیجه گرفت که خلاقیت برآیند فرایندهای ذهنی و شخصیتی فرد بوده و به تولیدات و آثاری منجر می‌شود که نو و بدیع‌اند، خاصیتی متکامل داشته و با واقعیت‌ها، منطبق بوده و در نهایت به سود جامعه بشری هستند.

تخیل و خلاقیت

خلاقیت و تخیل در عین حال که یکی نیستند ولی کاملاً با هم ارتباط دارند. خلاقیت غالباً مستلزم کاربرد تخیل است. به‌نظر فروید (۱۸۵۹-۱۹۳۹)^۲ تفکر خلاق شکل عالی تخیلات آزاد و بازی‌های دوره کودکی است. از مهم‌ترین عواملی که تفکر خلاق را ممکن می‌سازد، تخیل است. وقتی سخن از تخیل و خلاقیت به میان می‌آید، فقط به‌خاطر آینده جامعه نیست بلکه وضعیت فعلی کودکان نیز باید مدنظر باشد.

کودکان به کمک تخیل می‌توانند از زمان حال به گذشته و آینده و آنچه خواهد شد فراتر بروند. برای مثال، از طریق نقاشی ارزش جاودانی را تجربه می‌کنند. درباره مفاهیم تازه می‌اندیشند و آن‌ها را می‌آفرینند. مشکلات را حل می‌کنند. عزت‌نفس پیدا می‌کنند. و ما از این طریق می‌توانیم بررسی

وقتی کلاس سوم ابتدایی بودم، یک روز یادم رفت گیلای را که معلم ما هفته پیش تکلیف داده بود به کلاس بیاورم و با سیلی محکمی دنیا بر سرم خراب شد ولی البته از نقاشی بیزار نشدم. فقط مشکلم این بود که موضوعات داده شده توسط معلم را بلد نبودم و حق انتخاب موضوع هم نداشتم.

در پایه چهارم ابتدایی معلم طرز نقاشی تصویر درختی را روی تخته سیاه برایمان شرح داد که بعد از آن تا دوره هنرستان فقط آن درخت را بلد بودم.

در دوره راهنمایی هم که معلم ویژه هنر نداشتیم. همیشه نمراتم زیر ۱۵ بود که تنها یک بار قوطی کبریتی را به‌وسیله خط‌کش رسم کردم و ۲۰ گرفتم که دلیل گرفتن آن نمره هیچ‌وقت برایم آشکار نشد.

آموزش دادن نقاشی به کودکان همیشه برایم دغدغه بود و بعد از شروع تدریس به عنوان مربی هنر، سریعاً روش‌های مختلفی را می‌آزمودم تا به این نتیجه رسیدم که دادن موضوعات نقاشی متناسب با فرهنگ و اقتضای سنی کودکان و صحبت و پرسش و پاسخ در مورد همان موضوع می‌تواند کودکان را تشویق و متمرکز برای دیدن اطراف خودشان بکند. به عنوان مثال: خانه‌ای که سال‌ها در آن زندگی می‌کنند و شناختی از آن ندارند یا مسیر خانه تا مدرسه که هر روز طی می‌شود و نمی‌دانند که درختان آن از نوع سرو است یا تبریزی یا از شکل مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کنند بی‌خبرند. اما با این روش بچه‌ها بعد از آن به‌جای نگاه کردن، همه‌چیز را می‌بینند و به‌یاد می‌سپارند. به‌نظر می‌رسد دیدن، به‌یاد سپردن و شناخت لازمه پرورش خلاقیت است و مربی هنر نقش بسزایی در این مورد ایفا می‌کند. کودکان با توجه به دید شخصی و تخیل خود دست به خلاقیت زده و آثار زیبایی خلق می‌کنند و گاه حتی در ردیف نقاشان بزرگ دنیا قرار می‌گیرند. نقش مربی در این میان، هم می‌تواند پرورش‌دهنده باشد و هم سرکوب‌کننده خلاقیت.

کلیدواژه‌ها: موضوع در نقاشی، نقاشی کودکان، خلاقیت.

تعریف نقاشی کودک

نقاشی فعالیتی آشنا و عادی است که بر رشد ذهنی بچه‌ها تأثیر زیادی دارد. کودکان به نقاشی علاقه دارند و با هرچه در دسترسشان باشد طرح‌هایی می‌کشند که متناسب با روحیه





کنیم که دربارهٔ جهان خود چه می‌دانند، چه چیزی را مهم می‌دانند و چگونه آن را بیان می‌کنند.

ویژگی‌های کودکان خلاق^۲

۱. کودکان خلاق اغلب با آب‌وتاب حرف می‌زنند. ذکر جزئیات یک ماجرا و به تفصیل سخن گفتن می‌تواند نشانهٔ قدرت خیال و تصور زیاد در آن‌ها باشد.
۲. دقت و توجه شدید در گوش‌دادن، مشاهده‌کردن یا انجام دادن کاری دارند.
۳. شور و نشاط و مشغولیت‌های شدید حرکتی جسمانی دارند.
۴. در صحبت‌های خود از قیاس استفاده می‌کنند.
۵. عادت به وارسی منابع مختلف دارند.
۶. با دقت به اشیا و پیرامون خود می‌نگرند.
۷. اشتیاق به صحبت کردن دربارهٔ کشفیات با دیگران دارند.
۸. توانایی ابداع بازی‌های جدید و تغییر در بازی‌ها را دارند.
۹. کنجکاوی زیادی برای سردرآوردن از امور دارند.
۱۰. در گفتار خود جسارت زیادی دارند.
۱۱. سؤالات عجیبی طرح می‌کنند.

چرا گاهی به نظر می‌رسد که کودکان از بزرگ‌سالان باهوش‌تر و خلاق‌ترند؟

به‌طور طبیعی، اثر محیط باعث تخریب طرز تلقی بسیاری از کودکان در دوران پرورش آن‌هاست. دانشمندان و مربیان نظیر جمیس^۴، سانتایانا^۵ و اشترن^۶ عقیده دارند که کودکان دارای هوش خلاق هستند ولی بعداً از ترس این‌که اشتباه کنند یا ساده‌لوح به‌نظر برسند همرنگ جماعت و مقید به نظم می‌شوند.

بزرگ‌سالان نسبت به کودکان اطلاعات بیشتری در اختیار دارند به همین دلیل بازدهٔ هنری آنان پیچیده‌تر از بازدهٔ کودکان است. ولی کودک نیز اطلاعات و تجارب فزاینده‌ای دارد.

مثال: کودکی موفق می‌شود نقاشی‌های زیبایی بکشد ولی آن گروه اجتماعی که وی بدان وابسته است نمی‌داند این نقاشی‌ها به چه کار می‌آیند. از این‌رو بعضاً واکنش تخریبی به اثر هنری کودک نشان می‌دهند. بنابراین خیلی زود ایجاد این نوع خلاقیت بی‌مصرف و دست و پاگیر و مأیوس‌کننده می‌شود و کودک مجبور به ترک فعالیت مورد علاقه‌اش می‌شود و سعی

می‌کند چیزی را خلق کند که مورد علاقه و توجه اطرافیان باشد. این یک اثر منفی است که محیط انسانی بر کودک می‌گذارد اما کودک دست از خلاقیت برنمی‌دارد و عوامل مثبت دیگری (یاری معلم روشن‌بین، هوشمندی و استقلال‌نظر کودک) بر جَوّ خصمانه پیروز می‌شود. اگر به کودک امکان شناخت محیط‌های گوناگون و کسب تجربه در جهات مختلف داده شود حس زیبایی‌شناسی و خلاقیت او تقویت خواهد شد.

به کودکان کمک کنیم تا انتخاب کنند

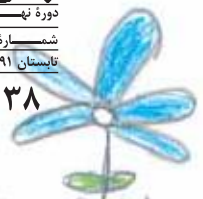
توانایی تصمیم‌سازی بخشی از اهداف برنامه رشد است. کودک شما باید یاد بگیرد که در مورد کارهایی که لازم است انجام دهد فکر کند نه این‌که صرفاً کارهایی را که به او می‌گویند انجام دهد یا در برخی موارد از انجام دادن آن‌ها طفره ببرد! اما با این حال شما در این دوران نمی‌توانید دست کودک خود را برای انتخاب کاملاً باز بگذارید؛ زیرا او ممکن است تصمیم‌هایی بگیرد که برای سلامتی او مضر باشد.

یکی از عوامل مهم در رشد شخصیت کودکان، پرورش حس اعتمادبه‌نفس در ایشان است. برای این‌که کودکان و نوجوانان بتوانند از حداکثر ظرفیت ذهنی و توانمندی‌های بالقوهٔ خود بهره‌مند شوند، باید بتوانند نسبت به خود خوشبین و نسبت به محیط اطراف دارای احساس توانایی بوده از انگیزه‌های قوی برای تلاش برخوردار باشند و در یک کلام باید از حس اعتمادبه‌نفس برخوردار شوند.

خلاقیت: با ایجاد محیط مناسب برای پرورش خلاقیت کودک می‌توان اعتمادبه‌نفس را در او تقویت کرد. می‌توان اظهار داشت که «رنگ کردن و نقاشی و سایر فعالیت‌های هنری به منزلهٔ بهترین وسایل برای ابراز علائق و عواطف کودک به‌شمار می‌روند».

از طرف دیگر، آشنا شدن به موضوع نقاشی در ذهن کودکان و چگونگی رنگ‌آمیزی آنان، این امکان را به مربیان و دست‌اندرکاران می‌دهد که با استفاده از این زبان خاص می‌توانند به استعدادها و علایق کودکان پی برده و در نهایت به شکوفایی آن‌ها اقدام نمایند. لذا «یکی از رایج‌ترین راه‌های عرضه و ارائهٔ استعدادهای خلاقه، نقاشی است».

آرنو استرن (Arno Stern)^۷ که آموزگار نقاشی است، اعتقاد دارد: «بچه وقتی مشغول نقاشی است بیش از هر موقع و مکان دیگر خود را آزاد و تنها می‌یابد. چون در چنین وضعیتی هیچ قانونی به او تحمیل نمی‌گردد و مانع انجام آن‌چه دلخواه





رد موضوع‌های دیگر در سنین مختلف و نزد کودکان مختلف، تفاوت دارد.

شناخت و جلب توجه کودکان به وسیله موضوع نقاشی

کودک در انتخاب موضوع نقاشی فقط تحت تأثیر بیان داستانی نیست، بلکه احتیاج به شناخت نیز محرک اوست. فعالیت گرافیکی برای کودک وسیله‌ای است برای شناخت، پرسش و طرح مسائل و مشکلات و در عین حال اثربخشی و اکتشاف. بزرگسالان برای به‌خاطر آوردن مشخصات یک شیء و یا برای روشن‌تر شدن هر مطلبی، شکل و طرح آن را ترسیم می‌کنند. به همین ترتیب کودک برای آن‌که شناسایی خود را از یک سیستم فنی تکمیل کند، شکل آن را می‌کشد. برای این‌که کودک بتواند موضوع جدیدی را درک کند، باید حتماً ارتباطی ولو مبهم بین موضوع جدید و تصاویر مغزی او پیدا شود. چنان‌چه این ارتباط پدید آید، تصویر جدید در مقایسه با موقعیت‌ها و تجارب قبلی قابل درک می‌شود.

بهترین وسیله برای شناخت نمادها توسط کودک این است که از او بخواهیم مثلاً خواب و رؤیایی را به‌صورت نقاشی بکشد، و سپس آن را توضیح دهد.

آزاد گذاشتن کودکان در انتخاب موضوع نقاشی

نقاشی پلی برای برقراری ارتباط با درون کودکان است. آن‌ها دنیای شخصی خود را می‌آفرینند و واقعیت‌ها را همان‌گونه که می‌دانند و می‌شناسند، به تصویر می‌کشند. در واقع آن‌ها نه فقط آن‌چه را می‌بینند، بلکه آن‌چه را از جهان پیرامون خود درک می‌کنند، نقاشی می‌کنند.

در نقاشی کودکان گاه تنه درخت زرد، آسمان صورتی، گربه قرمز و صورت انسان بنفش است. احساس کودک به هر چیز رنگ تازه‌ای می‌دهد. به همین دلیل مربی می‌تواند

اوست نمی‌شود. لذا درون خود را به نحو اکمل ظاهر می‌سازد. در این کیفیت‌هاست توانایی سحرآمیزی که باعث ایجاد تابلوهای هنری (که نمودار هنر بی‌آلایش و خالص هستند) می‌شود، شکفته می‌گردد.^۸

برای برانگیختن این جریان ابداعی بعضی شرایط لازم است: در مرحله اول آزادی بیان، آزادی در انتخاب موضوع، در انتخاب اندازه، در انتخاب آموزش رنگ‌ها و در آهنگ اجرای کار. زیرا کودک باید فکر خود را دنبال کند و در نتیجه شکل خاصی جهت تشریح آن خواهد یافت که موزون با عشق و علاقه اوست.^۸

کودکان در نقاشی‌هایشان از قوه تخیل و حافظه خود بسیار استفاده می‌کنند. وقتی نقاشی خودبه‌خودی است، موضوع آن، در مرکز توجه کودک قرار می‌گیرد، و چنان‌که می‌دانیم نتیجه همگرایی بین عواملی چون خلق‌و‌خو، نقش جنسیت، تجربه و سن است. به‌طور مثال کودکان برون‌گرا از موضوع‌هایی استفاده می‌کنند که تصویر واضح تمایلاتشان را نمایان سازد؛ در حالی‌که کودکان درون‌گرا از جنبه‌های ارتباطی نقاشی بهره می‌برند و برای این‌که از درون آن‌ها چیزی بیان نشود، از موضوع‌های مشخص و قراردادی مانند منظره، گل و میوه استفاده می‌کنند و اگر هم از آن‌ها خواسته شود مثلاً تصویر خودشان را نقاشی کنند، آن‌ها خود را در حال نقاشی کشیدن و یا خوابیدن به تصویر می‌کشند. به‌طور کلی، موضوع نقاشی با پیشرفت سن، از مرحله علاقه به خود، به مرحله توجه به دنیای خارج و دیگران تکامل می‌یابد.

اگر فرصت مشاهده تعدادی از نقاشی‌های کودکان را داشته باشیم، متوجه می‌شویم که موضوع‌هایی مانند خانه، آفتاب، درخت و غیره غالباً ده بار بی‌آن‌که برای کودک کسل‌کننده باشد، تکرار شده است. تکرار یک موضوع معمولاً دارای معنی خاصی در ارتباط با کودک است. ترجیح یک موضوع ثابت و



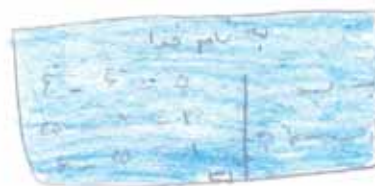
از کودک بخواهد که هر یک از موضوعات (خانه، درخت، گربه، مورچه و...) ذهنی خود را بکشد و آن را به هر رنگی که در ذهن مجسم کرده است نشان دهد.

نباید در هیچ شرایطی برای کودکان شکل کشید، رنگ انتخاب کرد، الگو یا مدل نقاشی ارائه داد؛ بلکه تنها باید به آنان کمک کنیم تا تصویرهای ذهنی جالب و تازه‌ای متناسب با درک ذهنی خود بکشند و آن‌ها را آن گونه که دوست دارند رنگ بزنند تا خلاقیتشان پرورش یابد.

باید توجه کودکان را در فرصت‌های مناسب به شکل‌های متنوع طبیعی و ساخته دست بشر، تنوع رنگ‌ها، بافت‌های گوناگون طبیعی و مصنوعی و به‌طور کلی، دقت در دیدن و درک موضوعات مختلف جلب کرد. برای مثال، دیدن یک ذرت در کلاس و مشاهده قسمت‌های مختلف آن زیر ذره‌بین، شمردن دانه‌های هر ردیف، لمس کردن پوست ذرت و بو کردن کاکل آن، دیدن برش عرضی و طولی ذرت و بررسی آن برای کودکان بسیار جذاب است و باعث شناخت بیشتر آنان و ایجاد ارتباط می‌شود.

شاید خرس آبی باشد

اصرار نکنید کودکان به شیوه مشخص و در چارچوب معینی کار کنند. اگر در نقاشی خرسش را آبی‌رنگ کرد و آسمان را سبز، به او انتقاد نکنید. یکی از نشانه‌های افراد خلاق



این است که به گونه‌ای متفاوت می‌اندیشند و راه‌های متفاوت انتخاب می‌کنند. به گفته اوشو: «فراموش نکن که افراد خلاق همیشه سعی دارند راه‌های عوضی را امتحان کنند. اگر همیشه راه درست بروی، هرگز خلاق نخواهی بود، زیرا راه صحیح یعنی راه کشف شده توسط دیگران.» فعالیت نقاشی، کودکان را به «خوب دیدن» و «دقیق و عمیق دیدن» تشویق می‌کند. توجه دقیق کودک به آن چه با چشم می‌بیند یا تصاویری که با تخیل در ذهن خود می‌سازد به او کمک می‌کند بهتر نقاشی کند.

خلاقیت و تصاویر

مسئله خلاقیت یکی از جهات اصلی پژوهش‌هایی است که به پدیده‌های هنری مربوط می‌شود. مدت زیادی همه فکر می‌کردند که خلاقیت، موضوعی است پیچیده، و نمی‌توان آن را با روش تجربی بررسی کرد.

روان‌کاوی، در روند خلاقیت، از یک طرف به‌طور ناخودآگاه، با تصاویر و تخیلات و از طرف دیگر با کار تنظیم و تشکیل «من» دخالت دارد. کریس (Kris)^۹ نوشته است:

«کنون به‌نظر می‌رسد کارهایی که انسان در کودکی و عنفوان جوانی تجربه کرده ممکن است به عنوان زمینه قبلی بر روند فکری، خواب و رؤیا و خلاقیت‌های هنری او اثر بگذارد. در لحظه خلاقیت، کودک و هنرمند به‌طور موقت از افکار عقلانی دست می‌کشد و از درون خود چالش‌هایی را که در غیر این صورت مخفی می‌ماندند بیرون می‌کشد. بنابراین هنرمند خلاق با نوعی قابلیت حرکت بین «بازگشت به عقب» و پیشرفت مشخص می‌شود.»^{۱۰} حتی می‌توان با دادن دستورالعملی (ارائه موضوع) به کودک، خلاقیت آزاد وی را تحت نظم معینی درآورد. به همین ترتیب، روان‌شناسان کودک در قسمت نقاشی برای پی‌بردن به اختلالات و مشکلات رفتاری کودکان از «تست نقاشی خانواده» استفاده می‌کنند.

برخی موضوعات پیشنهادی برای کودکان

پیدا کردن نقاشی اتفاقی: این نقاشی هم جنبه بازی و سرگرمی دارد و هم خلاقیت تصویری کودکان را تقویت می‌کند. به کودکان یاد می‌دهد تا محیط اطراف خود را به دقت ببینند و از درون آن چیزی را کشف کنند که دیگران ندیده‌اند. **نقاشی برای قصه:** کودکان پس از شنیدن قصه می‌توانند صحنه‌ای را به‌دلخواه انتخاب کرده و آن را به گونه‌ای که تجسم کرده‌اند نقاشی کنند. این موضوع خلاقیت تصویری آنان را پرورش می‌دهد.



نتیجه گیری

چیزی را بر کودک تحمیل نکنیم، فرصت بدهیم تا او خود آزمون و خطا کند به او این امکان را بدهیم که ایده‌ها و دریافت‌هایش از زندگی را نقاشی کند. ارنست دیمنه^{۱۳} می‌گوید: تمامی کودکان تا قبل از ورود به مدرسه دارای نیروی تخیل قوی و تفکر شهودی و زنده از واقعیت هستند اما دیری نمی‌پاید که این حس زیبا و فهم خلاق از جهان هستی، در هیاهوی آموزش رسمی مدرسه رنگ می‌بازد. در هر صورت، می‌تواند چنین نتیجه گرفت که نقش موضوع در نقاشی و مربی به عنوان راهنما و مشوق در کنار کودکان و جواب‌گویی به سؤالات می‌تواند در پیشرفت نقاشی و پرورش خلاقیت آنان سازنده و در ساختن آینده فرزندان سهیم باشد. نقاشی علاوه بر این که به عنوان یک سرگرمی برای کودک به‌شمار می‌رود، یکی از ملزومات رشد و پرورش خلاقیت و استعدادهای کودکان است و حتی ابزاری است در دست روان‌شناسان برای شناخت نقاط قوت و ضعف کودکان که با موضوعات نقاشی ارتباط تنگاتنگی دارد. کودکان باید در مورد انتخاب موضوع نقاشی آزادی عمل داشته و بتوانند با کمک مربی نیازهای درونی و کودکانه خود را ارضا کرده و آنچه را در ذهن خود دارند نقاشی کنند.

پس بیایید نقاشی کردن کودکان را جدی بگیریم.

پی‌نوشت

1. www.samiraeslamieh.blogfa.com
2. sigmund-Freud
3. نیکخواه فرزبیا، جام‌جم، صفحه ۱۱، ۲۵ مهر ۸۴.
4. james
5. Santayana
6. morgen Stern
7. Arno Stern
8. علی اکبرزاده، مهدی، رنگ در نقاشی کودکان، انتشارات میشا، تهران، ۱۳۷۵، صفحات ۲۷-۱۹.
9. Kris
10. آنا اولیور فراری، نقاشی کودکان، ترجمه: عبدالرضا صرافان، انتشارات داستان، تهران، ۱۳۸۷، صفحه ۱۷۲.
11. Torrance
12. www.persiankids.com نویسنده: بخشی و سوسن ملایی
13. Dimnet. Ernest

منابع

۱. نقاشی کودکان، نویسنده: آنا اولیور فراری، مترجم: عبدالرضا صرافان، انتشارات داستان، تهران، ۱۳۸۷
۲. نقاشی کودکان، نویسنده: ل. کرمن، مترجم: دکتر پریخ دادستان و دکتر محمود منصور، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۸۹.

نقاشی با موضوع آزاد: در این نقاشی، کودکان براساس میل فطری و نیاز روانی، موضوعات دلخواه خود را نقاشی کرده و ایده و احساساتشان را آزادانه بیان می‌کنند.

نقاشی با موضوع معین: پس از تعیین یک موضوع برای نقاشی کودکان با راهنمایی مربی تصاویر ذهنی خود را نقاشی می‌کنند.

نقش مربی: تقلید یا خلاقیت

«تمام کودکان قبل از دبستان دارای استعداد خلاقیت در عالی‌ترین حد خود هستند و هنر والدین و معلمان، خاموش کردن و سرکوب کردن این استعداد است! بهتر است بدانیم کودک خلاق، کودکی است که با جواب‌های سطحی شما قانع نمی‌شود. به اعتقاد تورنس^{۱۱} (متخصص خلاقیت در کودکان) در سه سالگی خلاقیت بچه‌ها افزایش می‌یابد و تا چهار، چهار و نیم سالگی به اوج خود می‌رسد. اما در پنج سالگی و با ورود به آمادگی ناگهان سقوط می‌کند.»^{۱۲}

حکایت خواندنی زیر به نوعی دلیل آن را روشن می‌کند: اولین روزی بود که عرشیا کوچولو خیلی خوشحال شد؛ چون نقاشی را دوست داشت. سریع دفترش را باز کرد و شروع به نقاشی کرد. اما معلم گفت: صبر کنید. او روی تخته منظره‌ای را رسم کرد و گفت: این منظره را در دفتر خود بکشید. ساعت بعد سفال‌گری داشتند... عرشیا کوچولو سریع تکه‌ای گل برداشت و شروع به ساختن چیزی کرد. اما معلم گفت: صبر کنید. ظرفی شبیه این که من ساخته‌ام درست کنید. ساعت بعد و ساعت‌های بعد نیز وضعیت مشابه این دو ساعت بود. روزها گذشت و عرشیا کوچولو یاد گرفته بود چیزی را بکشد که معلمش می‌کشد و چیزی را بسازد که او می‌سازد. روزی به دلیل تغییر محل کار پدرش، عرشیا کوچولو نیز ناچار شد به مدرسه‌ای دیگر برود. معلم وارد کلاس شد و گفت: بچه‌ها این ساعت نقاشی داریم. عرشیا کوچولو صاف نشست. معلم پرسید: پس چرا چیزی نمی‌کشی؟ اما او بلد نبود چیزی بکشد. او منتظر بود معلم، روی تخته یک نقاشی بکشد و بعد او نظیر آن را در دفترش رسم کند. ساعت بعد سفال‌گری داشتند. عرشیا کوچولو باز هم بیکار نشسته بود و منتظر بود تا معلم چیزی بسازد. معلم پرسید: پس چرا کاری انجام نمی‌دهی؟ اما او نمی‌توانست، بلد نبود. او دیگر فراموش کرده بود که خودش هم می‌تواند بسازد. فقط منتظر بود تا کار معلم را تقلید کند. ظاهراً معلم قبلی عرشیا کوچولو به‌خوبی از عهده وظیفه کشتن خلاقیت او برآمده بود!

یادگیری خط نستعلیق تحریری و کوشش در بالابردن کیفیت این خط در بین معلمان و دانش‌آموزان یکی از هدف‌های رفتاری مهم در عرصه تعلیم و تربیت است. در این مقاله سعی بر آن بوده که به بیان تأثیرات خط خوش و ویژگی‌های خط نستعلیق تحریری برای آموزگاران که در مقطع ابتدایی به شکل مستقیم تجربه آموزش خط به دانش‌آموزان را برعهده دارند پرداخته شود و در ضمن روش‌های کاربردی تدریس و فرایند آموزشی آن نیز بیان گردد.

در سرمشق‌های ارائه شده تلاش بر آن بوده که براساس عناصر بصری خط تحریری و اصول آموزشی آن سیر منطقی از آسان به مشکل رعایت شود تا هدف‌های آموزشی پیش‌بینی شده قابل دست‌یابی باشد.

باید توجه داشت که، در این مقاله تأکید بر «روش‌های آموزش خط نستعلیق تحریری» است که نگاه مداوم به خط نستعلیق پیوسته و دقت در ظرافت‌های آن در پاکیزگی و رشد خط تحریری دانش‌آموزان تأثیر مستقیم دارد.

درگیر شدن، تجربه کردن و دست به قلم بردن دانش‌آموزان براساس روش و الگوی صحیح، می‌تواند در کیفیت خط و نگرش آن‌ها نسبت به نوشتن تغییر حاصل کند. به همین‌سان آموزگاران نیز می‌توانند به‌راحتی شرایط این تغییر را فراهم ساخته و با همکاری اولیا پایه‌گذار خطی خوش برای دانش‌آموزان باشند. این امر مستلزم به‌کارگیری روش‌های شناخته شده آموزش خط تحریری است. امید آن است که در سایه تلاش دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، اولیا و مربیان، نهال خط خوش و خوش‌خطی به عنوان یک سرمایه ماندگار در حیات فرهنگی هنر دانش‌آموز به ثمر نشسته و اندیشه‌های آنان را با نقش و نگارهای زیبا بیاراید.

۵۱۱۱۱۱

ارائه نکات کلیدی

آموزش خط تحریری در دبستان

کاوه تیموری

مقدمه

یکی از نیازهای اساسی دانش‌آموزان دوره دبستان زمینه‌سازی برای شکل‌گیری یک نظام نوشتاری است؛ نظام نوشتاری مطلوبی که در تعبیر رایج از آن به عنوان «خط دانش‌آموز» یاد می‌کنیم واجد خصوصیات زیر است:

– رسا بودن؛

– خوانا بودن؛

– زیبا بودن؛

– درست بودن شکل حروف و کلمات.

تحقق خط خوش برای دانش‌آموزان ابتدایی که می‌تواند در حیات فرهنگی آن‌ها امتداد یابد به چند عامل مهم بستگی دارد:

۱. داشتن الگویی مناسب برای خط یا نظام نوشتاری؛

۲. داشتن مربی آشنا با اصول و موازین خط؛

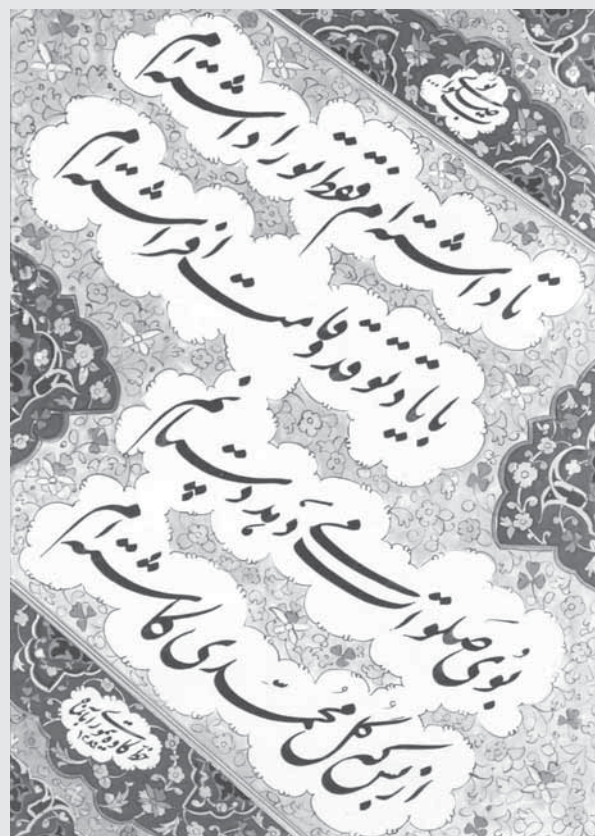
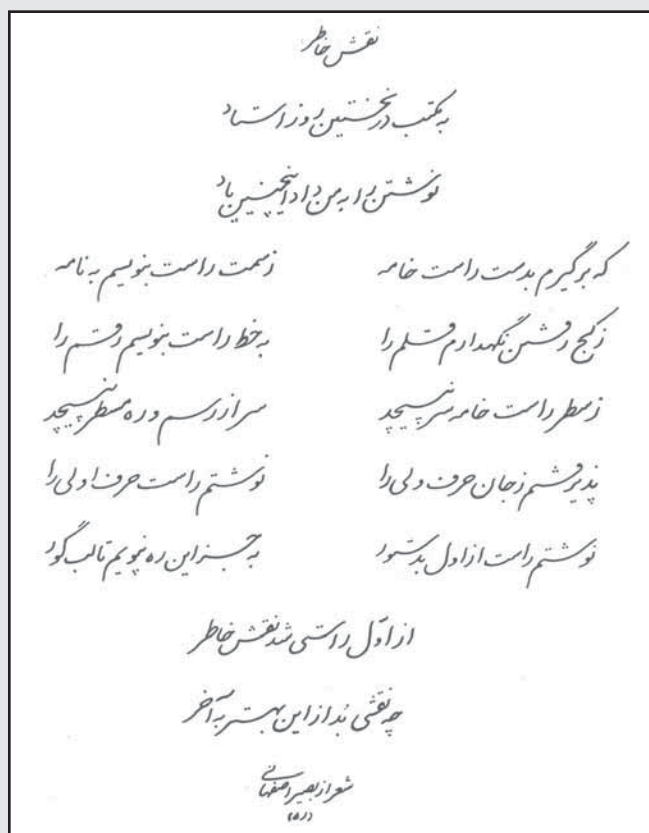
۳. داشتن روش مطلوب برای انتقال عناصر بصری این نظام نوشتاری.

در این مقاله تلاش بر این است که ضمن معرفی الگوی مناسب «نستعلیق تحریری» برای آموزش دانش‌آموزان به اصول، موازین و ویژگی‌های این خط نیز پرداخته شود و با انتقال آن‌ها به مربیان، زمینه آموزشی مطلوب این خط به دانش‌آموزان با روش‌های مناسب فراهم آید.

خط نستعلیق

خط نستعلیق یکی از نظام‌های هندسی نوشتاری است که از نظر ظاهری دارای ویژگی‌های زیباشناختی عالی بوده و همانند سایر هنرها عناصر بصری مهمی مانند تقارن، توازن تناسب، تعادل، هماهنگی، حرکت، ریتم، دور، سطح و مواردی از این دست در آن مطرح می‌شود. از آن‌جا که در شکل‌گیری مطلوب این خط تلفیق عناصر بصری منجر به ایجاد فرم و ترکیبی متنوع است، یادگیری آن مستلزم صرف وقت و دقت فراوان است؛ چنان که به‌طور طبیعی نمی‌توان از آن به عنوان الگویی فراگیر برای جمعیت دانش‌آموزی در مقطع ابتدایی بهره برد. زیرا پیچیدگی‌های این خط به‌طور عملی از یک‌سو و نبود نیروی آموزش دهنده از سوی دیگر مانع از تحقق این فرایند مهم می‌شود.

اما خط نستعلیق دارای این ظرفیت است که از آن نظام‌های ساده‌تر نوشتاری استخراج گردد. در واقع روح و باطن این خط دارای قابلیت‌هایی است که تاکنون منجر به شکل‌گیری خطوط دیگری نیز شده است. به عنوان نمونه خط «شکسته نستعلیق» و «نستعلیق تحریری» دو نمونه بارز و آشکار از این کیفیت و انعطاف‌پذیری محسوب می‌شوند. در این قسمت به ذکر خصوصیات خط نستعلیق تحریری پرداخته می‌شود:



نستعلیق تحریری

این خط دارای استخوان‌بندی نستعلیق است؛ به‌طوری که اصول اساسی مانند کرسی، ترکیب و نسبت در آن مورد توجه قرار می‌گیرد. اما با این حال در حین نگارش این خط درصدد ایجاد قطعه خوش‌نویسی هنرمندانه نیستیم. در عین حال به خاطر رعایت اصول اشاره شده خط نستعلیق تحریری دارای زیبایی خاصی است.

به‌طور اجمال نستعلیق تحریری دارای ویژگی‌های زیر است:

– از نظر خوانایی و رسایی در حد مطلوب قرار دارد؛

– ضمن داشتن دور و انعطاف دارای تغییرات ضعف و قوت نبوده و اصل تضاد در آن مدنظر نیست؛

اهمیت «دور» در خط نستعلیق تحریری

تحقیقات نگارنده حاکی از آن است که اولین تغییرات هنری در خط دانش‌آموزان از یک تغییر ظاهری آغاز می‌شود. بدین معنی که حرکت دورانی ابزار نوشتن (مداد، خودنویس) موجب به‌وجود آمدن «دور» در حروف و کلمات می‌شود. دور یکی از اصول اساسی در خط است. این ویژگی موجب ایجاد نرمش و ملایمت در حروف شده و بدین‌سان گام‌های اولیه زیبانویسی در خط برداشته می‌شود. نکته قابل توجه این است که خط نستعلیق تحریری که می‌تواند مهم‌ترین و مناسب‌ترین الگوی رایج برای دانش‌آموزان به حساب آید، به نسبت تقریبی $\frac{5}{1}$ آن از حرکات دورانی قلم شکل می‌گیرد و $\frac{1}{6}$ آن به حرکات مستقیم قلم یعنی «سطح» اختصاص دارد.

عنصر «دور» به گونه‌ای است که در تمام قسمت‌های نستعلیق تحریری موج می‌زند و به همین دلیل توجه به آن و شکل‌گیری آن در خط دانش‌آموزان شاخصی برای ارزیابی پیشرفت خط آن‌ها به‌شمار می‌رود.

– قلم مورد استفاده در این خط دو بُعدی نیست؛ به همین دلیل با مداد، خودکار یا خودنویس می‌توان آن را نگارش کرد؛ – روانی، سادگی و ویژگی سرعت در نوشتن نستعلیق تحریری موجب می‌شود که بتوان از آن به عنوان یک نظام هندسی و نوشتاری فراگیر در بین دانش‌آموزان بهره برد؛ – آموزش و یاددهی این خط در سایه دقت و تمرین قابل دستیابی است.

– یادگیری نستعلیق تحریری زمینه‌ها و پایه‌های لازم برای تعلیم خط نستعلیق را نیز فراهم می‌سازد؛ زیرا با وجود این پشتوانه بسیاری از پیچیدگی‌های خط نستعلیق با تمرین ساده خواهد شد. به عنوان نمونه مهم‌ترین وجه زیباشناختی خط نستعلیق تحریری ویژگی بصری «دور» است که در واقع نقطه آغازین و عینی در تغییر خط دانش‌آموز به‌شمار می‌آید؛ به این معنی که اگر خط دارای ویژگی «دور» بیشتری باشد، ارزش زیباشناختی آن بالاتر است. با توجه به اهمیت این نکته درباره آن نکات بیشتری ارائه می‌شود.

آن روز که روز بار باشد نور روز بزرگوار باشد

ا ب ح س د ر ه ط ن ر ا

ا ب ک ن م ک ن س س «ر م

د و ل ی ف ر د ه ی ن ط

آ ح ک ع ه ه س س ع ص ه

آ ط ص ح ف ه ه ه ه آ

به اندازه بود باید نمود خجالت برد آن که نمود بود

برای بهتر نمایان شدن حرکات دورانی و قوسی در خط نستعلیق تحریری کافی است آن را با الفبای خط شبه‌نسخ که کتاب‌های سال اول دبستان با آن نوشته شده مورد مقایسه قرار دهیم. عدم انعطاف و عدم وجود انحناهایی چشم‌نواز و غلبه کامل عنصر سطح (حرکت مستقیم قلم) در خط شبه‌نسخ که در واقع یک خط آموزشی پایه به شمار می‌آید، حاکی از آن است که عنصر زیباشناختی در آن راه ندارد. در حالی که در خط نستعلیق تحریری وجود دور قوس و انحناهای زیبایی‌آفرین این خلاء را پر می‌کند و در خط نستعلیق این ویژگی‌ها به اوج خود می‌رسد.

خط خوش و تأثیرات تربیتی آن در دانش‌آموزان

ملاصدرا خط را نمایندهٔ صانع آن می‌داند. به نظر می‌رسد که بیان اهمیت و ضرورت خط خوش در بین دانش‌آموزان امری است که تکرار و تذکار آن می‌تواند صرفاً جنبهٔ یادآوری بیشتر برای معلمان و مربیان و اولیا داشته باشد. تحقیقات

انجام شده مؤید آن است که بروز مشکلات در زمان نوشتن و عامل بدخطی می‌تواند اثرات ناخوشایندی بر روحیه، عواطف و موقعیت اجتماعی دانش‌آموزان در کلاس بگذارد.

به‌طور طبیعی ترسیم حروف و کلمات و استفادهٔ صحیح از ابزار نوشتن و پرورش حافظهٔ دیداری و نگهداری مطلوب آن در ذهن، مستلزم یک فرایند مطلوب آموزشی است که باید همهٔ دانش‌آموزان به‌ویژه در مقطع ابتدایی از آن بهره‌مند شوند. آموزش خط نستعلیق تحریری موجب پیوند فرهنگی و معنوی با میراث هنری نیز می‌شود و می‌توان آن را در جهت تقویت و شکوفاسازی حس زیباشناختی دانش‌آموزان به‌کار گرفت. مطالعه‌ای در مورد «رابطهٔ کیفیت خط تحریری و پیشرفت تحصیلی» نشان می‌دهد که بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و نمره خط تحریری آنان رابطهٔ مثبت وجود دارد. در واقع دانش‌آموزانی که از خط با کیفیت‌تری بهره برده‌اند، دارای معدل بالاتر و پیشرفت تحصیلی مطلوبی بوده و این ارتباط در دروسی مانند املا، انشا و درس‌هایی که جنبهٔ نگارشی دارند، بیشتر دیده می‌شود.^۱

آموزش خط

نستعلیق

تحریری

موجب پیوند

فرهنگی و

معنوی با

میراث هنری

نیز می‌شود و

می‌توان آن

را در جهت

تقویت و

شکوفاسازی

حس

زیباشناختی

دانش‌آموزان

به‌کار گرفت

شکل حرف	اسم حرف	شکل حرف	اسم حرف
ا	الف	ص	صاد
ب	ب	ض	ضاد
پ	پ	ط	طا
ت	ت	ظ	ظا
ث	ث	ع	عین
ج	ج	غ	غین
چ	چ	ف	ف
ح	ح	ق	قاف
خ	خ	ک	کاف
د	دال	گ	گاف
ذ	ذال	ل	لام
ر	ر	م	میم
ز	ز	ن	نون
ژ	ژ	و	واو
س	سین	ه	هـ
ش	شین	ی	ی

از یار بدآموز حذر باید کرد

چو پرورده شد خواجہ را بر درید

رشد آموزش

دورهٔ نهم

شمارهٔ ۴

تابستان ۱۳۹۱

مراد از آموزش خط نستعلیق تحریری به دانش آموزان خوش نویس شدن نیست بلکه هدف این است که دقت، حوصله، قدرت ابتکار، خلاقیت و درست دیدن در آنان تقویت گردد

تحقیقات مؤید آن است که بدخطی دانش آموزان، نیز می تواند در افت تحصیلی آنان اثرگذار باشد. جمع بندی از تأثیرات خط خوش، علاوه بر این که افزایش سرمایه اعتماد به نفس و تقویت روحیه را به دنبال دارد، نشان می دهد که کیفیت خط تحریری و ارزش زیباشناختی آن در میان دانش آموزان می تواند یکی از عوامل رشددهنده و ارتقا آفرین آن ها در پیشرفت تحصیلی باشد.

مراد از آموزش خط نستعلیق تحریری به دانش آموزان خوش نویس شدن نیست بلکه هدف این است که دقت، حوصله، قدرت ابتکار، خلاقیت و درست دیدن در آنان تقویت گردد.^۲

از تأثیرات سازنده دیگری که خط خوش در دانش آموزان به بار می آورد می توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

- سهولت در خواندن؛ به طوری که خط خوش رغبت روخوانی و به تبع آن یادگیری را روزافزون می کند؛
- سهولت در نوشتن که با ساده نویسی و روان نویسی موجب ایجاد و احساس لذت از نوشتن می گردد؛
- ابزاری برای ایجاد ارتباط و تمایل و علاقه برای تداوم در امر نگارش.

تأثیرات خط خوش معلمان در فرایند آموزش آن

بسیاری از خوش نویسان بزرگ تبحر و توانایی خود را همواره به یک معلم خوش ذوق و خوش خط نسبت می دهند. مطالعه نشان می دهد که «آگاهی معلمان به قواعد خوش نویسی عاملی مؤثر در حُسن خط دانش آموزان است.»^۳ این نکته با اطمینان بالا در تحقیقات تجربی و عملی نیز به اثبات رسیده است. توانایی معلم نسبت به اصول خط و ارائه الگوهای چشم گیر جذابیت و علاقه مندی دانش آموز را افزون می کند و بدیهی است که هر اندازه انگیزه و علاقه دانش آموزان به خط بیشتر شود، میزان یادگیری آن ها نیز بیشتر خواهد بود. «دانش آموزان نسبت به معلمی که در زمینه خط از تخصص و مهارت کافی برخوردار باشد، دارای نگرش مثبت هستند» و در صورتی که آموزش و تمرین خط به ویژه خط نستعلیق تحریری به یک امر ذوقی تبدیل شود که دانش آموزان در حین تمرین و یادگیری از آن لذت ببرند، بی تردید این فرایند به آموزش مفید تبدیل می شود که خستگی در آن راه ندارد.

اصل اساسی در نقش معلم این است که کیفیت و عیار خط معلم و خوبی و خرابی آن در خوش خطی و بدخطی دانش آموزان تأثیر مستقیم دارد. ناگفته پیداست که نقش معلم در این مقوله محدود نمی شود. به عنوان نمونه، تحقیقات

در باب آداب
تربیت برآب
دوباک نهاد

رشد آموزش
دوره نهیم
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۱

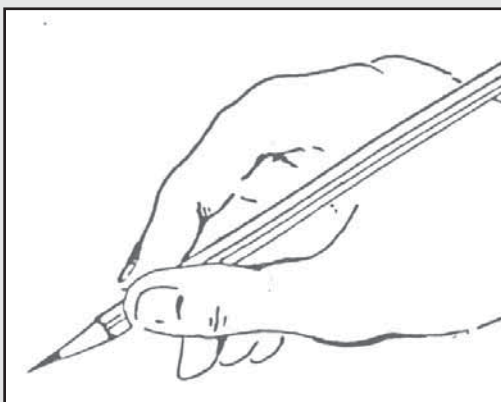
لاله را برد

متعدد نشانگر آن است که دو عامل مهم بدخطی «تندنویسی و تکلیف زیادی»^۴ است. این دو عامل نیز چنانچه در نظر تیزبین معلم مورد توجه قرار گیرد، می تواند بازدارنده جدی از بروز بدخطی دانش آموزان باشد. بر این نکات نیز باید افزود که عدم دقت و تمرین و آشنایی کم با اصول و قواعد خط نیز مانعی در راه شکل گیری زمینه مناسب برای خوش خطی است. نتیجه آن که نقش کلیدی آموزگار در کنار ایفای نقش خانواده در پایه ریزی خط دانش آموز ابتدایی امری تأثیرگذار و انکارناپذیر است؛ زیرا این معلم است که در مقطع آینده ساز بنیادی آموزش و پرورش ابتدایی می تواند برای دانش آموزان ایجاد علاقه کند و در یادگیری به آن ها جهت گیری لازم را بنمایاند. از این منظر و در این مقطع، هنر خط به عنوان یک تخصص مطرح نیست بلکه پرورش علاقه و ایجاد انگیزه اولویت اصلی است.

ابزار و نکات اصلی در تمرین خط تحریری

ابزار مورد نیاز برای آموزش خط تحریری شامل موارد زیر است:

۱. مداد یا خودنویس به عنوان مناسب ترین وسیله قابل استفاده است. از مداد در پایه های اول تا پنجم می توان استفاده کرد اما استفاده از خودنویس از پایه سوم تا پنجم مناسب است. استفاده از مدادهای اتود برای آموزش خط مناسب نیست.
۲. الگوی مناسب از خط تحریری؛ در این مورد از الگوهای شناخته شده که از کیفیت و عیار مطلوبی برخوردارند می توان استفاده کرد.



نحوه به دست گرفتن ابزار نوشتن

مناسب ترین ابزار نوشتن برای خط تحریری مداد (غیر از اتود) و خودنویس (غیر از روان نویس) است که می بایست به وسیله دو انگشت سبابه و شست گرفته شده و برانگشت وسط متکی باشد.

مشق نظری

مشق نظری از ارکان یادگیری در هر خطی به شمار می آید و مفهوم آن نگاه کردن به حروف و کلمات و به یادسپاری شکل و شمایل آن‌ها و نحوه قرار گرفتن‌شان در کنار هم است. علاقه‌مند به آموزش خط با قوه بینایی خویش فضای موجود در یک سطر را می‌کاود و سیاهی و سفیدی (سواد و بیاض) آن را به دقت در نظر می‌گیرد.

جست‌وجوی نظام‌های موجود در قطعات و الگوهای خط و فرود و فراز کلمات و نحوه قرارگیری حروف نسبت به هم و حالات مختلف در ترکیب آن‌ها از موضوعات مشق نظری است. باید دقت داشت که هدف اصلی از مشق نظری ورود شکل و هیئت کلمات به ذهن و به یادسپاری آن‌هاست. درخصوص زمان به یادسپاری «روان‌شناسان ثابت کرده‌اند که زمان مطالعه برای بیشتر شکل‌های «به یادسپاری» باید کوتاه باشد و توزیع به یادسپاری تا حد ممکن در مدت درازتری انجام گیرد».

اصل تداوم و استمرار در تمرین

اقتضای آموزش خط تحریری به کار بستن اصل تداوم و استمرار در تمرین است که در فواصل زمانی مناسب باید انجام گیرد.

مشق قلمی (عملی)

مشق قلمی، جزیی مهم از فرایند یادگیری در خط است که در اصل به تصویر کشیدن یافته‌ها و اندوخته‌های ذهنی حاصل از مشق نظری است. مشق قلمی می‌بایست در ادامه مشق نظری بدون وقفه انجام گیرد تا یادگیری ثمربخش باشد. در روان‌شناسی این فرایند را به عنوان «بازسازی آموخته‌های ذهنی» می‌شناسند. مشق قلمی در ادامه مشق نظری این ویژگی مهم را دارد که «یادداری» و ثبت آموخته‌هایی که از مشق نظری حاصل آمده پایدار و ماندگار شود.

از نظر زمانی اساتید معتقدند که باید $\frac{1}{5}$ زمان تمرین صرف مشق نظری و $\frac{1}{4}$ آن صرف مشق قلمی گردد.

نکته مهم این است که نباید از دانش‌آموزان این انتظار را داشت که در طی چند جلسه و در حین مراحل اولیه تمرین تمام نقاط دشوار و مبهم و ظرایف و دقایق خط تحریری را آشکار کنند - بلکه باید به‌خاطر داشت فرایند یادگیری امری تدریجی است و نکته مهم‌تر آن که یادگیری خط تحریری به‌خودی خود و در گام نخست یک مهارت است که از آن به عنوان یک امر کسب‌کردنی یاد می‌کنیم و دو ستون اصلی آن مشق نظری و مشق قلمی است.

درست‌نویسی و آرام‌نویسی

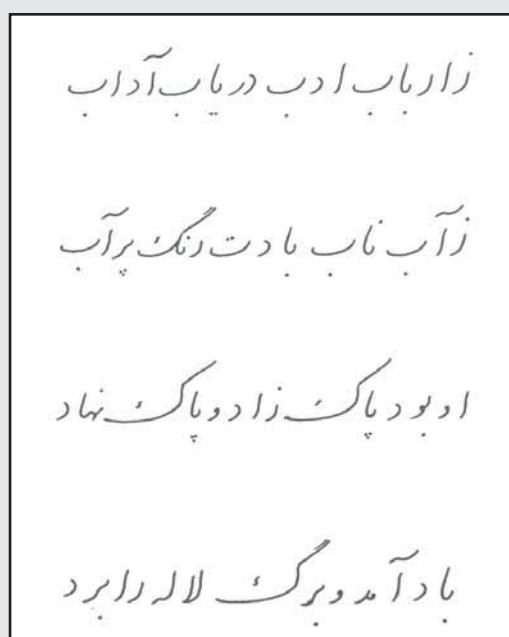
هدف

آموختن نکات ذیل به دانش‌آموزان الزامی است:
- در حین تمرین همواره باید یک زاویه مستقیم بین سرمشق، صفحه مشق و چشمان دانش‌آموزان برقرار باشد. زیرا نگاه غیرمستقیم به سرمشق پیشرفت را کند می‌نماید.
- درست نشستن و رعایت فاصله معمول چشم با صفحه کار که موجب تسلط و اشراف بر تمرینات می‌شود.
- از فشار آوردن به مداد، خودکار و یا ابزار نوشتن باید پرهیز کرد.

- هدایت دانش‌آموزان به آرام‌نویسی و تأنی در لحظات نگارش می‌تواند از شدت فشار بکاهد.
- در هر جلسه یک یا دو حرف را باید موضوع آموزش قرار داد.
- باید تلاش کرد هر سطر را نسبت به سطر قبلی بهتر نوشت.
- تمرین در یادگیری خط مستلزم داشتن برنامه‌ای است که با تمرکز حواس باید به آن پرداخت.

خط زمینه

در آغاز نوشتن حروف و مفردات نیازمند به کار گرفتن خط زمینه هستیم. خط زمینه خطی است که حروف و کلمات براساس نوع و فرم آن‌ها روی آن و یا در جایگاهی مشخص نسبت به آن قرار می‌گیرند. این خط نظام‌دار بودن حروف را در ذهن عملی می‌سازد تا بتوان آن‌ها را نسبت به یک معیار فرضی مورد سنجش قرار داد.



آموزش مفردات در خط نستعلیق تحریری

مهم‌ترین بخش آموزش وارد کردن تدریجی شکل و شمایل حروف و مفردات در ذهن دانش‌آموزان است. بدیهی است که این کار با ارائه یک حرف و یا چند حرف مشابه آغاز می‌شود اما مهم آن است که حرف و یا حروف موردنظر در کنار ارائه یک سطر ساده و یا سرمشق‌هایی که از حروف مفرد و اتصالات محدود برخوردارند، آموزش داده شود. زیرا ارتباط بین حرف و سطر در خط امری پیوسته بوده و نمی‌توان آن‌ها را مجزا و تفکیک کرد. بنابراین تلفیق روش مفردنویسی و سطرنویسی در این مقاله به مثابه روشی کارآمد پیشنهاد می‌شود.

و در خط نستعلیق به‌طور عام است. خوش‌نویس با نگارش کشیده در سطر ایجاد تعادل می‌کند.

ایجاد کشیده به منظور استراحت چشم: آن‌چه که در یک سطر دیده می‌شود، حرکات افقی (حرکت قلم از راست به چپ یا بالعکس) و حرکات عمودی (حرکت قلم از بالا به پایین و یا بالعکس) و یا حرکات مورب قلم است.

این سه فرم حرکت در مجموع سطر را در نوعی ناهماهنگی از نظر ارتفاع قرار می‌دهد و در اصل حرکات چشم از بالا به پایین و یا از پایین به بالا نوعی خستگی را برای چشم فراهم می‌آورد؛ چنان‌چه بعد از این حرکات چشم

به اندازه بود باید نمود

تا به نگرند روزت از روز

با حسد ایمنند تو پاسیده باد

کار را تنها به امید خدا باید نمود

هر که آرام رود دور رود

کو نور زمره دارد دوم نورازتو

زرد دوری تو زردوزارم

بر باد اگر رود دل ما زان هموارود

فلسفه وجودی کشیده‌ها در سطر

در هنگام نگارش خط نستعلیق تحریری به‌طور طبیعی کشیده‌ها در این خط راه می‌یابند.

کشیده‌ها در سطر چند نیاز را پاسخ می‌دهند.

ایجاد زیبایی: مهم‌ترین دلیلی که برای نگارش کشیده‌ها مدنظر بوده، همانا ایجاد زیبایی در سطرنویسی به‌طور خاص

در یک مسیر افقی - که در سطر همان کشیده است - قرار گیرد، احساس خوشایندی ناشی از استراحت چشم فراهم می‌شود که با دیدن کشیده به‌دست می‌آید.

این مزیت، ویژگی دیگر کشیده‌ها در سطر است، که علاوه بر زیبایی، استراحت و خوشایندی چشم را نیز موجب می‌شود.

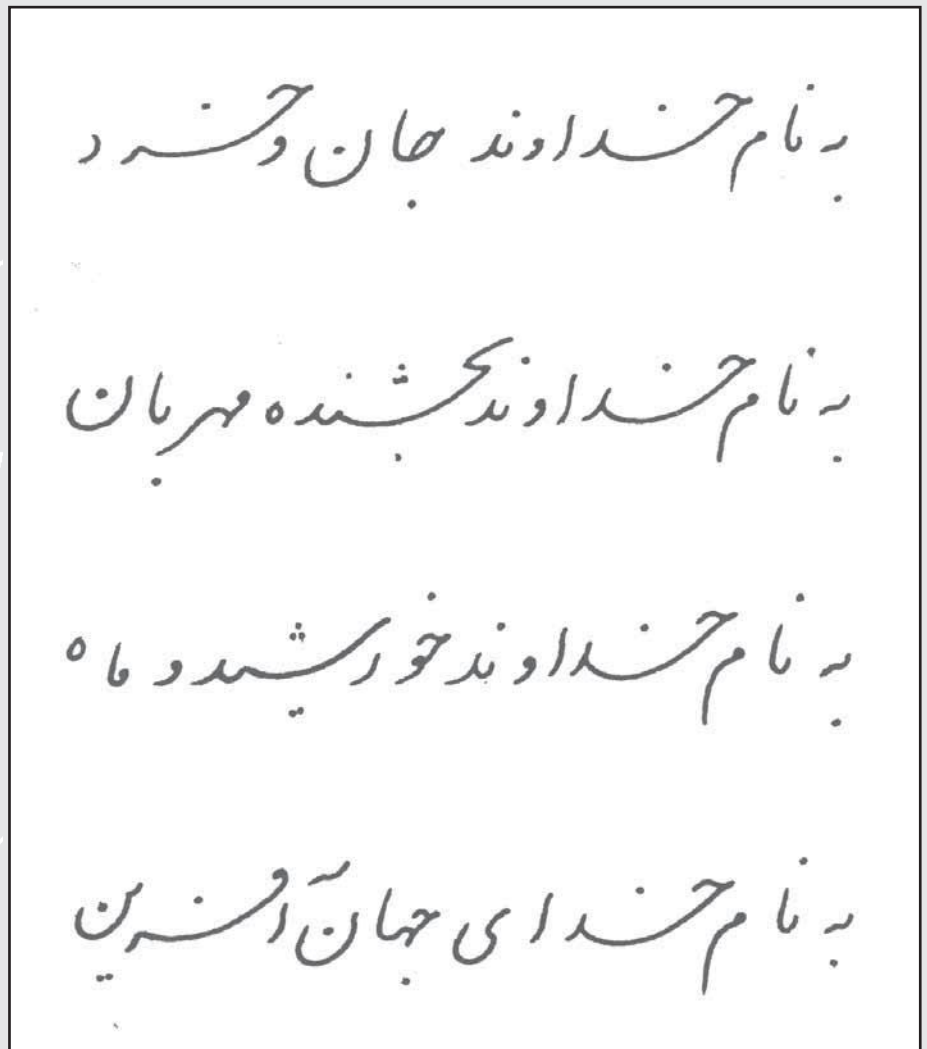
ویژگی‌های الگوی خط تحریری

در این نکته که خط تحریری نستعلیق خطی برآمده از اصول و چارچوب کلی خط نستعلیق است تردیدی نیست؛ اما معلمان و برنامه‌ریزان باید به چند اصل مهم در این خصوص توجه کنند:

۱. الگوی تعلیمی خط تحریری باید دارای ویژگی مهم سهل‌نویسی و آسان‌نویسی باشد.
۲. بر این پایه خط تحریری نستعلیق در مقایسه با کتابت نستعلیق از پیچیدگی‌ها و ظرایف و اختلاف در ضخامت‌ها

روش‌های کاربردی در تمرین و آموزش خط تحریری

دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی گروه سنی ۷ تا ۱۲ سال را تشکیل می‌دهند. در این دوران بیشترین پذیرش درخصوص آموزش هنر از مصداق‌های عینی و تجسمی صورت می‌گیرد. در مورد آموزش خط نیز تمام تلاش و توان معلم باید مصروف این نکته گردد که خط و جلوه‌های آن در قالبی ملموس، زودیاب و مجسم ارائه شود تا فرایند یادگیری کارایی بیشتری یابد.



برخوردار نیست. زیرا هدف آن است که دانش‌آموزان تقلید از آن را به راحتی انجام دهند.

۳. هدف نهایی از آموزش خط تحریری نستعلیق، فراگیر شدن این خط در یک مدت زمان مناسب است؛ به طوری که دستیابی به آن امری دشوار و دیرپاب نبوده و به راحتی در بین دانش‌آموزان می‌تواند شکل بگیرد و موجبات خوش خطی آن‌ها را فراهم آورد.

از آن‌جا که هیچ بیان هنری بدون تجربه امکان ندارد، ضروری است که معلمان، دانش‌آموزان مقطع ابتدایی را براساس روش‌های مطلوب درگیر آموزش خط تحریری کنند.

در این قسمت به روش‌هایی که در حین آموزش خط می‌توان به کار بست، اشاره می‌کنیم.

تکمیل کردن نقطه چین های حروف و کلمات

ارتباط دادن نقطه ها در حروف کمک شایانی به یادگیری

مسیر آن ها می کند و آمادگی دست و ذهن را برای یادگیری

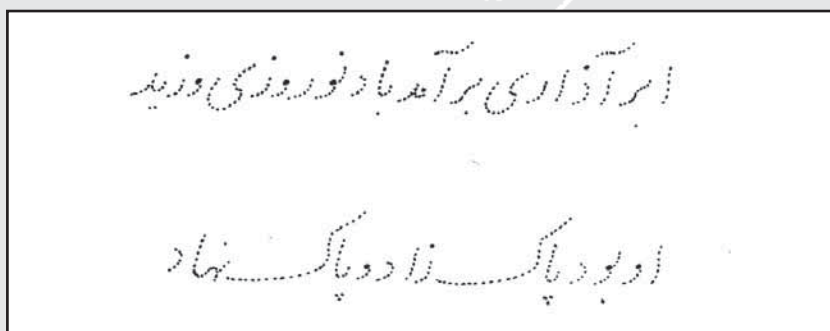
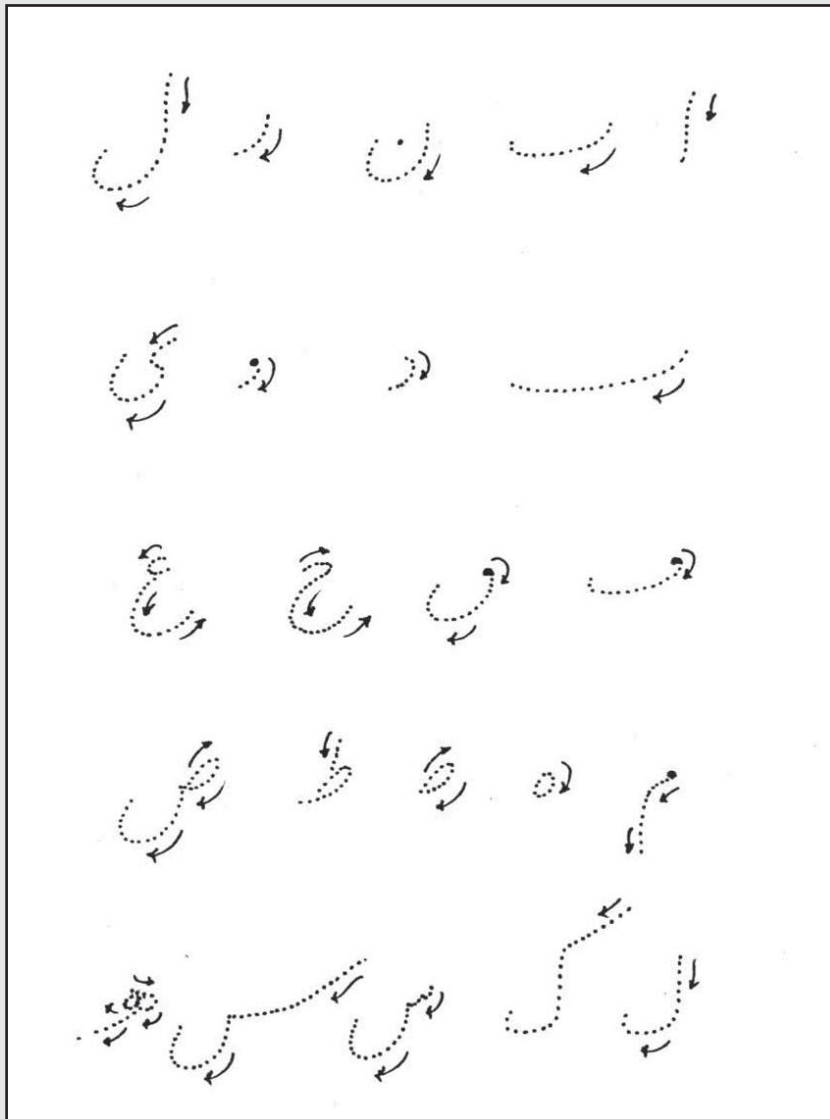
کلمات پر حروف افزایش می دهد.

این شیوه به صورت تجربی نتایج خوبی را به ارمغان

برای دانش آموز مبتدی روش مطلوب این است که حروف

و کلمات را در قالب خط تحریر به صورت نقطه چین اجرا کنیم

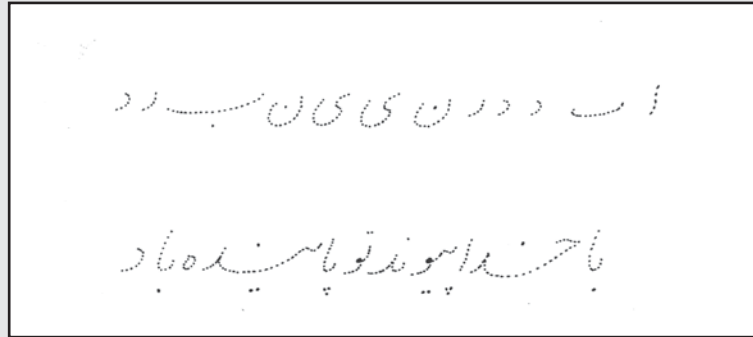
و از او بخواهیم که نقطه ها را به هم ارتباط دهد.



آورده است اما باید در نظر داشت که به عنوان نقطه آغازی است تا در نهایت الگو برداری به شکل مستقیم از روی خط انجام شود. در استفاده از این روش و سایر روش‌ها معلم و مربی می‌بایست جهت آغاز و نقطه پایان مداد گذاری یا هر وسیله دیگر

کی‌ی برداری کنند و سپس در آخرین مرحله خود نیز از روی سرمشق بنویسند. مطالعه نشان داده است دانش آموزانی که از طریق کی‌ی کردن، آموزش خط می‌بینند پس از پنج هفته نتایج بهتری نسبت به دانش آموزانی که از طریق تقلید خط

منظور از کی‌ی برداری
انطباق قلم گذاری
دانش آموز با الگوی
اصلی است که این
امر حرکت مشابه را در
مسیر حروف و کلمات
به دنبال خواهد داشت.



را به دانش آموز یادآوری کند. به عنوان نمونه در نگارش حرف الف (—) یا حرف ب (—) و یا سایر حروف و مفردات، به طور معمول دانش آموزان نزدیک‌ترین راه و یا به عبارتی راحت‌ترین راه را برمی‌گزینند که این امر باید در نظر تیزبین معلم تبدیل به آموزش صحیح جهت حرکت در حروف به آن‌ها گردد.

می‌آموزند، ارائه می‌دهند. کی‌ی کردن معمولاً به دو روش انجام می‌شود یا به طور مستقیم با قراردادن کاغذ بر روی سرمشق آن را تکرار می‌کنیم و یا سرمشق‌هایی را که به صورت کمرنگ چاپ شده‌اند، دوباره می‌نویسیم. در هر حال نتیجه مشترک است. و هدف عمده آن عادت کردن حرکت دست دانش آموزان به جهت حرکت حروف در خط نستعلیق تحریری است.

کی‌ی کردن از الگوهای مناسب

این شیوه رایج‌ترین روشی است که به طور مستقیم در آموزش خط تحریری به کار گرفته می‌شود. کی‌ی کردن برای دانش آموزانی که خط را برای خود بسیار دیرپاب و مشکل تصور می‌کنند، فوق‌العاده کارساز و مفید است.

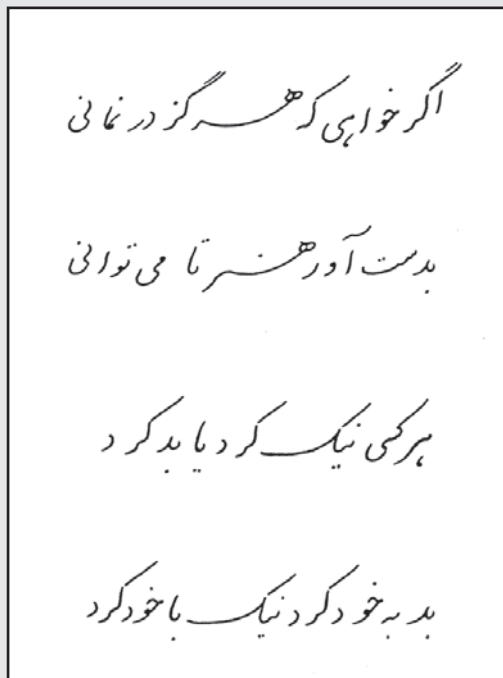
منظور از کی‌ی برداری انطباق قلم گذاری دانش آموز با الگوی اصلی است که این امر حرکت مشابه را در مسیر حروف و کلمات به دنبال خواهد داشت.

در عین حال ضرورت دارد دانش آموز در مرحله بعد از کی‌ی برداری با نگاه کردن و سرمشق و بدون کی‌ی برداری توانایی خود را مورد آزمون قرار دهد.

در بعضی از کلاس‌ها معلم با در اختیار قرار دادن «کاغذهای پوستی» از دانش آموزان می‌خواهند که از روی سرمشق‌های خط تحریری

درست کردن کلیشه و شابلون حروف

بسیاری از معلمان هنر در کلاس‌های خود استفاده شایانی از این روش در آموزش مفردات کرده‌اند. در آوردن حروف بر تلق یا مقوا، می‌تواند در آموزش مفردات به کار گرفته شود. بعضی از معلمان پرحوصله با همکاری دانش آموزان خود با ابزار ساده تخته سه لایی و اره مویی حروف را بریده و در کلاس نمایش داده‌اند. همچنین حروف را به وسیله سیم‌های نازک می‌توان طراحی کرد و از طریق درشت‌نمایی، آن‌ها را بهتر شناخت. خاصیت کلیشه‌های حروف این است که دانش آموزان به راحتی



می‌توانند آن‌ها را به‌کار بگیرند. به عنوان مثال، دانش‌آموزان بعد از این‌که حرف موردنظر را بر روی کاغذ پیاده کردند، شروع به سایه‌زدن و یا پرکردن آن می‌کنند که این امر شکل و هیئت کلی حرف را در ذهن آن‌ها تثبیت می‌سازد؛ همچنین می‌توان با استفاده از قیچی‌های بی‌خطر دانش‌آموزان را به بُریدن حروف و استفاده از آن‌ها ترغیب کرد. انطباق کلیشه‌های نسبتاً مشابه مانند دایره‌های معکوس و دایره‌های حقیقی و یا حروف مشابه تخت می‌تواند نکات مشترک و متفاوت بصری را در آن‌ها به بهترین شیوه ممکن نمایان سازد؛ به‌طوری‌که این اشتراکات و افتراقات زمینه‌های لازم برای دست‌یافتن به فهمی از «روح خط» را فراهم آورد.

تقلید کردن

این روش عینی‌ترین و مستقیم‌ترین شیوه برای یادگیری خط است. چنان‌چه دانش‌آموز با طی مراحل قبلی یعنی تکمیل نقطه‌چین، کپی کردن و کلیشه‌سازی از حروف با آن‌ها آشنا شده باشد و براساس مشق نظری یادسپاری لازم از الگوی خط تحریری را به‌کار گرفته باشد، با تقلید مستقیم می‌تواند به نمونه‌سازی سرمشق بپردازد. در واقع این روش ساده‌ترین روش یادگیری است.

سرمشق‌هایی برای دانش‌آموزان

هشترمند
هشتر جا که رود قدر بیند
و در صد آشنید و بی‌هشتر لقمه چید
و سختی بیند
«سعدی»

یار باید هر چه یار کند بر مراد خود اختیار کند
خط زیا محال مرد بود عالم خوشنویس فرد بود
چون توانستم ندانستم چه بود چون بدانستم توانستم نبود
ره کنون رو که پای آن داری

غافل از مورد شوگر چه سیمان باشی
که ز هر ذره به درگاه چند راه بود
چراغ دیده براه تو تا بحسری بوخت

هشتر جا که رود قدر بیند
و در صد آشنید و بی‌هشتر لقمه چید
و سختی بیند

نکته مهم

از آن‌جا که در مقاله آموزشی خط تحریری نمی‌توان تمام حروف و کلمات دو حرفی و چند حرفی را ارائه کرد، سعی شد که حتی‌الامکان عمده‌ترین کلمات در قالب جملات تحریر و ارائه شود. بدیهی است که این مجموعه تنها تصویر کوچکی از مجموعه کلی کلمات بوده و علاقه‌مند خط می‌بایست با تنظیم برنامه و اختصاص وقت لازم به طرز نوشتن سایر کلماتی که در این مجموعه نیامده، بپردازد. ضمن آن‌که رویکرد اصلی در این مجموعه یادنویسی نبوده و تنها به نگارش تعداد محدودی از اشعار بسنده شده است.

منابع

۱. مهرجو، مهدی: رابطه خط و پیشرفت تحصیلی، پایان‌نامه تحصیلی با راهنمایی کاوه تیموری، ۱۳۸۱.
۲. شیخ بهایی، حبیب‌الله: بررسی شیوه آموزش خط، پایان‌نامه تحصیلی، ۱۳۷۵.
۳. بهرامی، محمدرضا: «خط خوش»، سازمان پژوهش، ۱۳۷۸.
۴. احمدی، مقصود: «بررسی و مقایسه مسائل و مشکلات آموزش درس خوش‌نویسی». شورای تحقیقات زنگان، ۱۳۷۶.

از پدر گر قالب تن یافتیم

از معلم جان روشن یافتیم

ای معلم چون کنم توصیف تو

چون چند امثل توان تعریف تو

ای تو کشتی نجات روح ما

ای به طوفان جهالت نوح ما

شعر از شهریار

دانش سرآمد هر خوبی است

تفکر مایه زندگی دل‌های بیناست

اشاره

مجله رشد آموزش هنر در دوره جدید سعی داشت خود را به میان معلمان سخت‌کوش این درس ببرد و زمینه تعامل را فراهم بسازد. معلمان و دبیران هنر، تدریس این درس را در زندگی آموزشی خود به عنوان یک آرمان مهم و اثرگذار دنبال می‌کنند. دل‌نوشته‌ای که در پی می‌آید، احساس واقعی همکاری است که به رغم ذکر پاره‌ای از مشکلات آموزشی، درصدد حل آن‌ها در کلاس و مدرسه برآمده و احساس مثبت او در تداوم راهش یکی از عزم‌های جدی را در وی شکل داده است. این دبیر هنر با پیشنهادهای کاربردی خود، دیگران را نیز در تجربه خویش شریک کرده است، لذا ضمن ارسال نوشته او به گروه هنر دفتر تألیف، آن را به عنوان یک دیدگاه به چاپ می‌رسانیم.

دی‌دگ‌ا‌ه

تألیف درس‌نامه‌ها تا تدریس و تحقق اهداف برنامه مش تدریس هنر کلات

سیده مریم حسینی‌راد
دبیر هنر استان زنجان



با اندکی تأمل در پیرامون خود درمی‌یابیم که هنر و شاخه‌های مختلف آن نقش مؤثر و اساسی در همهٔ اموری دارند که به نوعی با آن‌ها در ارتباطیم. از رفع نیازهای اولیه (مانند خوراک و پوشاک) گرفته تا سایر اموری که برای زندگی امروز لازم و ضروری شمرده می‌شود (مانند رسانه، مطبوعات، آموزش و پرورش و...)، هنر به عنوان ارائه‌دهنده و مجری آن‌ها نقش اصلی و به نوعی علمی را ایفا می‌کند. طیف حضور هنر و قابلیت‌هایش در زندگی امروز به قدری وسیع و چشم‌گیر است که نمی‌توان نقطهٔ شروعی برای بیان آن در نظر گرفت.

امروزه با وجود این‌که طراحی و اجرای بسیاری از امور زیرنظر رشته‌ها و شاخه‌های هنری یا مرتبط با هنر انجام می‌گیرد، در نزد عوام، هنر به همان نقاشی، طراحی، خوش‌نویسی یا مانند آن اطلاق می‌شود. این امر شاید از ضعف آموزش عمومی ناشی می‌شود.

امروزه نقش هنر در آموزش به گونه‌ای است که با گذشت زمان، حضورش پررنگ‌تر و مؤثرتر می‌شود؛ چه در تصاویر، صفحه‌آرایی و طراحی کتاب‌ها و چه در برنامه‌ها و نرم‌افزارها و شیوه‌های نوین آموزشی، هنر عامل جذابیت‌بخش و محرک است. به وسیلهٔ هنر می‌توان به مجموعه‌ای از نیازهای مهم و ریشه‌ای دانش‌آموزان هم‌چون نیاز به کنجکاوی، استقلال‌طلبی و خلاقیت پاسخ داد و اگر خلاقیت در انسان رشد و پرورش یابد، ابزار قدرتمندی برای او در زندگی شخصی و اجتماعی‌اش می‌شود.

در این بین، چیزی که بیش از همه به چشم می‌خورد، مظلومیت و غربت خود هنر و جایگاه کم‌رنگش در نظام آموزشی کشور ماست. هنر که خود عامل ایجاد جذابیت و شوق و تحرک و پرورش استعدادهای درونی انسان‌هاست و نقش عظیمی را در زندگی جوامع امروزی ایفا می‌کند، چرا باید در مقام ارائه، آموزش و معرفی خود، این‌چنین ضعیف جلوه‌گر شود؟

ایرادات و اشکالات و کم و کاست‌های تدریس هنر (هم در بحث منبع آموزشی و سرفصل‌ها و هم در زمان مورد نیاز برای آموزش) همواره توسط دبیران و آموزگاران و بعضاً دانش‌آموزان یادآوری و بیان شده است؛ به‌طوری‌که با جست‌وجوی «آموزش هنر» در شبکهٔ اینترنت به بسیاری از مقالات و نقطه‌نظرات در این زمینه دست پیدا می‌کنیم.

و اما دریغ از ذره‌ای توجه و عکس‌العمل از جانب مسئولان برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی! تنها لطف (یا بهتر است بگوییم کم‌لطفی!) ایشان در ایجاد تغییرات، قیمت پشت جلد، سال چاپ و حذف برخی دروس است!

از این‌رو بهتر دیدم که سخنانم در مورد ضعف‌ها و مشکلات هنر و تدریسش را با تکیه بر خلاصه‌ای از نقطه‌نظرات همکاران عزیز و با اندکی تلخیص به این شرح بیان کنم:

«مسئله هدف اولیه از گنجاندن درس هنر با وضعیت کنونی این درس مغایرت دارد. متأسفانه درس هنر در حالی برای دانش‌آموزان تدریس می‌شود که برخی اوقات در همان محیط کلاس با بیش از ۳۵ نفر روی نیمکت‌های تنگ مجبورند که با مفاهیم این درس آشنا شوند.

هم‌چنین نبود کارگاهی برای تدریس، کهنه بودن مطالب هنری، جذابیت نداشتن مطالب برای دانش‌آموز، عدم برخورداری از امکانات نمایشگاهی آثار هنری در مدارس، عدم توجه مسئولان برای تشویق دبیران هنر به خاطر کم‌اهمیت جلوه‌نمودن این درس، استفاده از دبیران غیرتخصصی در اکثر آموزشگاه‌ها، وجود مشکلات چاپی فاحش در کتاب و نداشتن ترتیب منطقی برای عنوان مباحث از موارد دیگری است که کار کردن با این کتاب

را برای دبیران هنر با توجه به پیشرفت آموزش‌های غیررسمی مشکل می‌سازد.

تدوین کتب درسی و تغییر و تحول محتوای آن‌ها و ارائه به دانش‌آموزان، باید متناسب با نیازهای روز جامعه دانش‌آموزی باشد و لازم است کتب

جدیدالتألیفی در این زمینه براساس این نیازها تدوین یابند. کتب درسی سال‌های گذشته پاسخ‌گوی نیازهای امروز نیستند و باعث گریز دانش‌آموزان و حتی معلمان از آن‌ها می‌شوند. در همهٔ دروس غیر از درس هنر، همه ساله بررسی‌هایی به عمل می‌آید که باعث پیشرفت بیشتر دانش‌آموزان در آن درس و در پایان به انتخاب رشتهٔ موردنظرشان منجر می‌شود. مثلاً در درس ریاضی، از ابتدا همهٔ مباحث ریاضی به صورت مدون و برنامه‌ریزی شده و طی یک شیوه‌نامهٔ خاص از اول تا سوم راهنمایی تدریس می‌شود که در نهایت ادامهٔ آن را در دورهٔ دبیرستان می‌بینیم. در حالی‌که هنر که یکی از دروس کاربردی است و می‌تواند در ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان مؤثر و سازنده باشد، در طی سه سال دورهٔ راهنمایی به صورت پراکنده‌گویی و از هر دری سخنی گفتن در آمده - که بیشتر باعث سردرگمی دانش‌آموزان شده و نه تنها هیچ‌گونه میل و رغبتی را در آنان ایجاد نمی‌کند، بلکه باعث شده دانش‌آموزان به این درس به عنوان یکی از دروسی که نمی‌تواند باعث پیشرفت و عوض شدن مسیر زندگی ایشان باشد نگاه کنند - البته این مسئله نیز از طرف مسئولان مدرسه و خود دانش‌آموزان جدی گرفته نشده است. این در حالی است که اگر کتاب به صورت آکادمیک نوشته می‌شد، فقط می‌بایست از دبیران تخصصی این درس استفاده شود و هر معلمی نباید آن را تدریس می‌کرد. در این صورت، دانش‌آموزان نیز درس را جدی می‌گرفتند و می‌دانستند که اگر کتاب موردنظر را از اول تا سوم راهنمایی با

تدوین کتب درسی و تغییر و تحول محتوای آن‌ها و ارائه به دانش‌آموزان، باید متناسب با نیازهای روز جامعه دانش‌آموزی باشد و کتب جدیدالتألیف در این زمینه، براساس این نیازها تدوین یابند

علاقه پی گیری کنند، لاقط می توانند در پایان مقطع راهنمایی تحصیلی به صورت متوسط به طراحی و یا خوش نویسی بپردازند و بنابراین در دوره دبیرستان در رشته هنر ادامه تحصیل دهند. **این کتاب شاید مهم ترین عاملی باشد که به خاطر آن هنوز رشته هنر در خیلی از شهرستان ها و نواحی آموزش و پرورش دایر نشده و مخاطبی ندارد.**

کتاب های درسی به عنوان اصلی ترین منبع تغذیه علمی، نیازمند استاندارد شدن است و از آن جایی که علوم مختلف و دانش افزایی به روز می شود، لیکن متأسفانه تا به امروز نسبت به استاندارد شدن کتاب های آموزش هنر دوره راهنمایی اجحاف شده است. در بیشتر کشورهای پیشرفته، اگر نظری به حوزه هنر در آموزش و پرورش آن ها داشته باشیم، متوجه می شویم که آن کشورها به این نتیجه رسیده اند که هنر در روند رشد ذهنی و فکری دانش آموزان تأثیر بسزایی دارد و در آن جوامع در کلاس های شان یک یا دو مقوله هنری به صورت مستقل تدریس می شود. کارشناسان آموزش و روان شناسان با توجه به تجربه علمی و عملی هنر به این باور قوی رسیده اند که هنر در آموزش و پرورش می تواند در شکوفایی تخیل و خلاقیت

اگر کتاب به صورت آکادمیک نوشته می شد، فقط می بایست از دبیران تخصصی این درس استفاده شود و هر معلمی نباید آن را تدریس می کرد. در این صورت، دانش آموزان نیز درس را جدی می گرفتند و می دانستند که اگر کتاب مورد نظر را از اول تا سوم راهنمایی با علاقه پی گیری کنند، لاقط می توانند در پایان مقطع راهنمایی تحصیلی به صورت متوسط به طراحی و یا خوش نویسی بپردازند

اثرگذار باشد؛ چنان که این مسئله در کشورهای پیشرفته هنر در مدارس شان جالفتاده و به آن اعتقاد دارند.

از طرف دیگر با توجه به مطلب «کهنگی مفاهیم و دروس آموزشی کتاب های هنر» این مطلب هم یکی دیگر از مصادیق بارز است که بعد از نزدیک به ۲۲ سال از حذف کتب هنر در دوره ابتدایی، هنوز در کتب هنر راهنمایی فرض بر این است که در دوره ابتدایی کتب هنر وجود دارد.

جا دارد که گروه درسی هنر در دفتر تألیف و برنامه ریزی کتب درسی نسبت به کتب هنر دوره راهنمایی بازنگری جدی داشته باشد، چرا که دنیای امروز ما دنیای حرکت است و به سکوت و سکون تن دادن در کتب درسی روا نیست؛ بالأخص در این زمان که علم به سمت جهانی شدن می رود و درس هنر مجال است برای اندیشیدن و تفکر درباره زیبایی ها و خلاقیت ها.

مشکلات تدریس هنر

مشکلات تدریس هنر، تنها مربوط به زمان اندک و انتظارات دانش آموزان برای فراگیری بیشتر و بهتر آن نیست.

بسیاری از مشکلات تدریس هنر در مدارس راهنمایی، از نقص کتب آموزشی و نگاه کهنه و قدیمی سیاست گذاران آموزشی و همچنین نداشتن پیش زمینه از دوره ابتدایی ناشی می شود. با تعریف صحیح هنر و آشنا شدن به قوت های آن پی می بریم که تا چه حد از این نیروی نهفته در اصالت های فرهنگی و ملی مان غافل بوده و نتوانسته ایم بهره چندان در تربیت و تعلیم دانش آموزان داشته باشیم.

در جریان درس «آموزش هنر» دبیر نباید با زمانی اندک و امکانات محدود آموزش و مباحث کتاب درگیر باشد. وانگهی، نظام آموزش رسمی و همچنین آموزش آزاد هنر هیچ یک نمی توانند زمانی نامحدود و برنامه ای فردی برای آموزش تدارک ببینند. در ذیل مواردی از مهم ترین مشکلات موجود در سر راه آموزش هنر بیان می شود تا با در نظر گرفتن آن بتوان قسمتی از مشکلات این درس را با تألیف کتب جدید رفع کرد:

۱. کم اهمیت بودن درس هنر به نسبت سایر دروس از منظر بسیاری از مسئولان و سیاست گذاران امر آموزش، ۲. فقدان تعریف صریح از شرح درس هنر و اهداف آموزش هنر، ۳. کمبود وقت، (۱/۵ ساعت برای کلاس اول و ۴۵ دقیقه برای پایه های دوم و سوم) این در حالی است که از درس ورزش خبر می رسد که از ۱/۵ ساعت در هفته باید بیشتر شود. لازم به توضیح است که حتی اگر درس پرورشی را که بی ارتباط با درس هنر نیست، به ساعت هنر اضافه نمایند، کار مثبتی خواهد بود، ۴. ایجاد زمینه در فضای آموزشی برای هرگونه نوآوری، ۵. پایین بودن آگاهی والدین و دیگر همکاران آموزشی نسبت به اهمیت درس هنر، ۶. عدم هماهنگی میان دبیران، نیازهای واقعی آموزش گیرندگان و برنامه ریزان دروس هنر، ۷. عدم وجود پیش زمینه های آموزش هنر از دوران مهدکودک و پیش دبستانی و دوره ابتدایی، ۸. فقدان فضای مناسب برای برگزاری کلاس های هنر، ۹. کمبود و در بسیاری از موارد عدم وجود وسایل کمک آموزشی و نبود فضای مناسب برای تدریس هنر در قالب کارگاه هنر، ۱۰. عدم تطبیق دروس، سرفصل ها و نوع آموزش هنر با نیازهای واقعی جامعه.

انتقادهایی به کتاب هنر دوره راهنمایی

همچنین در کتب هنر دوره راهنمایی می توان انتقاداتی را به آن ها وارد ساخت که در ذیل به بررسی خلاصه ای از این موارد پرداخته می شود:

۱. عدم جذابیت و کیفیت پایین تصاویر کتاب (اعم از طرح روی جلد، تصویرگری، عکس ها، طراحی ها، نقاشی ها، گرافیک ها و...)

۲. درهم‌ریختگی و ناهماهنگی: تعداد و ترتیب دروس کتاب‌های ۳ ساله هنر هماهنگ نیستند... حتی در مورد خوش‌نویسی اصلاً حروف «ص ض ط ظ ل ق» در کتاب نیامده‌اند. ۳. در کل با توجه به کم بودن ساعت تدریس درس هنر «۴۵ دقیقه در هفته»، فرصتی برای تمرین خوش‌نویسی با قلم نی و به صورت خوش‌نویسی تحریری نمی‌ماند و بهتر بود یا با قلم نی خوش‌نویسی صورت بگیرد و یا به صورت خط تحریری باشد. به هر حال دانش‌آموز یکی را حداقل تا حدی یاد می‌گرفت.

۴. تکیه کتب آموزش هنر در دوره راهنمایی بر این اصل است که هنر برای دانش‌آموز در دوره ابتدایی ۲ سال تدریس شده و این عمده‌ترین مشکل آموزش هنر در دوره راهنمایی است. در اولین درس خوش‌نویسی سال اول دانش‌آموزان می‌خوانند: «همان‌طور که در درس هنر در سال چهارم و پنجم دبستان...» اما این مطلب متعلق به دورانی بود که در دوره ابتدایی در کلاس‌های چهارم و پنجم دبستان درس هنر دارای کتب ویژه‌ای بود. و این ویژگی با تحول آموزش و پرورش (!) در سال ۶۴ به این امر انجامید که در دوره ابتدایی هیچ کتابی در این زمینه نباشد. و حال تصور کنید کتابی بر این اساس طراحی شود که در ۲ پایه قبل‌تر دانش‌آموز دارای کتاب هنر بوده است چقدر می‌تواند مشکل‌آفرین باشد.

و...

انتظار می‌رود که در سال دوم و سوم ساعت تدریس هنر را از ۴۵ دقیقه به ۹۰ دقیقه در هفته افزایش دهند. هم‌چنین از وزارت آموزش و پرورش نیز انتظار داریم حرکت ارزنده و درستی را که نسبت به درس انشا در اولین همایش تخصصی معلمان انشا سراسر کشور در سال ۸۵ صورت گرفت به دروس دیگر مانند هنر نیز تعمیم دهند.

باید بگوییم ما دبیران درس هنر بیشتر از همه با این منبع ضعیف آموزشی زیر سؤال می‌رویم و خود از داشتن چنین کتابی تأسف می‌خوریم؛ چه رسد به سایر همکاران و حتی دانش‌آموزان و اولیایشان.

گاه در ساعات استراحت در دفتر آموزشگاه، دبیران بقیه درس‌ها را می‌بینم که یا در مورد کتاب‌ها، نرم‌افزارها و وسایل جدید کمک‌آموزشی و تهیه آن با مدیر آموزشگاه صحبت می‌کنند و یا از نمایشگاهی این وسایل را خریداری کرده به مدرسه می‌آورند، و من به عنوان معلم به اصطلاح تخصصی درسی که اصلاً انگار کسی ارزشی برایش قائل نیست، تنها نظاره‌گر آن‌ها هستم و افسوس می‌خورم! با وجود تمام تلاشم فقط به کتاب «روش‌ها و فنون تدریس هنر» برخوردم که در هر درسش پیشنهاد تهیه کارت و جدول و سؤال و... و پخش آن در بین دانش‌آموزان را کرده اما نمی‌دانم چه کسی هزینه

تهیه و کپی این کارت‌ها را برای هر جلسه تقبل می‌کند؟! و در نهایت با راه‌ها و روش‌های دیگر کلاس را (البته اگر همکاران اجازه دهند و وقت کلاس مرا با بردن دانش‌آموزان جهت همکاری در امور مدرسه و... در اختیارم گذارند) بگذرانم

و با نشان دادن آثار دانشجویی‌ام به دانش‌آموزان و تهیه فیلم از نحوه طراحی کردنم، اندکی شوق به فراگیری به آن‌ها ببخشم. در ضمن سعی می‌کنم، سرفصل‌هایم گریزی به همه رشته‌های هنری باشد (بیان بخشی از تاریخ هنر، خوش‌نویسی، گرافیک، طراحی آرم و نشانه، تکنیک‌های تصویرسازی چون خراش، آبرنگ، مداد شمعی، گریزی به نمایش و تئاتر، تمرین سرود، تصویرسازی داستان، ساخت کتاب برجسته، طراحی زنده و ذهنی و در نهایت معرفی رشته‌های هنری) و صد البته با این روش اصلاً پایم به دفتر نمی‌رسد و تصحیح همه اوراق به منزل منتقل می‌شود. البته در کنار آن توانسته‌ام کمی اجر و قرب برای رشته‌ام کسب کنم؛ طوری که گاه اولیا برای پی‌گیری درس مراجعه می‌کنند.

شایان ذکر می‌دانم که مدرسه ما موضوعی شده و همه کلاس‌ها مملو از وسایل جذاب و رنگارنگ کمک‌آموزشی دروس مرتبط هستند و اما کلاس درس هنر که باید گل همه کلاس‌ها باشد، تنها صندلی دارد و یک قفسه کهنه که شخصاً از انبار مدرسه برای جمع‌آوری آثار خوب دانش‌آموزان مستعد و خلاق به آن‌جا منتقل کرده‌ام.

همکاران عزیز،

بیا بید با یکدیگر همراه شویم و خود را به جایی برسانیم که لااقل ارزش دو سال درس خواندن رشته هنر در تربیت معلم را داشته باشد. در نهایت خواهشمندم:

۱. همایش و فراخوانی برای بررسی کارشناسانه‌تر مشکلات حرفه‌ای معلمان هنر و حساس نشان دادن آن ترتیب داده شود.
۲. یک سایت آموزش هنر با همکاری دست‌اندرکاران رشد آموزش هنر راه‌اندازی شود، از همکاران رشته هنر و سایر هنرمندان علاقه‌مند عضوگیری کند تا همگی از راهنمایی‌ها و تجارب یکدیگر بهره‌مند شویم و خودمان با توجه به این که در جریان کلاس درس و زمان تدریس هستیم، متناسب با آن سرفصل طراحی کنیم.

هنرمند مجسمه ساز

گفت و گو با احمد سلیمانی دارانی

حمید قاسم زادگان

گفت و گو

اشاره

برگزاری سومین سمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سازی تهران، رخداد هنری و فرهنگی‌ای بود که بعد از سال‌ها در حوزه حجم‌سازی آن هم با متریال سنگ در ایران به وقوع پیوست. این اتفاق هنری که در کنار برج میلاد تهران برگزار شد، توجه و نگاه بسیاری از کارشناسان را به مقوله مهم هنرهای تجسمی جلب کرد. از آن جایی که بسیاری از مربیان، هنرآموزان و دبیران هنر در آموزش و پرورش در این حوزه فعال هستند در درس مقطع ابتدایی (کاردستی)، راهنمایی، هنرستان و تربیت معلم هنر به آن التفات ویژه‌ای صورت گرفته است. به سراغ یکی از اساتید و هنرآموز موفق این هنر که اتفاقاً در سومین سمپوزیوم حجم در کسوت مدیر اجرایی و پشتیبانی فعال بود رفتیم تا در ارتباط با حجم و نظام آموزشی هنر و با هدف توانمندسازی بیشتر علاقه‌مندان دیدگاه و تجربیات ایشان را جویا شویم.



● آقای سلیمانی با توجه به این که تحصیلات شما در زمینه مجسمه سازی و معماری بوده است تعریفتان از حجم چیست؟

○ هر بخشی از فضا را چیزی اشغال کند که جرم داشته باشد، به آن حجم می گویند. حجم می تواند برج میلاد و یا یک سنگ باشد. نگاه هنرمند و کسانی که کار او را نظاره می کنند، موضوع بحث و برنامه حجم کار و مجسمه ساز است.

● نقش حجم در آموزش هنر در مدارس را چگونه ارزیابی می کنید؟

○ متأسفانه آموزش هنر در مدارس از کمترین ساعت برخوردار است. اگر نگاهی کارشناسی به این قضیه و به خیلی از پیشرفت ها و خلاقیت های موجود در جامعه جهانی و نه فقط ایران داشته باشیم، می بینیم هر فکری که از تخیل انسان می گذرد و آن را در ذهن خود متصور می شود و بعد تجسم می کند، رابطه نزدیکی با حجم دارد.

در مدارس باید نگاه گسترده ای داشته باشیم. مدارس به خصوص پیش دبستان، دبستان و راهنمایی محل اصلی گسترش این رشته اند تا بچه ها به راحتی با یک تکه خمیر و یا گل چیزی را که در فکرشان است به تجسم برسانند و خلق کنند. اگر دقت کنید چیزی که در مدارس بچه ها خیلی دوست دارند، وقتی است که برف می آید؛ آن وقت همه بچه ها با برف آدم برفی درست می کنند و تجسمی را که دارند عملی می کنند. خود ما هم وقتی کنار ساحل هستیم، با شن قلعه و خانه می سازیم. حجم و زیباشناسی در وجود همه انسان ها نهفته است. زیباشناسی صورت های مختلفی دارد؛ بعضی ها روی سنگ کارهای بسیار زیبایی خلق می کنند. در مدارس هم می شود با خمیر و گل این کار را انجام داد. یکی از روش های شکوفایی استعداد دانش آموزان این است که هم چون مدارس استثنایی به بچه ها خمیر بدهند تا ذهنشان خلاق شود. در مدرسه عادی اگر به دانش آموز بگویند در کلاس امروز انشا یک رزمنده و یا یک کیف با خمیر بسازید، مثل آن است که املای حجم به آن ها گفته شود. به هر حال باید دید که بچه ها چقدر به این کار علاقه مند هستند. معلم در کلاس مشغول درس دادن است و در همان حال یک دانش آموز به ورق شکل می دهد و گوشه هایش را تا می زند تا چیزی درست کند. او چنان همه حواسش در پی کار خودش است که متوجه نگاه معلم نمی شود. اگر فضایی برای دانش آموزان ایجاد کنند آن ها خلاق تر می شوند. به عنوان مثال وقتی مادری در آشپزخانه مشغول درست کردن کتلت است و کمی از مایه خمیر را که آماده کرده را صاف می کند و یا به آن شکل می دهد، در واقع همه حواسش در پی زیباتر کردن مایه کتلت است که حتی صدای ما را هم نمی شنود.

● پایه های اصلی آموزش حجم شناسی و یا مجسمه سازی در هنرستان ها و آموزشگاه های فنی و حرفه ای و تربیت معلم چگونه است؟ اصلاً پایه اصلی بر چه اساسی است؟

○ در تربیت معلم که شخصاً بیست و دو سال با آن ارتباط دارم، تنها درسی که اکثر بچه ها دوست دارند، کلاس حجم است. به این دلیل که بچه های رشته هنر برایشان جالب است بدانند، خلاقیت ذهنی شان را که در کاغذ دو بعدی اجرا می کنند، در بعد سوم چگونه است. در تربیت معلم بخش آموزش سفال داریم اما اگر چارت جدیدی ساخته شود و آن دسته از دانشجو معلمان را با حجم آشنا کنند، قطعاً به مدارس نیز انتقال پیدا می کند.

● سفال و حجم چه ارتباطی با هم دارند؟

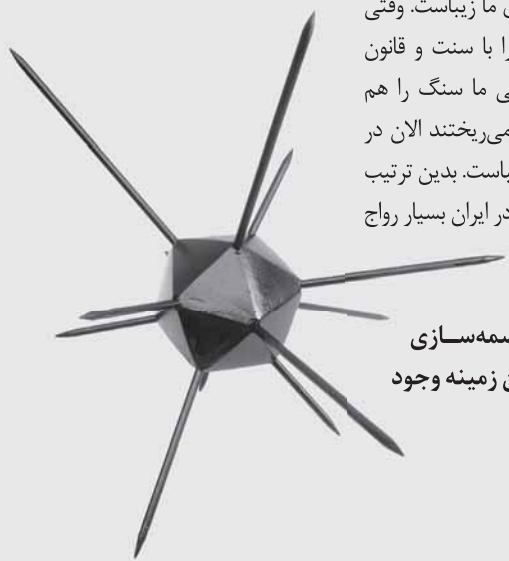
○ اگر به سفال نگاهی تاریخی بیندازیم، سه هزار سال قبل از میلاد در این مملکت سفال داشتیم. مثلاً در تپه های سیلک سفال بوده. سفال از لحاظ روحی و روانی به انسان ها به خصوص ما ایرانی ها نزدیک است. اگر در یخچالی در کنار بقیه ظرف ها تنگ سفالی آب نیز باشد، دلمان می خواهد که از همان تنگ سفال آب بخوریم. سفال بومی این مملکت است؛ مثلاً کامپیوتر بومی ما نیست. وقتی سفال ساز، سفال درست می کند وجودش را در سفالی که می سازد می ریزد. به هر حال این رابطه عاطفی وجود دارد و وقتی ما به آن نگاه می کنیم، خوشمان می آید. چون اکثر حجم های ظروف سفالی به صورت حجمی و سه بعدی هستند.

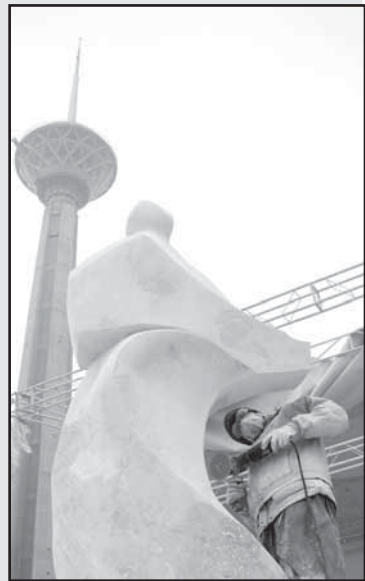
● جایگاه حجم و سفال در هنرهای اسلامی چگونه است؟

○ سفال هنر بومی ماست. هنرمندان سفال کار ما که ظروف را به شکل های حیوانی و انسانی می ساختند، بعد از اسلام آوردن سفال را به شکل هندسی و فیگورهای کاملاً آنالیز شده و به صورت حجم های انتزاعی درست کردند تا رابطه مستقیمی با شکل های رئال نداشته باشد. بعد از اسلام از دوران سلجوقیان به بعد سفال هایی که داریم همگی حجمی و زیبا هستند و مشکلی هم از نوع شرعی ندارند. نگاه ما ایرانی ها به سفال همان نگاهی است که به حجم سازی داریم. یعنی حجم برای ما زیباست. وقتی هنرمند ما اسلام را پذیرفت، شرایط کارش را با سنت و قانون دینش وفق داد. در حجم سازی دوران اسلامی ما سنگ را هم داشتیم؛ مثلاً ظروف سنگی که در آن ها آب می ریختند الان در مسجد امام اصفهان هم وجود دارد که بسیار زیباست. بدین ترتیب می شود گفت که هندسه حجمی بعد از اسلام در ایران بسیار رواج پیدا کرد.

● توصیه شما برای توانمندسازی

معلمان در حوزه حجم شناسی و مجسمه سازی چیست؟ آیا کتاب های آموزشی در این زمینه وجود دارد؟





○ در بحث حجم‌شناسی دو یا سه کتاب در بازار ایران وجود دارد. از کارگاه هنر استاد شهایی که آن‌ها هم البته بیشتر قالب‌گیری است نه حجم. در حوزه آموزش و پرورش کتاب حجم نداریم. البته کتاب هنری که بیست سال پیش تألیف شد. بخش کوچکی به نام خمیر داشت. آموزش و پرورش در این زمینه بسیار کم کار کرده، خانواده‌ها معمولاً برای فرزندانشان از بسته‌های خمیر می‌گیرند تا با آن کار کنند. اما ای کاش این کار در آموزش و پرورش هم اتفاق می‌افتاد. در این زمینه یک کتاب تألیف و در مدارس تدریس می‌شد البته نه در ساعات رسمی بلکه به صورت کمک آموزشی.

● نقش حجم و مجسمه‌سازی را در آموزش کودکان استثنایی بیشتر توضیح دهید؟

○ ابتدا به این موضوع اشاره کنم که تمامی معلمانی که با من کلاس داشتند، در حال حاضر اکثر آن‌ها به دنبال کار حجم و مجسمه‌سازی هستند. نقش برجسته هم بخشی از حجم است. معلمان در این زمینه می‌توانند نقش پررنگی داشته باشند البته به شرطی که آموزش ضمن خدمت هم برای آن‌ها گذاشته شود. در بحث حجم معلمانی که با بچه‌های کم‌توان ذهنی، استثنایی کار کرده‌اند اعتقادشان این است که بچه‌هایی که مشکل حرکات دست و پا داشتند، خمیر عامل خوبی برای به‌روز شدن آن‌ها است.

● بازدیدهای هنری - مانند این سمپوزیوم سنگ که برگزار شد تا چه اندازه می‌تواند از نظر هنرهای تجسمی بر توانمندسازی دانش‌آموزان و معلمان تأثیر داشته باشد؟

○ این مراسم در ایران به ندرت اتفاق می‌افتد؛ چون هزینه آن زیاد است و حامی بسیار قوی می‌خواهد. با وجود این بهترین فرصت برای تمامی علاقه‌مندان و دانش‌آموزان و معلمان است. نود درصد یادگیری از راه بصری و چشمی صورت می‌گیرد، به همین دلیل وقتی می‌آیند و آن را می‌بینند، قطعاً کار می‌کنند و تأثیر مثبتی نیز دارد. رشته گرافیک و نقاشی در کشور ما اشباع شده اما کار سنگ اصلاً انجام نمی‌شود، در صورتی که سنگ‌ها و معادن بسیار زیاد و زیبایی داریم که حتی به عنوان سنگ‌نما نیز صادر می‌شود. اگر زمینه این کار وجود داشت تا سنگ‌ها نه به صورت ورقه‌ای بلکه به صورت حجمی صادر می‌شد، ارزش افزوده نود برابری می‌داشت و حتی بازار کار بسیار خوبی ایجاد می‌شد.

در هر حال اگر از همه هنرمندان این زمینه سؤال کنید که چه مشکلی دارند، مسلماً همگی به نبود کتاب در مورد حجم اشاره می‌کنند.

● نقش مجلات آموزش رشد هنر را در ارتقای توانمندسازی و معرفی حجم‌هایی که با ایران اسلامی ارتباط پیدا می‌کند، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ مجله رشد که سابقه‌دار نیز هست، می‌تواند فضایی به وجود بیاورد که به مدت یک یا دو ترم آموزش حجم‌سازی را چاپ

کند و در اختیار معلمان بگذارد. از طرفی می‌تواند سراغ معلمان هنری برود که در زمینه کاری خود در مدارس و بازار کار موفق‌اند و پیشرفت خوبی دارند. به هر حال خوب است که تجربه شخصی آن‌ها در اختیار بقیه معلمان قرار گیرد. اما اگر مسئولان مجله بتوانند نگاه بازتری داشته باشند و حتی آموزش حجم را در دستور کارشان قرار دهند، این مسئله بسیار مفید خواهد بود.

● حجم را از چه زمانی باید آموزش داد؟

○ حجم و مجسمه‌سازی از لحاظ روان‌شناسی و روان‌درمانی می‌تواند در حوزه آموزش و پرورش گسترش یابد. در مهدکودک‌های انگلیس و ژاپن حوض شن و گل درست می‌کنند تا بچه‌ها با شن نرم شکل درست کنند و با گل بازی کنند. چرا؟ چون خلاقیت ذهنی‌شان شکوفا می‌شود. اما در مهدکودک‌های ما می‌گویند لباس کثیف می‌شود و از این صحبت‌ها.

کاش کار از همان مهدکودک‌ها آغاز شود، نه این که صرفاً حجم و مجسمه‌سازی را در کشور توسعه دهیم، خیر بلکه مجسمه‌سازی و حجم‌سازی را در خدمت آموزش بگیریم و این که آن را در خدمت درمان قرار دهیم.

● مدارس ما چگونه می‌توانند کارگاه و یا یک محیط کوچک برای حجم داشته باشند؟

○ شهرداری تهران پارکی به نام پارک ساعی دارد که حیوانات مختلفی را در آن قرار داده است و کاری را که آموزش و پرورش باید انجام دهد شهرداری آن را به انجام رسانده. یا این که حروف فارسی را بزرگ درست کرده و در پارک گذاشته است. این عمل در ذهن بچه می‌ماند و ملکه می‌شود. آموزش و پرورش در فضاهای آموزشی بازتر صورت می‌گیرد؛ البته اگر بتوانند در تربیت معلم نیز یک کارگاه حجم به صورت متمرکز در تهران داشته باشند. آموزش مجسمه‌سازی را نمی‌گویم، کارگاه حجم که با تکنیک‌های مختلف در اختیار معلمان قرار گیرد. کوزه سفال و گل را در کارگاه‌ها قرار دهند تا معلمان کار کنند؛ ضمن آن که این امر در شهرستان‌ها نسبت به تهران راحت‌تر و عملی‌تر می‌شود. آموزش و پرورش سالیان سال است که به مناسبت‌های مختلف تندیس می‌دهد. این تندیس‌ها که از بیرون تهیه شده‌اند، هیچ مفهومی ندارند و قابل نگه‌داری هم نیستند. اما اگر کارگاهی در این سازمان باشد که چنین تندیس‌هایی را در آن‌جا طراحی و پیاده‌سازی کنند، بسیار مطلوب و کارآمد است. قرار است شهرداری برای هنرمندان چنین کارگاهی را درست کند. کاش آموزش و پرورش دارالفنون را از دست نمی‌داد و کارگاهی در آن می‌ساخت.

● در حال حاضر مشغول چه کاری هستید؟

○ همزمان با همکاری در سمپوزیوم سنگ، مشغول ساختن یک کار حجمی به نام «نقاره‌ها» برای یکی از میدانی شهر مشهد هستم. امیدوارم امام رضا(ع) کمک کند و کار موفقی بشود.



د ر آ ی ن ه ن ر

هنر در آینه پژوهش



اشاره

آثار مثبت پژوهش‌های هنری در تولید اثر و آموزش هنر امری اثبات شده و بی‌نیاز از توضیح است. در عین حال، اهل هنر به‌خاطر تمرکز قابل توجه در تولید اثر هنری در بعضی موارد از پژوهش‌های هنری دور می‌مانند؛ در حالی که پژوهش بینش عمیق هنرمند را به دنبال دارد و در قوام و انسجام روند هنری او اثر قابل توجه می‌گذارد. کشف و شهود در حین کار و لحظات دلنشین بداهه دارای لذت هنری ویژه‌ای است؛ اما پژوهش هدفمند نیز می‌تواند بال پروازی باشد که هنرمند را در راه خلق اثر ناب به مقصد برساند. در مورد معلمان هنر و خانواده تعلیم و تربیت هنری، بهره‌گیری از دستاوردهای پژوهش در حوزه هنر علاوه بر ضرورت دارای اهمیت بیشتری است. خوشبختانه از حیث مطالعات انجام شده هنری حوزه تعلیم و تربیت در یک دهه گذشته از غنا و قوت بیشتری برخوردار شده و اهتمام در مورد بهره‌گیری از این گنج رایگان نیازمند همت‌های بلند و اذهان جست‌وجوگر است. «رشد هنر» پژوهش را مولد و محرک اصلی برای پویایی آموزش هنر می‌داند و معرفی برگزیده‌های کاربردی از پژوهش‌های هنری را به عنوان اصلی مهم دنبال می‌کند. در این راستا در این شماره دو پژوهش معرفی می‌شود.

مطالعه و بررسی برخی از مسائل اجرایی برنامه درسی هنر پایه سوم راهنمایی شهر تهران
این پژوهش با عنوان «مطالعه و بررسی برخی از مسائل اجرایی برنامه درسی هنر پایه سوم راهنمایی شهر تهران» توسط خانم عفت عباسی و با نظارت

دکتر عزت‌ا... نادری در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم انجام شده است.

هدف از انجام این تحقیق، بررسی و تشخیص برخی از عوامل بازدارنده - که در محیط آموزشی و مدرسه در پیشرفت و اجرای برنامه درس هنر مانع به عمل می‌آورند - بوده است. روش تحقیق، زمینه‌ای است و جامعه آماری آن کل دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی و تمام معلمان هنر در آموزش و پرورش شهر تهران و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و مصاحبه مکمل آن است. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

نتایج یافته‌های پژوهش

- در بیشتر مدارس همه بخش‌های کتاب هنر تدریس نمی‌شود.
- برخی از معلمان هنر به فعالیت هنری دانش‌آموزان توجهی نداشته و آنان را تشویق نمی‌کنند. حتی در مواردی در مقابل دانش‌آموزان بی‌علاقه به فعالیت‌های هنری، بی‌تفاوت هستند.
- برخی از معلمان هنر در جهت شناسایی و تقویت استعدادها، هنری دانش‌آموزان دست به اقدام آموزشی نمی‌زنند و به همین دلیل عملکرد آموزشی آن‌ها در وضعیت مطلوب قرار نمی‌گیرد.
- آشنا کردن دانش‌آموزان با ملاک‌ها و نحوه ارزش‌یابی هنری یکی از کارهای اساسی معلمان هنر است.
- صحبت در مورد هنرمندان و آثار آنان و نیز فواید درس هنر، و به همراه داشتن مدل آموزش هنری مورد نیاز دانش‌آموزان است.
- معلمان هنر مدلی را برای آموزش به کلاس نمی‌آورند.



پیشنهاد می‌شود که از محول کردن این ساعات به سایر معلمان غیرمتخصص در این زمینه خودداری گردد و معلمی مستقل به تدریس هنر پردازد و از تدریس سایر دروس توسط آنان خودداری به عمل آید

پردازد و از تدریس سایر دروس توسط آنان خودداری به عمل آید.

۱۲. تربیت نیروی انسانی متخصص برای آموزش هنر در مقطع ابتدایی مورد توجه قرار گیرد.
۱۳. تا زمان تأمین نیروی متخصص و تربیت شده برای اجرای برنامه درس هنر، به‌طور موقت پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
الف - استفاده از نیروهای متخصص در امور هنری و به‌خصوص کادر اداری آموزش و پرورش در صورت صلاحیت داشتن؛
ب - پیشنهاد می‌شود جهت تأمین کادر هنری، معلمان و افرادی که در مدرسه به درس هنر علاقه‌مندند ولیکن در این زمینه آگاهی و مهارت کافی ندارند، تحت دوره‌های آموزشی هنر قرار گیرند.

ج: سایر پیشنهادها

۱۴. ساعت درس هنر از یک ساعت به دو ساعت در هفته افزایش یابد، لیکن کیفیت تدریس نیز توأم با آن بالا برده شود. زیرا افزایش ساعت بدون بهبود کیفیت عملکرد معلمان مفید نخواهد بود.

۱۵. لازم است در برنامه هنر، به سایر استعدادهای هنری دانش‌آموزان توجه شود و آن را در برنامه مدارس نیز مدنظر قرار داد.
۱۶. رسانه‌های گروهی در تحکیم جایگاه هنر در جامعه و معرفی هنر به عنوان یک درس مهم و پایه‌ای در آموزش و پرورش مؤثر هستند. پیشنهاد می‌شود که از طریق وسایل جمعی و رسانه‌های گروهی در جهت شناسایی قدر و بهای هنر اقدام گردد.
۱۷. توجه به زمینه‌های هنری در مقطع دبیرستان و پرورش استعدادهای هنری دانش‌آموزان ضروری است.
۱۸. از طریق جلسات انجمن اولیا و مربیان و تشکیل سمینارها و جلسات بحث و گفت‌وگو می‌توان برنامه‌ریزی دقیقی جهت افزایش نگرش مثبت نسبت به درس هنر انجام داد.
۱۹. دانش‌آموزان هنرمند می‌توانند در آموزش و اجرای برنامه هنر در کلاس مؤثر باشند.
۲۰. یک ناظر و کارشناس مسئول هنر در هر منطقه به عنوان متولی تعیین شود.

با توجه به یافته‌ها، پیشنهادهای پژوهش به شرح زیر است:

الف: تهیه امکانات

۱. وسایل و ابزار هنری با قیمت مناسب و تعاونی در اختیار دانش‌آموزان و معلمان قرار گیرد.
۲. امکانات و بودجه لازم برای بردن دانش‌آموزان به مراکز و نمایشگاه‌های هنری تأمین شود.
۳. کارگاه‌های هنری همچون آزمایشگاه برای فعالیت هنری دانش‌آموزان در مدارس ایجاد گردد.
۴. تهیه نشریات و کتب هنری برای دانش‌آموزان و معلمان هنر در کلیه سطوح تحصیلی ضروری است.
۵. مراکز هنری وابسته به آموزش و پرورش در سطح مناطق تهران ایجاد شود.
۶. با توجه به مشکل ازدیاد جمعیت کلاس‌ها، با استفاده از دفاتر رسم‌المشق جهت تدریس خوش‌نویسی، می‌توان این مشکل را تا حدودی رفع کرد.

ب: تأمین نیروی انسانی

۷. از آن‌جا که درس هنر به عنوان وسیله‌ای برای تدریس سایر دروس و تسهیل امر یادگیری به کار می‌رود، ضروری است که چند واحد اجباری در زمینه هنر برای کلیه دانشجویان مراکز تربیت معلم و دانشگاه تربیت معلم منظور شود.
۸. تقویت و گسترش آموزش ضمن خدمت برای معلمان هنر باید مدنظر باشد.
۹. طرح و تنظیم برنامه‌های مدون و منطقی برای تربیت معلمان متخصص هنر در کلیه سطوح تحصیلی و جذب دانشجو در رشته هنر، مورد توجه قرار گیرد.
۱۰. نظارت و کنترل فعالیت‌های معلمان هنر و ارزش‌یابی از کار آنان برای اساس کار باشد.

۱۱. در مواردی کلاس‌های هنر به شکل زنگ تفریح و برای پرکردن ساعات موظفی معلمان درآمده است. پیشنهاد می‌شود که از محول کردن این ساعات به سایر معلمان غیرمتخصص در این زمینه خودداری گردد و معلمی مستقل به تدریس هنر



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)
- رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره دبستان)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴

آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱



پژوهش دوم

بررسی مسائل و مشکلات آموزش درس هنر دوره راهنمایی از دیدگاه معلمان هنر استان گلستان

«بررسی مسائل و مشکلات آموزش درس هنر دوره

راهنمایی از دیدگاه معلمان هنر استان گلستان» عنوان پژوهش دیگری است که توسط آقای جعفر دارابی در مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی انجام شده است. جامعه آماری این بررسی را ۹۰ نفر از معلمان زن و مرد استان گلستان تشکیل داده‌اند، ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه نگرش‌سنجی بوده و برای تحلیل داده‌ها نیز از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق به شرح زیر است:

۱. معلمان متخصص در هنر در مقایسه با معلمان هنر که در رشته‌های غیرهنری تحصیل کرده بودند، از نگرش مثبت بالاتری نسبت به این درس برخوردار بوده‌اند و علاقه‌مندی آنان به این درس به مراتب بیشتر بوده است.

۲. اکثر معلمان هنر در رشته‌های غیرهنری تحصیل کرده بودند، یعنی رشته تحصیلی آنان ارتباطی با مفاهیم این درس نداشته است.

۳. اکثر معلمان هنر نسبت به ساعات اختصاص یافته به این درس، امکانات لازم و وجود کتاب‌ها و نشریه‌های هنری اظهار کمبود و نارضایتی داشته‌اند.

۴. اکثر معلمان هنر اظهار داشته‌اند که در مدرسه جز هنر، دروس دیگر را نیز تدریس می‌کنند و درصد کمی نیز اظهار داشته‌اند که در ساعت مربوط به این درس دروس دیگر را آموزش می‌دهند.

۵. اکثر معلمان هنر بر آگاهی بیشتر مسئولان و نظام

برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در مورد اهمیت و محتوای درس هنر تأکید داشته‌اند و عمده‌ترین نارسایی در این درس را به جز موارد فوق‌الذکر کمبود معلم متخصص در هنر دانسته‌اند.

۶. برای ارزش‌یابی از کارهای هنری دانش‌آموزان (درسی و غیردرسی) ملاک‌های مختلفی عنوان شده است و درصد قابل توجهی از معلمان اظهار داشته‌اند که برای ارزش‌یابی این درس ملاک مشخصی ندارند و به صورت ذهنی نمره می‌دهند.



پیشنهاها

۱. برای آموزش درس هنر، در درجه اول از معلمان متخصص این رشته استفاده به عمل آید؛ در غیر این صورت، معلمان رشته‌های دیگر که علاقه‌مند به تدریس این درس هستند، دوره‌های آموزشی خاصی را بگذرانند تا از این طریق بخشی از کمبود معلم در رشته هنر جبران شود.
۲. ضروری است برای افزایش انگیزه‌های لازم در معلمان و دانش‌آموزان نسبت به مفاهیم درس هنر، اقداماتی نظیر تشکیل نمایشگاه از کارهای هنری دانش‌آموزان و معلمان انجام گیرد و جوایزی نیز به آثار آنان اهدا شود.
۳. برای ایجاد انگیزه‌های لازم در معلمان و دانش‌آموزان، نشریات مربوط به هنر و نیز کتاب‌های مربوط بیشتر از قبل در اختیار این دو گروه قرار گیرد.
۴. ضوابط و معیارهای مشخصی برای معلمان در نظر گرفته شود تا نمره‌های آن‌ها با یکدیگر قابل مقایسه باشد و جنبه ذهنی و شخصی به خود نگیرد.
۵. به‌طور کلی توجه لازم از سوی مسئولان مربوط در وزارت‌خانه به این درس صورت گیرد، برای تربیت معلمان متخصص و علاقه‌مند اهتمام شود و با اختصاص ساعات بیشتر به این درس در طی هفته ابزارها و وسایل لازم در اختیار مدارس قرار گیرد.



برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

- شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دوروش زیر، مشترک مجله شوید:
۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
 ۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

نام مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

پلاک: شماره پستی:

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۵۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال

ارگ کریم خان

ارگ کریم خان در مرکز شهر شیراز قرار دارد. این ارگ در دوره سلطنت سلسله زندیه بین سال‌های ۱۷۶۶ و ۱۷۶۷ ساخته شده است و پس از این که کریم خان زند شیراز را به عنوان پایتخت و این مکان را به عنوان مکان زندگی خود انتخاب کرد، به ارگ کریم خان معروف شد.

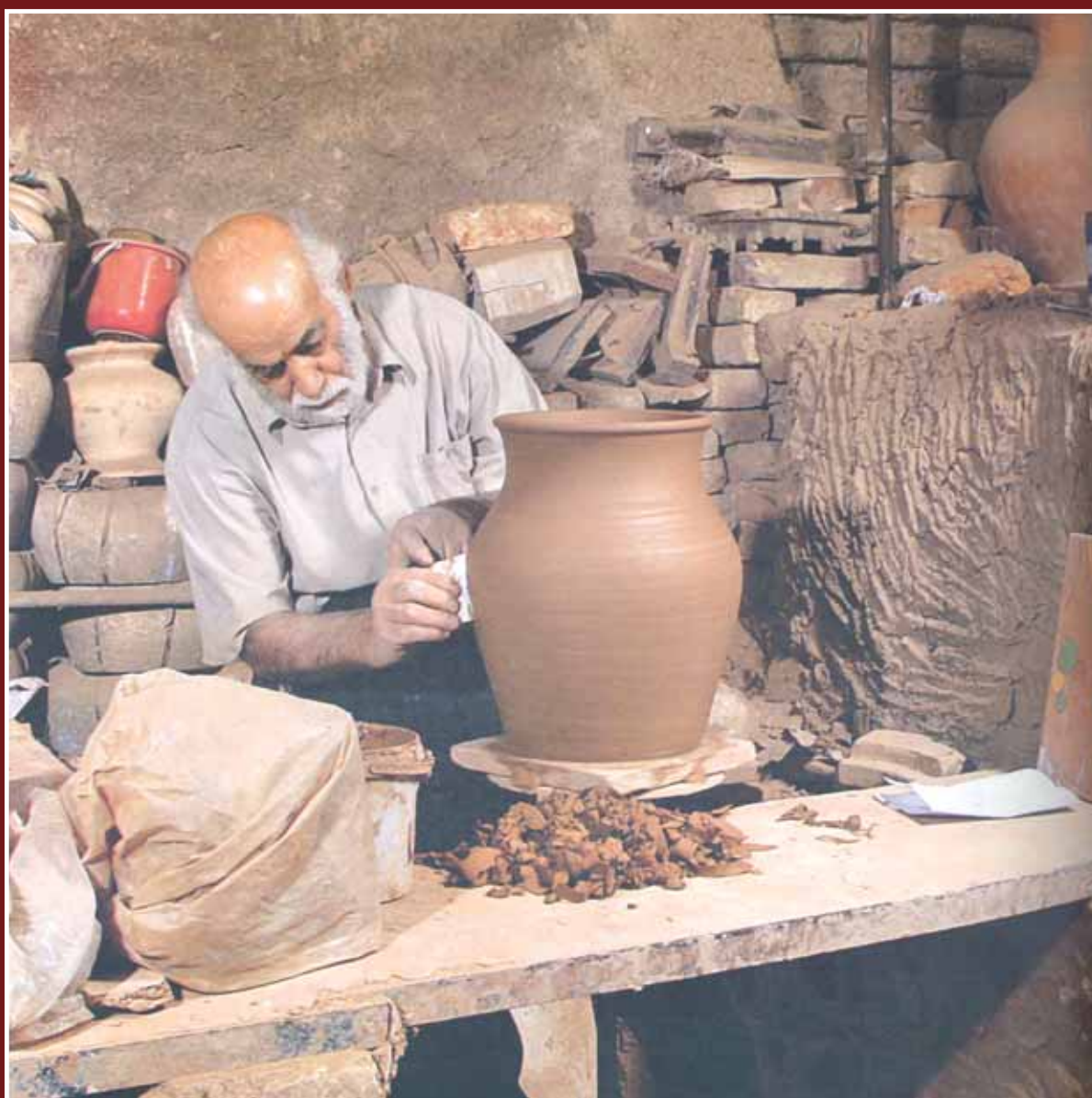
بنای ارگ ترکیبی از دو معماری مسکونی و نظامی است. بخش درونی ارگ با ایوان‌ها و اتاق‌های نقاشی شده، آبنماها و باغچه‌ها از ظرافت خاصی برخوردار است. سه ضلع شمال، جنوب و غرب هر یک دارای یک ایوان و شش اتاق مسکونی در دو طرف آن است. ضلع شرقی شامل حمام خصوصی و برخی امکانات خدماتی است.

برج و باروی چهارگانه به انضمام خندقی که سابقاً دور آن حفر شده بود نیز نقش دفاعی بنا را بر عهده داشته‌اند.



برای ساختن ظرف زیبا در عرصه هنر تنها استعداد کافی نیست، آموزش هم ضرورت دارد. هنرمندانی که قدرت آموزش اصول هنری را در خود می‌بینند، باید به یاری جوانان بشتابند.

مقام معظم رهبری



کارگاه سفال استاد عبدالله مه‌ری در لالچین بهار